



عنوان کتاب: زبور عشق

پدیدآور[ان]: دریابیگی، محسن

نام ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل

جلد[ها]: 1

نام و نام خانوادگی کاربر: فاطمه عظیمی

منبع: noorlib.ir کتابخانه دیجیتال نور

تاریخ دانلود: 1403/7/9

تعداد صفحات دانلود شده: 185

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# زبور عشق

یادداشت‌هایی بر دعاهای صحیفه سجادیه



شرکت چاپ و نشر بین الملل



شرکت چاپ و نشر بین الملل

نام کتاب: زیور عشق  
مؤلف: محسن دریاییگی

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۵

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: الوان، سپهر  
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

صفحه آرای: نادر شالیان

طراحی جلد:

مسئول تولید: شریف شایسته

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۶۹۶-۵

دفتر مرکزی:

تهران، میدان استقلال، سعدی جنوبی، پلاک ۲،

طبقه سوم

تلفن: ۰۲۱ - ۳۳۹۳۲۹۵۹

نمابر: ۳۳۱۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی:

میدان فلسطین، ضلع شمال شرقی، پلاک ۴ و ۵

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۹۳۱۹۸۰

نمابر: ۸۸۹۰۳۸۳۳

Email: intlpub@intlpub.ir

www.intlpub.ir

سرشناسه: دریاییگی، محسن  
عنوان قراردادی: صحیفه سجاده. فارسی. شرح  
عنوان و نام پدید آور: زیور عشق: یادداشت‌هایی بر دعاهای صحیفه سجاده / محسن دریاییگی  
مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۵  
مشخصات ظاهری: ۱۸۵ ص  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۶۹۶-۵  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.  
عنوان دیگر: یادداشت‌هایی بر دعاهای صحیفه سجاده.  
موضوع: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸-۹۴ ق. صحیفه سجاده - نقد و تفسیر  
موضوع: دعاها - نقد و تفسیر  
شناسه افزوده: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸-۹۴ ق. صحیفه سجاده - شرح  
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۳۰۴۳۷۷۴ ص ۸/۷/۲۶۷ BP  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۰۴۶۴۰

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری،  
اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری  
اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و  
بررسی، اقتباس در گیومه در مستند نویسی و مانند  
آنها) بدون مجوز کسی از ناشر ممنوع و از طریق  
مراجع قانونی قابل پیگیری است.

## فهرست

۹	.....	مقدمه
۲۱	.....	صحیفه سجادیه به مثابه متن
۳۵	.....	صحیفه کتابی فرا مذهبی
۴۴	.....	صحیفه در ایران اسلامی
۴۸	.....	درباره این اثر
۵۳	.....	دعای اول
۵۶	.....	دعای دوم
۶۰	.....	دعای سوم
۶۳	.....	دعای چهارم
۶۵	.....	دعای پنجم
۶۷	.....	دعای ششم
۷۰	.....	دعای هفتم
۷۲	.....	دعای هشتم
۷۴	.....	دعای نهم
۷۶	.....	دعای دهم
۷۸	.....	دعای یازدهم

۸۰	.....	دعای دوازدهم
۸۲	.....	دعای سیزدهم
۸۴	.....	دعای چهاردهم
۸۶	.....	دعای پانزدهم
۸۸	.....	دعای شانزدهم
۹۱	.....	دعای هفدهم
۹۴	.....	دعای هجدهم
۹۵	.....	دعای نوزدهم
۹۷	.....	دعای بیستم
۱۰۲	.....	دعای بیست و یکم
۱۰۴	.....	دعای بیست و دوم
۱۰۶	.....	دعای بیست و سوم
۱۰۹	.....	دعای بیست و چهارم
۱۱۲	.....	دعای بیست و پنجم
۱۱۵	.....	دعای بیست و ششم
۱۱۷	.....	دعای بیست و هفتم
۱۲۰	.....	دعای بیست و هشتم
۱۲۳	.....	دعای بیست و نهم
۱۲۶	.....	دعای سی ام
۱۲۹	.....	دعای سی و یکم
۱۳۴	.....	دعای سی و دوم
۱۳۸	.....	دعای سی و سوم



۱۴۰	.....	دعای سی و چهارم
۱۴۲	.....	دعای سی و پنجم
۱۴۴	.....	دعای سی و ششم
۱۴۶	.....	دعای سی و هفتم
۱۴۸	.....	دعای سی و هشتم
۱۴۹	.....	دعای سی و نهم
۱۵۱	.....	دعای چهلم
۱۵۳	.....	دعای چهل و یکم
۱۵۵	.....	دعای چهل و دوم
۱۵۷	.....	دعای چهل و سوم
۱۶۰	.....	دعای چهل و چهارم
۱۶۳	.....	دعای چهل و پنجم
۱۶۶	.....	دعای چهل و ششم
۱۶۸	.....	دعای چهل و هفتم
۱۷۱	.....	دعای چهل و هشتم
۱۷۳	.....	دعای چهل و نهم
۱۷۵	.....	دعای پنجاهم
۱۷۷	.....	دعای پنجاه و یکم
۱۷۹	.....	دعای پنجاه و دوم
۱۸۱	.....	دعای پنجاه و سوم
۱۸۲	.....	دعای پنجاه و چهارم

زبورہ نور رواق العظمہ      یفوق کل الزبر المعظمہ  
زبورہ فی الحمد و التمجید      زینته عرش ربہ المجد  
فیہ من الاخلاص والتوحید      ما لاتری علیہ من مزید<sup>۱</sup>

«زبور او (صحیفہ سجادیہ) نور رواق عظمت است کہ از کتاب‌های بلند و باعظمت دیگران برتر است. زبور او در حمد و ستایش خداوند، زینت عرش خدای بلند مرتبه و ارجمند است. در این کتاب آن قدر از اخلاص و توحید سخن گفته شده کہ بیش از آن جای سخن گفتن نیست.»

## مقدمه

حافظ وصال می‌طلبد از ره دعا

یارب دعای خسته‌دلان مستجاب کن  
دعا در لغت به معنای فراخوانی و نداکردن و درخواست، و نیز  
حاجت‌خواهی از خداوند است. فراخوانی چه از سوی زبردست باشد -  
مانند بنده که پروردگار خود را بخواند - یا از بزرگتر و مهتر که زبردست را  
فراخواند مانند دعا و دعوت پیامبر ﷺ نسبت به کفار و مشرکین که آنها را  
به سوی خداوند می‌خواند و چه از جانب مساوی به مساوی باشد  
همچون عامه مردم نسبت به یکدیگر، واژه دعا در لغت عرب به آنها  
اطلاق می‌شود.

در اصطلاح، دعا عبارت است از خداخوانی و استغاثه و زاری و  
درخواست چیزی - از نیک و بد - برای خود یا دیگری از درگاه خداوند.  
در معارف دینی گاهی ذکر را دعا خوانده‌اند، چنان‌که در حدیثی از پیامبر  
اکرم ﷺ آمده است که بهترین دعا «الحمد لله» است و نیز از آن حضرت  
روایت شده که فرمودند: بیشترین دعای من و دعای پیامبران پیش از من

در عرفات گفتن «لااله الاالله وحده لا شریک له الملك و له الحمد وهو علی کل شیء قدیر» بوده است. کنایه از اینکه ثناگویی انسان نسبت به خداوند همان اظهار نیاز و حاجت به پیشگاه خداوند است.

جامع‌ترین معنای دعا همان طلب به معنای عام است که شامل طلب تکوینی و سؤال فطری می‌شود. حقیقت دعا که توجه به خداوند متعال و درخواست رحمت و عنایت اوست، در سرشت هر مخلوقی نهفته شده و رشته وجود همه موجودات به ذات بی‌نیاز حق پیوسته است.

تاریخ دعا با شروع آفرینش همراه بوده است. قرآن کریم از ابتدای آفرینش درخواست و اظهار نیاز ملائکه و آدم نبی را ذکر می‌کند.<sup>۱</sup>

دعا علاوه بر آنکه مقدمه تقرب است، خودش تقرب به خداوند است. قرآن کریم دعا را طریقه ارتباط با خدا شمرده و می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْجَبُوكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛ بگو پروردگارم برای شما اجری قائل نیست، اگر دعای شما نباشد»<sup>۲</sup>

دعا تنها راه نجات بلکه طریق فراروی به مراتب عالی کمال هم هست؛ چنانکه از صادق اهل بیت منقول است که «ان عندالله منزلة لاتنال الا بمسأله؛ به درستی در نزد پروردگار درجه و منزلتی است که جز با درخواست از خدا به آن نمی‌توان رسید»<sup>۳</sup>

هیچ دعا و درخواستی نمی‌شود مگر اینکه خواهنده، علاوه بر یافتن عطیه قابلیت و قرب، آماده برای کسب فیض بیشتر می‌شود.<sup>۴</sup>

۲. فرقان / ۷۷.

۱. بقره / ۳۲ و ۳۷.

۴. حسن حسن‌زاده آملی، ممدالهمم، ص ۸۰.

۳. کافی، ج ۲، ح ۴۶۶.



ترک دعا مقتضی از دست دادن استعداد پذیرش رحمت و عنایت الهی می‌گردد.<sup>۱</sup>

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

و تو خود فرموده‌ای: مرا بخوانید تا شما را دریابم و کسانی که از سر کبر و غرور از عبادت من روی برمی‌تابند زود است که با خواری و زاری در دوزخ درآیند و تو (ای خدای مهربان) دعای (بندگان) خود را عبادت خواندی و ترک آن را نافرمانی و سرکشی نام نهادی و وعده دادی که اگر (بندگان تو) دعا را ترک نمایند، به خواری و زاری در جهنم درآیند.<sup>۲</sup>

طبق بیان قرآن کریم جان مایه دعوت انبیاء دعوت به عبودیت و بندگی الهی است.<sup>۳</sup> اساس و حقیقت این عبودیت طبق فرمایش پیامبر دعا و مسألت از خداوند است.<sup>۴</sup> با این بیان اگر بنده فقر و مسألت از حضرت حق را ترک کند از حقیقت بندگی بهره‌ای نبرده و دعوت پیامبران را اجابت ننموده است.

به بیان دیگر کسی که از کوثر دعا محروم باشد از چشمه دعوت الهی مهجور بوده است از اصل حیات محجور است زیرا در حقیقت انسان حقیقت و... جز بندگی و وابستگی ندارد و ظهور و بروز این حقیقت تنها از طریق دعا امکان‌پذیر است. درحقیقت عبادت احساس حضور است و

۱. غافر / ۶۰.

۲. وَ قُلْتُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ، فَسَمِيتُ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَ تَرَكُهُ اسْتِكْبَارًا، وَ تَوَعَّدْتُ عَلَى تَرَكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.

(صحیفه، دعای ۴۵/۱۵). ۳. مطلبی موجود نبود.

۴. مطلبی موجود نبود.

بیش از هر زمانی هنگام احساس نیاز شکل می‌گیرد که هویت‌بخش دعاست.

دعا و نیایش قبل از آنکه ابزار زندگی باشد ابراز بندگی است و پیش از آنکه خواهش تن را ادا کند حاجت دل را روا می‌کند، و برتر از آنکه سفره نان را فراخی بخشد، گوهر جان را فربهی می‌دهد. دعا فقط صحنة خواندن خدا نیست بلکه عرصه شناختن او نیز هست. تنها صحبت کردن نیست گفت و شنود نیز می‌باشد.

امام علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش می‌فرماید: «يا بُنَيَّ وَأَعْلَمُ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ؛ فرزندم بدان خدایی که خزائن آسمان و زمین در دست اوست به تو اجازه داده است که دعا کنی.»<sup>۱</sup>

در برکات دعا در تربیت آدمی سخن حضرت امام صادق علیه السلام برای آدمی کفایت می‌کند که فرمودند: هیچ حجابی میان بنده و خداوند متعال تاریک‌تر و وحشتناک‌تر از هوای نفس نیست و برای دفع آن هیچ سلاحی همانند افتقار به سوی خدا و خشوع و گرسنگی و تشنگی در روز و شب‌زنده‌داری نیست که اگر صاحب این اعمال در این مسیر جان دهد، شهید محسوب شده است و اگر در این مسیر استقامت ورزد، رضوان الهی نصیبش گردد.<sup>۲</sup>

به تعبیر اقبال لاهوری نیایش به وسیله اشراق نفسانی، عمل حیاتی و

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. جواد ملکی تبریزی، رساله لقاءالله، ص ۱۰۸.

متعارفی است که به وسیله آن جزیره کوچک شخصیت ما، وضع خود را در کل بزرگتری از حیات، اکتشاف می‌کند.<sup>۱</sup>

اگر به این نکته توجه کنیم که دعا حکایت از ساحت و مرتبه وجودی است که در دعاکننده است<sup>۲</sup>، برترین دعا خواست ولی خدا است که به بهترین زبان از خداوند درخواست می‌کند.

به تعبیر استاد حسن زاده آملی: «ادعیه و اذکاری که از ائمه اطهار صادر شده است بیانگر مقامات و مدارج انسانی است»<sup>۳</sup> در سایه همین ادعیه است که می‌توان رفعت یافته و از چنگال هواهای نفسانی رهایی یابیم.

همین نگاه است که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «سبب النجاة فی المناجاة؛ مناجات نجات بخش است». اکسیر دعا می‌تواند آدمی را به ساحل امن رسانیده و از جهنم خیال و غرور رها سازد.

توجه به دعا در میان شیعیان به اوج خود رسیده و متون فراوانی را در این مذهب به دعا اختصاص داده‌اند. هیچ یک از مذاهب اسلامی به دعا و

۱. اقبال لاهوری، احیای فکر دینی، ص ۱۰۵.

۲. در تمامی ادیان آسمانی به دعا توجه شده و هیچ یک از این ادیان بی بهره از دعا نیست. می‌توان گفت که نحوه نیایش‌ها، سطح فرهنگ و اقوام و ملل را نشان می‌دهد (ر.ک: صحیفه سجادیه، مقدمه و ترجمه اسدالله مبشری، نشر نی، سال ۷۰، ص ۱۲، این مقدمه خواندنی است.) در بخشی از این مقدمه عین مطلب دکتر علی تقی منزوی از فهرست کتابخانه اهدایی سیدمحمد شکوه به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۱، ذیل شماره ۱۰۹ آورده است که قبل توجه است. در مورد سند صحیفه سجادیه مطلب ایشان خواندنی است (برای دعا در ادیان و مذاهب دیگر ر.ک: عبدالحسین زرین کوب، در قلمرو وجدان، ص ۴۵۸).

۳. رساله نور علی نور، فصل دوم، ص ۳۱؛ وی در جای دیگری می‌نگارد: هر یک از ادعیه ماثوره، مقاله علمیه پیغمبری یا امامی است. ر.ک: هزار و یک نکته، نکته ۳۳۲.



تأسیس و اساس و تشیید مبانی اصول و تعلیم و شرایط و آداب آن و تدوین بهترین و جامع ترین و کتابهای دعا به مانند مذهب تشیع نپرداخته اند.

معارفی که در ادعیه حضرات اهل بیت علیهم السلام موجود است در فضای کلی روایات نیز امثال آن را گاهی نمی توان یافت. این از آن روست که در روایات به مرتبه درایت و قابلیت روات سخن می گفتند نه هر چه گفتنی بود. اما در ادعیه و مناجات ها با جمال و جلال مطلق و محبوب و معشوق حقیقی به راز و نیاز بودند؛ لذا آنچه در نهان خانه سرّ و نگارخانه عشق و بیت المعمور ادب داشتند به زبان می آورند و به راز و نیاز می پرداختند و آنچه گفتنی بود می گفتند.

به بیان لطیف عارف کامل و عالم عامل حاج میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب المراقبات فی اعمال السنه در فصل نهم ماه مبارک رمضان می نگارد: باری این دعاهایی که از آن پاکان معصوم علیهم السلام به ما رسیده است گویا همه پاسخ و پژواکی است از آنچه در قرآن کریم آمده است. به دیگر سخن گویا این دعاها «قرآن صاعد» بالا رونده اند در برابر آن قرآن نازل فرود آمده و این قرآنی است که از سوی خدا بر بنده برگزیده اش پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و آن ها قرآنی هستند که از سوی بندگان برگزیده به سوی خدا بالا می روند. قرآن مناجات و گفتگوی خدا با بنده برگزیده است و دعا گفت و گو و مناجات بندگان برگزیده با خدا و این را جز اندکی از مردم - آشنایان معرفت شناس - در نمی یابند و نمی پذیرند.<sup>۱</sup>

۱. پژوهشی در معارف امامیه، علیرضا مسجدجامعی، ج ۲، ص ۹۷۸.  
امام خمینی می فرماید: ائمه طاهرین علیهم السلام بسیاری از مسائل را باللسان ادعیه بیان



یکی از زیباترین متون نیایشی در مکتب اهل بیت صحیفه سجادیه است. متنی که علاوه بر ارتباط میان بنده و خالق دایرةالمعارفی است مشتمل بر اسرار توحیدی، مکارم اخلاقی و دستورات تربیتی این ادعیه علاوه بر اظهار نیاز و عشق به درگاه بی‌کران حضرت احدیت آگاهی آدمی را عمق بخشیده و عزم وی را برای تحقق خوبی‌ها برمی‌انگیزد.

امام سجاد (۳۷-۹۵ ه.ق) در شرایط خاص تاریخی خود که فرهنگ اصیل اسلامی و شعائر دینی در حال افول و سیر قهقرایی بوده با استفاده از استراتژی سلاح دعامت اسلامی را به صلاح و سعادت معنوی دعوت نموده است. درحقیقت با استفاده از این سلاح معنوی دفاع فرهنگی را در برابر سیطره فرهنگ غیردینی به کار گرفته است. از این رو ادعیه صحیفه منحصر به حالات فردی و معنوی نمی‌باشد بلکه دعاها و فقراتی از این کتاب مرتبط با خانواده و اجتماع و مسائل پیرامون آن است.

ویلیام چیتیک دانشمند آمریکایی معاصر مترجم صحیفه سجادیه به انگلیسی در مقدمه اثر خود می‌نگارد: اهل بیت پیامبر ﷺ برای انتقال معارف به دیگران و تبدیل شدن معارف به دارایی مشترک، زبان دعا را برگزیده‌اند... بیشتر ادعیه صحیفه این‌گونه می‌باشد. در درون یکی از دعاها صحیفه نیز این نشانه را میتوان یافت امام در دعای والدین (دعای بیست و چهارم) به گونه‌ای صحبت می‌کند که گویی والدینش زنده‌اند در

---

← فرموده‌اند. لسان ادعیه با لسان‌های دیگری که آن بزرگواران داشتند و احکام را بیان می‌فرمودند، خیلی فرق دارد اکثراً مسائل روحانی، مسائل ماورای طبیعت، مسائل دقیق الهی و آنچه را مربوط به معرفه‌الله است با لسان ادعیه بیان فرموده‌اند (جهاد اکبر، ص ۳۷).

حالی که چنین چیزی ممکن نیست، مگر در صورتی که تصور کنیم که ایشان این دعا را پیش از واقعه کربلا نگاشته است.

صحیفه یکی از خیرهای کثیری است که از بیت وحی برای انسان‌ها به یادگار مانده است. در این زمینه فخر رازی در تفسیر سوره کوثر می‌نویسد: کوثر به احتمال قوی حضرت فاطمه علیها السلام است که از نسل او مانند علی بن الحسین علیه السلام به وجود آمد. وی بزرگترین آموزگار و مربی بشری در فن تعلیم و تربیت بوده است.

امام سجاده علیه السلام با بهره‌گیری از زبان فطری سعی بر ترویج معارف الهی داشته است. بهترین وسیله در فضای انحرافی و اختناق بنی‌امیه همین زبان فطرت بوده است. ابزاری که کارکرد سیاسی خود را نیز در پی دارد و جایگاه معرفتی اهل بیت را معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. امام راحل بنیانگذار انقلاب اسلامی می‌نویسد: «صحیفه سجاده نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگترین مناجات‌های عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است. آن کتابی است الهی که از سرچشمه نور الهی نشأت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم‌الشان را به اصحاب خلوت‌گاه الهی می‌آموزد. کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیه اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم بدون تکلف الفاظ در شیوه دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان می‌کند. این کتاب مقدس چون قرآن کریم سفره الهی است که در آن همه‌گونه نعمت موجود است و هرکس به مقدار اشتها معنوی خود از آن استفاده می‌کند. این کتاب همچون قرآن الهی ادق معارف غیبی است که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و ملقوق آن حاصل می‌شود در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران را از حقایق آن کوتاه است. به شیوه خلص خود قطراتی که از دریای بی‌کران عرفان خود چشانند و آنان را محو و نابود می‌کند.

پس عدم کردم چون ارغنون گویدم انا الیه راجعون

(صحیفه سجاده، ترجمه محمدی اشتهاردی، ص ۳۰-۳۱)

به تعبیر آیت‌الله سبحانی: صحیفه یک مدرسه الهی است که همه نوع آموزشهای اخلاقی و اجتماعی و سیاسی در آن هست و به یک معنا

«همچنین امام راحل(ره) در کتاب آداب الصلاة می‌نویسد: و در کلمات ائمه اطهار خصوصاً در صحیفه سجادیه همان صحیفه نورانیه که از سماء عرفان عارف بالله و عقل نورانی سید ساجدین نازل شده برای خلاص بندگان خدا از سجن طبیعت و فهماندن ادب عبودیت و قیامت در خدمت ربوبیت این لطیفه الهیه بسیار ذکر شده است (آداب الصلاة، ص ۱۲۹؛ برای اطلاع بیشتر از نگاه امام راحل به کتاب شریف صحیفه سجادیه ر.ک: کتابهای حدیثی از نگاه امام خمینی، احمد عابدی، فصلنامه علوم، حدیث، ش ۱۴).

زبان فطرت بودن صحیفه به آن معنا نیست که مضامین صحیفه محدود به حالات فردی می‌شود اساساً برای وصول به کمال نمی‌شود میان فرد و اجتماع دیوار کشید. اصلاح آدمی همراه با اصلاح اجتماع است. از این رو مضامینی در این کتاب است که وظیفه و نسبت ما را با خانواده‌آشنایان و اجتماع و... تبیین می‌کند تا آنجا که دعای مستقلی درباره همسایگانش و دوستانش و در رابطه با مرزبانان در این کتاب آمده است. به وظایف آدمی احکام، اخلاقی، اعتقادات، به موقعیت انسان در قبل از دنیا و در دنیا و بعد از آن و مراتب هستی و حالات مختلف آدمی و.. موضوعاتی که تمامی آنها بر زندگی آدمی چه در بعد معرفتی و چه عملی اثرگذار می‌باشد.

نگاهی به فهرست عناوین ادعیه این امر را به خوبی آشکار می‌سازد. اما برای اشراف در این رابطه می‌توان به کتاب «شریف‌الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه» استاد محمد حسین مظفر و فرهنگنامه موضوعی صحیفه سجادیه در سه مجلد زیر نظر سید احمد سجادی مراجعه نمود.

شهید محمد باقر صدر: «صحیفه سجادیه بینگر یک فعالیت بزرگ اجتماعی می‌باشد که شرایط اجتماعی و سیاسی امام سجاد(ع) اقتضای آن را داشته است علاوه بر آن که صحیفه خود میراثی است الهی است که در باب خود بی‌نظیر بوده و تا جهان باقی است منبع عطاء و مشعل هدایت و مدرسه اخلاقی و تهذیب نفس خواهد بود و جامعه بشری به این میراث محمدی علوی سخت نیازمند است و تا فریب‌های شیطانی و فتنه‌گری دنیا رو به افزایش است نیاز به آن هرچه بیشتر احساس می‌شود. (فرهنگ صحیفه سجادیه، منصور خاکسار، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، زمستان ۷۷)



مکتب نمونه تربیت است که سید ساجدین با الهام الهی آن را پی‌ریزی کرده است.<sup>۱</sup> همین زبان به آن جا انجامید که مورخین ذکر کرده‌اند که در سفر حج هزار قاری حضرتش را همراهی می‌کردند.<sup>۲</sup>

سبط بن جوزی اهل سنت در «خصائص الائمة» می‌گوید: اگر علی بن ابی‌طالب نمی‌بود، معارف مسلمانان کامل نمی‌شد و ژرفای توحید را در نمی‌یافتند؛ زیرا پیامبرگرمی اسلام، جز برای بیان اصول و مبانی اعتقادی و احکام عملی فرصتی نیافت. از این رو، مسلمانان در تبیین معارف توحیدی ریزه‌خوار سفره دانش امیرالمؤمنین و شاگردان اویند.

و نیز گفته است که: اگر علی بن الحسین زین‌العابدین علیه السلام و صحیفه سجادیه او نبود مسلمانان شیوه سخن‌گفتن و رویارویی با خداوند و رازگویی با پروردگار خویش و عرض حاجت به بارگاه ربوبی را

۱. فرهنگ صحیفه سجادیه، منصور خاکسار، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، زمستان ۷۷.  
 ۲. برخی با توجه به مطالبی که در سند صحیفه سجادیه آمده، مبنی بر اینکه زید به پسرش یحیی سفارش کرده که مواظب باش به غیراهلش ندهی؛ استفاده کرده‌اند. این کتاب صرفاً یک کتاب دعایی نیست بلکه یک مرامنامه سیاسی است. (ر.ک: پیام حوزه، پیش‌شماره، پاییز ۷۲، ص ۱۵۷-۱۷۷ مقاله «کتلی ناشناخته» بررسی تازه پیرامون صحیفه سجادیه)؛ به نظر می‌رسد همان‌طور که دکتر علی نقی منزوی در فهرست کتابخانه دانشگاه تهران، ج اول، ذیل شماره ۱۰۹ این کتاب را سرّ الهی برشمرده است، حضرات اهل‌بیت نمی‌خواستند معارف اعتقادی و خالص شیعه در شرایط تقیه منتشر گردد. ضمناً آنکه در زبان اهل‌بیت سیاست از معارف و توحید برکنار نیست. سیاستی که مورد توجه اهل‌بیت است صرفاً امری است در راستای اشاعه معارف الهی از این رو صحیح نیست که به ترویج معارف الهی به عنوان ابزاری برای رسیدن به امری دیگر توجه نمود.

۳. سید حسن امین، الامام زین‌العابدین، مجموعه الابعاد الانسانیة والحضاریة فی الصحیفه السجادیة، ص ۲۱۵.

نمی دانستند و او بود که شیوه گفت و گو با آفریدگار بزرگ و شکوه بردن در سختی ها و گرفتاری ها را به پیشگاه او به ما آدمیان آموخت. بنابراین، این دو بزرگوار، که خدای از آنها خشنود با نسبت به مسلمانان تا روز رستاخیز حق آموختن و آگاهانیدن را دارند.<sup>۱</sup>

امام سجاده علیه السلام در خانواده ای رشد کرده که دعا جایگاه بسیار رفیعی داشته است. از حضرتش روایت شده است که: «کان ابی اذا احزنه امر جمع النساء و الصبیان ثم دعوا»؛ پدرم امام حسین علیه السلام هنگامی که امری او را محزون کرد زنان و کودکان را جمع می کند پس از آن دعا می کردند.

همچنین در او اوصاف جد بزرگوار ایشان آمده است. «کان رجلاً دعاء»؛<sup>۲</sup> امیرالمؤمنین بسیار دعا می کرد» دعاهاى صحیفه سجادیه که زمانهای مختلف (روز، هفته، سال) و حالات گوناگون (ترس، رضا، تضرع، هم، ...) را پوشش می دهد یادآور معارف الهی و وظایف عبادی فرد در شرایط مختلف است. خواننده دعا با تکرار این ادعیه ناخودآگاه بذر معارف الهی را در بوته جان خویش کاشته و در خلوت خویش با باران اشک آن را آبیاری و پرورش داده است. این صحیفه نورانی ضمن فهماندن ادب عبودیت، آدمی را از زندان طبیعت و خواسته های نفسانی رهانیده و او را آماده برای خدمت حضرت ربوبی کرده و از ساحت شرک

۱. اسرار خاموشان، محمد تقی خلجی، ج ۱، ص ۱۳۷، به نقل از الاجازه الکبیره، ص ۴۵۴.

۲. به نقل از کتاب صحیفه سجادیه، مقدمه استاد کاظم مدیر شانه چی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ص ۱۰، ۱۳۷۱ ش، این مقدمه واجد مطالب مفیدی به ویژه در رابطه با

چلب های صحیفه سجادیه است. ۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ۱۰۸۵/۳.



و بدی‌ها مبرا می‌سازد. وظایف و تکالیف خویش را یادآور و کاستی‌ها و نقایص بندگی خویش را متذکر می‌شود و از این طریق در جهت انجام و وظایف و ترک نقایص گام برمی‌دارد.

شرط اساسی برای بهره‌مندی از صحیفه سجادیه بسان دیگر ادعیه معصومین حضور قلب، و توجه به خواسته‌ها و حقایقی است که ابراز و اظهار می‌شود. اندک توجهی به معارف دعا سبب می‌گردد که روح آدمی را به لامکان متوجه کرده و با عنایت حق از موانع خویش رهایی یافته ببیند. اما اگر دعا را همانند کودکی که تصویری از عبارات ندارد و صرفاً به لقلقه لسان کفایت می‌کند بخوانیم نه تنها مایه رهایی و نجات ما نمی‌گردد بلکه ممکن است آفاتی را نصیب جان آدمی کند. به تعبیر بزرگان قلب بی‌حضور، چراغ بی‌نور و ذاکر بی‌حضور، بسان کوری است که در دست او مشعل نور است.<sup>۱</sup>

در تمامی دعاهای اهل‌بیت قبل از کلامی ما را با مخاطبی که او را می‌خوانیم آشنا می‌نمایانند و دریچه معرفت ما را به اسماء و صفات محبوب باز می‌کنند؛ زیرا چگونه آدمی انتظار برآورده شدن دعاهای خویش را دارد با آنکه نمی‌داند چه کسی را می‌خواند.

در روایت آمده است که قومی از امام صادق علیه السلام کردند که چرا دعا می‌کنیم اما دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ امام فرمودند: «لانکم تدعون من

۱. مرحوم محمد باقر مجلسی در رساله اعتقادات معروف به لیلیه سفارش می‌کنند که دعاهای پر شور و گداز را بدون حال خوانده نشود. اما دعاهای روزانه خواندن عادی تبعات معنوی ندارد.

لا تعرفونه؛ زیرا شما آن را که می خوانید نمی شناسید.<sup>۱</sup>

باید انسان در وقت ذکر مثل کسی باشد که کلام دهن طفل می گذارد و تلقین او می کند برای اینکه او را به زبان بیاورد و همین طور انسان باید ذکر را تلقین قلب کند و مادامی که انسان با زبان ذکر می گوید و مشغول تعمیر قلب است، ظاهر به باطن مدد می کند همین که زبان طفل قلب باز شد از باطن به ظاهر مدد می شود چنانچه در تلقین طفل نیز چنین است... انسان اگر مدتی مواظبت کند در نماز و اذکار و ادعیه به این ترتیب، البته نفس عادی می شود و اعمال عبادی هم مثل اعمال عادی می شود که در حضور قلب در آنها محتاج به رویه نیست بلکه مثل امور طبیعه عادی می شود.<sup>۲</sup>



### صحیفه سجادیه به مثابه متن

صحیفه سجادیه که با عناوینی همچون الدعاء الکامله، الدعاء الصحیفه و الصحیفه الکامله از آن یاد می شود. گنجینه ای است بسیار ارزشمند حاوی برخی از دعاهای امام سجاد زین العابدین علیه السلام که از زبان مبارک آن حضرت بر امام باقر علیه السلام املا شده و آن بزرگوار به خط مبارک خویش نوشته و امام صادق علیه السلام شاهد این املاء بوده است. این کتاب نخستین نیایش نامه مکتوب جهان اسلام و سومین کتاب مقدس شیعیان است. بنا بر سخن ابن شهر آشوب<sup>۳</sup> ششمین کتابی است که در اسلام تالیف گردیده است. اما

۱. بحار، ج ۹۳ / ۳۰۵ از نظر عارفان الهی تمام رذایل اخلاقی به ضعف معرفت خداوند

بازم گردد. برای نمونه ر.ک: رضا باقی زاده، برگی از دفتر آفتاب، ص ۹۵.

۲. امام خمینی، سرالصلوة، ص ۲۹؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۳۷۵ ش.

۳. معالم العلماء، ص ۳۸.

باید دانست که نخستین اثری است که از آثار صحابه و تابعین به جای مانده و در دسترس همگان قرار دارد. این کتاب چون راوی عیناً الفاظ امام را بیان کرده و نقل به معنا نکرده بسیار قابل توجه است.

صحیفه سجادیه نزد حضرات اهل بیت جایگاه رفیع داشته تا آنجا که امام صادق علیه السلام فرزند خود را دعوت به حفظ و صیانت از صحیفه سجادیه کرده است و هنگام ارائه صحیفه سجادیه به محمد و ابراهیم از آنان پیمان گرفت که آن را از مدینه خارج نکنند؛ چرا که فتنه‌ها در پیش است.<sup>۱</sup>

به خاطر جایگاه بلند این کتاب، در میان علماء ملقب به اخت القرآن (خواهر قرآن)، انجیل اهل بیت و زبور آل محمد صلی الله علیه و آله شده است.<sup>۲</sup>

وجه تسمیه صحیفه سجادیه به اخت القرآن از آن جهت است که نهج البلاغه را اخت القرآن نامیده‌اند و صحیفه نیز لفظی است مونث لذا به این کتاب اخت القرآن لقب داده‌اند.

همچنین مجلسی اول در رابطه با دو نام دیگر ظاهراً دلیل این نام‌گذاری آنست که همانطور که زبور و انجیل از سوی خداوند بر زبان داود و عیسی جاری شده، صحیفه هم از سوی خداوند بر زبان امام سجاد جاری گردیده است.<sup>۳</sup>

وی در جایی دیگر می‌گوید: از آنجا صحیفه سجادیه به انجیل اهل بیت و زبور آل محمد صلوات الله علیهم لقب گرفته است که صدور آن

۱. ر.ک: صحیفه.

۲. ابن شهر آشوب نخستین کسی است که صحیفه را به نام زبور آل محمد و انجیل اهل بیت خوانده است. ر.ک: معالم العلمی، زیل ترجمه متوکل بن عمیر و یحیی ابن

محمد الحسینی الدلفی. ۳. بحالانوار ج ۱۱۰، ص ۶۱.

از توانایی بشر خارج است و مشابهت با اسلوب وحی و الهام دارد. این کتاب از جهت شأن و رتبه واجد بالاترین دعا‌های مأثور و فصیح‌ترین بیان‌ها و صحیح‌ترین سندها و مضبوط‌ترین متن‌هاست و مطالب فراوانی را دربرگرفته است.<sup>۱</sup>

اما زبور موجود کجا و صحیفه کجا، در زبور موجود بیشتر سخنانی است مسجع از عشق به جلوه‌های طبیعت دیده می‌شود. اما صحیفه سجادیه با جملات آهنگین در مقابل انسان جهان‌هایی از وظیفه و اخلاق می‌گشاید و انسان را به آفاق ناشناخته راه می‌نماید.<sup>۲</sup>

دکتر زنی مبارک در کتاب «تصوف الاسلامی والادب والاخلاق» صحیفه را از جهات گوناگون با انجیل مقدس همانند دانسته است. با این تفاوت که انجیل روی دل را به سوی عیسی مسیح می‌گرداند و صحیفه دل را به آستان الهی متوجه می‌سازد.<sup>۳</sup>

صحیفه در لغت هر آن چیزی را گویند که بر آن مطلبی نگاشته شود. این عنوان که مصادیق وسیعی را در بر می‌گیرد برای تعیین برخی از مطالب فراوان امام سجاده علیه السلام به کار گرفته شده است. از امام زین العابدین دو صحیفه با موضوع موعظه و زهد روایت شده است.<sup>۴</sup>

راوی رساله زهد ابو حمزه ثمالی می‌باشد. وی حال مجلس امام را در هنگام بیان و عظم و زهد این‌گونه بیان می‌کند: «کان الامام علی بن

۱. فوائد الطریفه، علامه مجلسی، تحقیق سید مهدی رجایی مکتبه علامه مجلسی، تاریخ ۱۴۰۷، ص ۴.

۲. صحیفه سجادیه، مقدمه اسدالله مبشری، نشرنی، ص ۱۳، چپ ۷۰.

۳. هملجا. ۴. املی، ۱۲۵، کافی ۱۴/۸، ۱۷.



الحسین علیه السلام اذا تكلم في الزهد و وعظ ابكى من بحضرتہ، امام علی بن الحسین علیه السلام آن هنگام که از زهد و وعظ سخن می‌گفت افراد حاضر در مجلس به گریه می‌افتادند.<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب فوق باید گفت که عنوان صحیفه با وصف کامله در زمانهای متمادی اسم علمی برای این کتاب شریف گردیده است.

عنوان صحیفه کامله در حدود سال ۵۵۸ ه. ق به این اثر اطلاق شده است تا قبل از آن در متون فهرست و رجالی از این مجموعه با عنوان «الکامل»، «دعاء الکامل» و دعاء الصحیفه سجادیه یاد می‌شده است. دلایلی که این اثر را به این عنوان خوانده شده است یا به اعتبار محتوای آن است که کامل‌ترین و پرمحتواترین دعاها در آن گرد آمده است. یا به جهت گوینده آن که انسان کامل الهی است می‌باشد.<sup>۲</sup>

و همچنین گفته‌اند چون نسخه‌ای از صحیفه سجادیه که نزد زیدیه است که از نظر تعداد دعاها ناقص‌تر از دعا‌های این صحیفه مشهور است این صحیفه را کامله گفته‌اند.<sup>۳</sup>

نخستین راویان صحیفه سجادیه دو فرزند آن حضرت یعنی امام محمد بن علی علیه السلام و زید بن علی علیه السلام بوده‌اند - امام محمد باقر این ودیعت

۱. کتبی که از امام سجاده علیه السلام در کتب روایی و رجالی ذکر شده افزون از این تعداد است. آنچه در اینجا ذکر شده کتبی می‌باشد که به عنوان صحیفه در منابع از آن یاد شده است.  
۲. امالی مفید / ۴۵۲. ۳. ریاض السالکین ۱/۱۰۰.

۴. صحیفه کامله سجادیه، دارالکتب الاسلامیه، ترجمه صدر بلاغی، مقدمه ص ۳۱ این مطلب با شواهد تاریخی سازگار نیست ر.ک: الصحیفه الکامله، محمد جواد حسینی جلالی، دلیل ما، ص ۱۵ و ۱۶.



را به فرزند خود امام جعفر صادق علیه السلام سپرده است. و زید بن علی و دیعتی که نزد خود داشته به فرزند خود یحیی بن زید داده است. متوکل بن هارون با یحیی بن زید دیدار کرد؛ یحیی چون خبر شهادت خود را از متوکل شنید صحیفه‌ای را که در نزد او بوده به وی داده تا به مدینه آن را به پسر عموهای خود محمد بن عبدالله (معروف به نفس زکیه) و ابراهیم بن محمد (معروف به قتیل باخمري) برساند. متوکل به مدینه نزد امام صادق می‌آید و نسخه زید را با نسخه امام صادق علیه السلام مقابله می‌کند و آنها را یکسان می‌یابد به طوری که حتی یک حرف میانشان اختلاف نبوده است. متوکل بن هارون تعداد این دعاها را ۷۵ دعا یاد کرده است. یازده دعا را که خود متوکل نتوانسته حفظ نماید و تعدادی نیز از بین رفته است. مجموعه‌ای که اکنون به عنوان صحیفه کامله سجادیه در دسترس است حاوی ۵۴ دعا است. با این حساب این مجموعه فاقد ۲۱ دعا از متن اصلی می‌باشد. تمام کتب صحیفه موجود به نسخه امام محمد باقر بر می‌گردد. اکثر آنها به بهاء الشرف و از وی به امام محمدباقر منتهی می‌گردد. تعداد اندکی هم که غیر از بهاء الشرف روایت شده است، سند آن به عمیر بن متوکل منتهی شده است. نسخه‌ای که از خط زید شهید روایت شده موجود نیست. بنابر گزارش استاد علوم قرآن و حدیث کاظم شانه‌چی پس از جستجو اثری از این نسخه در کتابخانه‌های یمن نیز نیافته است.<sup>۱</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: الصحیفه السجادیه، با مقدمه استاد کاظم مدیر شانه‌چی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

برخی از عالمان بزرگ شیعه دامن همت به کمر زده و به گردآوری بقیه دعاهای امام سجاده علیه السلام پرداخته‌اند و صحیفه‌های دیگر را تحت عنوان ملحقات صحیفه به جهان اسلام عرضه داشته‌اند تعداد این آثار به بیش از ده اثر می‌رسد.<sup>۱</sup>

در مجموعه‌ای تحت عنوان الصحیفۃ السجادیة الجامعه تمامی دعاهای منسوب به آن حضرت یک جا تدوین شده است. این اثر به کوشش محقق ارجمند سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی است که علاوه بر جمع‌آوری این ادعیه، دعاهای منقول را تصحیح و در صورت نیاز نکاتی را به صورت تعلیقه و تحشیه نگاشته‌اند. مجموعه این دعاها در این صحیفه به «۲۷۰» دعا افزایش یافته و اسناد و ماخذ آن همراه با تحقیقی کامل در سلسله رواة و فهرست‌های گوناگون، ارائه شده تا بتوان از آن بهتر بهره برد.<sup>۲</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: امام‌شناسی، ۱۵/ ۵۴/ ۸۶ در این کتاب در مورد صحیفه‌ها و مطالبی دیگر پیرامون صحیفه اطلاعات مناسبی ارائه شده است.

۲. بر تمامی این مستدرک‌ها نقدهایی نگاشته شده است. برای اطلاع بیشتر از نقدهایی پیرامون هریک از این مستدرکات صحیفه ر.ک: امام‌شناسی، علامه تهرانی، ج ۱۵، ص ۵۴-۸۶ و ص ۱۱۲-۲۰۸.

دو نقد اصلی بر تمامی این آثار وارد است عبارتست از:

یک) اگر قرار است ملحقات صحیفه سجادیه نگاشته شود می‌بایست سند آن دعاها به متوکل بن هارون که مجمع اسلید صحیفه است منتهی شود؛ زیرا رواة صحیفه کامله از وی روایت کرده و تمامی روایات به او برمی‌گردد.

دو) ملحقات صحیفه می‌بایست دعاهایی را گرد آورد که از جهت اسلوب دعاها و محتوا به صحیفه نزدیک باشد. تنها دعای کاملی که با این دو شرط می‌توان بر صحیفه سجادیه افزود دعای سی و هفتم صحیفه سجادیه به روایت علی بن ملک است.

صحیفه کامله سجادیه از سه طریق اصلی روایت شده است:  
 امیر ماجد بن امیر جمال‌الدین محمد حسینی دشتکی ق ۱۱؛ سید مرتضی  
 زبیدی صاحب تاج العروس؛ عمیر بن متوکل.

از طریق عمیر بن متوکل شش طریق روایت کرده‌اند:

۱. روایت ابن مطهر؛ نجاشی و شیخ طوسی از طریق وی صحیفه را  
 روایت کرده‌اند.
۲. روایت ابن مالک؛ تنها شیخ طوسی از طریق وی صحیفه را روایت  
 نموده است.<sup>۱</sup>

۳. روایت ابن الاعلم: نسخه مستقلی از این اثر اکنون موجود نیست.

۴. روایت ابن شکیب: افندی این نسخه را ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

۵. روایت عبیدالله بن فضل:<sup>۳</sup> نجاشی اول کسی که به این نسخه اشاره

← الصحیفه السجادیه / محمد جواد حسینی ۴۳۲/۴۳۱.

۱. این نسخه هنگام اجرای طرح توسعه حرم مطهر امام رضا علیه السلام از زیر خاک قبه مبارکه  
 به دست آمد و توسط علامه سید محمد حسین حسینی جلالی تصحیح و احیاء گردید.  
 جریان مفصل این کشف (رک: امام شناسی، علامه تهرانی، ج ۱۵، ص ۱۰۱-۱۰۳).
۲. تا چندی پیش محققان از این روایت به عنوان جواهر یگانه مفقودالعین یاد می‌کردند  
 و نسخه‌ای از آن را نیافته بودند اما به لطف خداوند نسخه منحصر به فرد این روایت در  
 زمره گنجینه فاخر محفوظات حضرت آیت‌الله حاج سید محمد علی روضاتی بدست  
 آمد و توسط مرکز تحقیقات رایله‌ای حوزه علمیه اصفهان احیاء و چاپ گردید.
۳. این روایت هم به تازگی توسط استاد حاج سید محمد حسین جلالی در سال ۱۳۸۱  
 در کتب‌خانه ایاصوفیا استانبول به دست آمده است این کتاب در سال ۱۴۲۴ در  
 شیکاگو منتشر شده است. این نسخه حامل دو قسمت است. بخش اول رساله‌ای با  
 عنوان افلاطون فی النصایح و بخش دیگر به عنوان شرح ادعیه علی بن الحسین بن  
 علی بن ابی طالب آمده است. این روایت همانند روایت ابن مالک دعوی دوم در ضمن  
 دعای اول آمده است. و یکی از زیبایی‌های این نسخه آن است که دعای ابتدایی و



کرده است.<sup>۱</sup>

۶. روایت ابن حماد. که جز نقل شیخ محمد بن احمد در رابطه با اصل

این روایت اطلاع دیگری درباره این نقل در متون دیده نشده است.<sup>۲</sup>

در نسخه صحیفه سجادیه محشی به حاشیه محدث جزائری در

انتهای دعای دوم صحیفه سجادیه دعایی کوتاه آورده شده تحت عنوان

«وکان من دعائه فی الذکر آل محمد ﷺ» محدث جزائری این دعا را از

متنی از صحیفه سجادیه که به خط شیخ حسین بن عبد الصمد است نقل

کرده است.<sup>۳</sup>

نسخه‌ای که اکنون از صحیفه مشهور است حاصل دو روایت ابن الاعلم

و ابن المطهر است. نخستین عالمی که این روایت را بدین شکل و بدین

ترتیب رواج داد شهید اول رحمه الله در قرن هشتم هجری است.<sup>۴</sup> بیشتر



← انتهایی در رابطه با حمد الهی است. افسستی از این نسخه در کتابخانه مجلس به شماره ۲۴۱۷۵۰ موجود است.

۱. مقدمه سید محمد حسین حسینی جلالی بر نسخه عبیدالله بن فضل.

۲. ر.ک: بایسته‌های پژوهش درباره صحیفه سجادیه سید احمد سجادی (فصلنامه سفینه

سال دوم، ش ۶، ص ۱۷۵-۱۷۶) مجله سفینه، ش ۷، ص ۷۲، پژوهشی در نسخه

شهید اول از صحیفه سجادیه سید حسن موسوی بروجردی.

۳. ر.ک: سفینه، ش ۹، ص ۱۰۰ مقاله گامی دیگر در آستان صحیفه.

۴. سفینه، ش ۷، ص ۷۲؛ از آنجا که تمام روایت‌های موجود با توجه به نسخه‌های

موجود از آن از جهت تعداد دعاها و متن دعاها با هم تفاوت دارند مناسب است پس از

یافت شدن کتب جدید مذکور تصحیح علمی از صحیفه ارانه گردد. همچنین برخی

قسمت‌ها که در برخی نسخه‌ها جدا شده و همچنین عناوین دعاها خارج از متن

دعاست که باید معین گردد. ر.ک: صحیفه سجادیه، با ترجمه و مقدمه اسدالله مبشری،

نشرنی، ص ۱۵ و ۱۶.

طرق صحیفه چه به شکل اجازه و یا و جاده و یا غیر آن به شهید اول قدس سره می‌رسد.<sup>۱</sup>

صحیفه سجادیه از نظر عموم علمای اهل بیت مورد قبول است و در لحظات حیات خود از ادعیه آن بهره‌مند می‌باشند بزرگان رجال مانند نجاشی و شیخ طوسی اسناد خود را به این کتاب بیان کرده‌اند. همچنین مصنفین کتب دعایی از ادعیه این کتاب شریف بهره برده‌اند بطوری که بسیاری از کتب ادعیه معتبره واجد دعایی از ادعیه این کتاب می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۱۱۰، کتب الاجازات، ص ۴۳-۶۶.

۲. در قرون مختلف اسلامی بسیاری از دانشمندان و راویان با اسناد متصل به نقل روایت صحیفه کامله مبادرت کرده‌اند. تعداد این اسناد را علامه محمدتقی مجلسی بالغ بر هزاران هزار می‌داند و می‌گوید که متجاوز از ششصد طریق عالی نقل آن را در آثار خود گزارش کرده‌اند (بحارالانوار، ج ۱۱۰، ص ۴۵). دکتر منصور پهلوان در این رابطه می‌نویسد؛ کثرت طرق و مشایخی که در دوره‌های مختلف به نقل و روایت این کتاب پرداخته‌اند بی‌نظیر است و هیچ کتاب دیگری را نمی‌شناسیم که مشایخ و محدثان بزرگ، چنین اهمیتی به نقل روایت آن معمول داشته باشند. این امر به گونه‌ای است که طرق روایت مشایخ در نقل صحیفه کامله به متواتر رسیده و بسیاری از علمای رجال و حدیث بدان شهادت داده‌اند (برای اطلاع بیشتر ر.ک: اصل مقاله اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله دکتر منصور پهلوان فصلنامه علوم، حدیث شماره ۱۲).

۳. به‌طور مثال در کتاب شریف مصباح‌المتهدجد شیخ طوسی هشت دعا از ادعیه صحیفه را آورده است که شاید آن دعاها برگزیده‌ی وی از صحیفه است. برخی مانند مرحوم میرداماد و آقابزرگ تهرانی ادعای تواتر برای صحیفه سجادیه دارند (ر.ک: شرح صحیفه سجادیه، میرداماد، ص ۴۵؛ الذریعه، آقابزرگ تهرانی، ص ۱۸۰) هرچند برخی بر این تواتر اشکالاتی گرفته‌اند. ر.ک: صحیفه سجادیه به روایت حسین بن اشکیب، احمد سجادی، ص ۱۹ و ۲۰، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهانی. برخی صحیفه را خبر واحد مقرون به قرائن یاد می‌کنند. ر.ک: الصحیفه‌السجادیه، الدراسه السندیه،



برای نمونه شیخ تقی‌الدین کفعمی محدث سده نهم هجری تمام صحیفه سجادیه را در کتاب «بلد الامین» خود نقل کرده که در چاپ قطعی رحلی بلد الامین بالغ بر ۷۸ صفحه است.<sup>۱</sup> شرح‌ها، تعلیق‌های فراوانی بر این کتاب نگاشته شده است.<sup>۲</sup> همچنین شیوه‌های هشتگانه تحمل حدیث که در علم درایه مورد بحث قرار می‌گیرد نسبت به این کتاب، فراوان به چشم می‌خورد. مرحوم آقا بزرگ تهرانی پس از آنکه این کتاب را بخاطر مشتمل بودن بر اجازات و روایاتی که در هر طبقه و عصر داشته از متواترات برمی‌شمرد شصت و چهار شرح و یازده حاشیه و شش ترجمه را نام می‌برد.<sup>۳</sup>

همچنین دکتر حسین علی محفوظ در این رابطه می‌گوید: با تلاش

← الیلو غرافیا، النص، معهد المعارف الحكمیه، سمیر خیرالدین، صدر حول محور این مسأله مباحث فراوانی است و بیان آن به درازا می‌انجامد. خوانندگان برای اطلاع بیشتر از این امر باید به کتب مفصلی که در این رابطه نگاشته شده از جمله مطالب محقق عالی قدر محمدباقر موحد که در انتهای کتاب صحیفه سجادیه الجامعه به چاپ رسیده است و کتاب شریف‌الدراسات حول صحیفه سجادیه محمد حسین حسینی جلالی مراجعه نمایند مرحوم مجلسی مطالب مفیدی حول محور سند صحیفه و طرق صحیفه در آخر کتاب اجازات از بحار الانوار آورده (ر.ک: بحار الانوار، ۴۳/۱۱۰/۱۶۴).  
۱. صفحات ۴۲۴-۵۰۲ بلد الامین چاپ اسلامیه تهران.

۲. مهم‌ترین شرح صحیفه سجادیه کتاب ریاض السالکین مرحوم سیدعلی خان مدنی است. آقابزرگ تهرانی در رابطه با شرح صحیفه سیدعلی خان می‌گوید: و هو شرح مبسوط یشبه تفسیر مجمع البیان فی اسلوبه حیث یذکر الدعا اولاً ثم اللغه ثم الاعراب ثم المعنی؛ این کتاب شرح مسبوطی بر صحیفه سجادیه است که در اسلوب و شیوه شرح شبیه تفسیر مجمع البیان است. ابتدا دعا را آورده و سپس معنای لغوی و سپس جایگاه اعرابی کلمه و سپس معنا را بیان کرده است.

۳. الذریعه، ۱۵ / ۱۸.

فراوانی که اهل فضل در رابطه با کتاب صحیفه سجادیه انجام داده‌اند فراوان از این کتاب روایت، حفظ، اسناد، تفسیر، استدراک نگاشته شده است تا آنجا که هزاران راوی، صدها شرح و ده‌ها ترجمه از این اثر باقی است. پس از آن دکتر محفوظ پنجاه و هشت شرح و پانزده حاشیه، سیزده ترجمه و شانزده چاپ یاد می‌کند.<sup>۱</sup>

در دهه‌های اخیر حول محور صحیفه آثاری از ترجمه به زبانهای مختلف، شرح، معجم‌نگاری، کتاب‌شناسی و... نگاشته شده است که استقراء تام آن خود مجال دیگری می‌طلبد.<sup>۲</sup>

صحیفه از جهت متن نیز واجد ویژگی‌هایی است که نشانگر صحت متن است. فصاحت و بلاغت و اشتغال بر علوم و معارف به گونه‌ای است که جز معصوم نمی‌تواند گوینده آن باشد.<sup>۳</sup>

۱. الصحیفه السجادیه، حسین علی محفوظ، ص ۱۸ و ۷۰.

۲. برای اطلاع نسبتاً کافی به غیر از ترجمه و معجم‌های از این کتاب از قرن دوم تا پانزدهم انجام شده می‌توان به کتب دراست حول الصحیفه السجادیه محمد جواد حسینی جلالی چاپ اعلمی ۱۴۲۱ ص ۲۹-۴۵ مراجعه کرد. علت تعبیر نسبتاً کافی برای آن است که شروع قرن ۱۵ به تمامی استقصاء نشده است. برای اطلاع نسبتاً جامع از آنچه در رابطه با صحیفه سجادیه نگاشته شده است (ر.ک: فصلنامه سفینه، ش ۸ مقاله بسیار مفید «سیر نگارش در حوزه‌ها صحیفه‌پژوهی و بایسته‌های جدید ابوالفضل حافظیان، ص ۱۴-۶۴).

۳. در مورد اطلاعات بیشتر در مورد بلاغت و فصاحت (ر.ک: نکات بلاغی در صحیفه سجادیه، غلامرضا کریمی، مجله مشکاة، ش ۵۳) برای تمامی فقرات این کتب می‌توان شاهی از قرآن و روایات آورد تا اتمام و استحکام آن معلوم گردد و خواننده بیابد که با توجه به معارف دیگر خاندان نبوت این کتاب حکایت از همان حقایق دارد. ابن شهر آشوب در جلد دوم کتب مناقب آل ابی‌طالب در فصلی که معجزات علی با الحسین علیه السلام را بیان می‌فرماید می‌نویسد: یکی از ادیبان بصره در مقام تحقیر صحیفه

← سجادیه اظهار داشت: به من گوش بسپارید تا مانند آن را برای شما املاء کنم آنگاه قلم برگرفت و سر به زیر انداخت و دیگر نتوانست سر خود را بلند کند و مُرد. سید علی خان در پایان دیباچه شرح صحیفه خود پس از نقل این حکایت می‌نویسد: و لعمری لقد رام شططاً فنال سخطاً؛ به جان خود سوگند که آن مرد خواسته از حد خود تجاوز کند، به غضب و خشم گرفتار شده است.

محدث قمی پس از بیان مطالب فوق می‌گوید: سید محمد علی بن حیدر موسوی در کتاب تنبیه و سن العین در حق صحیفه کامله گوید: این همان صحیفه مشهوری که در دست مردم بسیار یافت می‌شود و فیها من البلاغه و الاخبارات ما یقع من معارضه بما یقاربه الیأس؛ در آن از بلاغت و خضوع در برابر حق مطالبی است که ادمی را از بودن مثل آن مأیوس می‌کند. (سفینه البحار، ج ۵، ص ۵۵ در ماده ص ح ف).

علامه سید محسن امین در این رابطه می‌نویسد: بلاغت و فصاحت بی‌مانند آن و مضامین رفیع این کتب و معارف مندرج در این کتاب از گونه‌های تذلل در درگاه حق و ثنای باری تعالی و شیوه‌های شگفت‌انگیز در طلب عفو و کرم حضرت حق و توسل به درگاه حضرت حق قویترین گواه بر صحت انتساب این کتاب است و نشانگر آنست که مرواریدی از دریا و گوهری از آن همان معدن و میوه‌ای از آن درخت است.

سید علی خان مدنی می‌نویسد: صحیفه سجادیه نمادی از علم الهی است و بوی معطر کلام نبوی از آن استشمام می‌شود. باید چنین باشد چرا که پاره‌ای از نور مشکلات رسالت و نفخه‌ای از شمیم بوستان امامت است. تا آنجا که یکی از عارفان از جهت اشتغال بر انوار حقایق معرفت و میوه‌های باغ حکمت با وحی آسمانی و صحف عرشی و ملکوتی ملندش دانسته است. اما بیان شیوا و تعبیر رسا و گویایی آن به حدی است که ساحران کلام در آستان آن به سجده می‌افتند و سخنوران ماهر در برایش اظهار عجز می‌نمایند و اعتراف می‌کنند که نبوت غیر از کهنات است و حق و باطل هم‌مطراز نیستند و هر که بخواهد با فکر تاریک خویش پیرامون آسمان بگردد به تیره‌های نکبت بارغیب رانده می‌شود و آماج شهبلی ثاقب قرار می‌گیرد. (ریاض السالکین ۱/ ۵۲-۵۳).

مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در این رابطه می‌گوید: انتساب صحیفه سجادیه به آن امام از واضحات است. این کتاب زبور آل محمد است اسلوب و نظم و مضامین آن که اعجاز آن را آشکار می‌کند این امر را گواهی می‌دهد بدرالزاهر/ ۲۵ مولا محمد تقی



« مجلسی می‌گوید: بی شک صحیفه کامله سجادیه اثر مولایمان سید الساجدین است؛ چرا که محتوای آن و فصاحت و بلاغت و اشتمالش بر علوم الهی به‌گونه‌ای است که جز معصوم نمی‌تواند گوینده آن باشد. خدای رب العالمین را سپاس و ستایش می‌کنیم بر این نعمت جلیل و عظیمی که به ما شیعیان اختصاص یافته است (بحارالانوار، ص ۶۶، ج ۱۱۰).

وی در کتاب روضة‌المتقین خود می‌نویسد: عبارات صحیفه نشنگر آن است که گوینده آن بشر عادی نیست و هر صاحب بصیرتی که از تعصب عاری باشد حکم می‌کند که فوق کلام بشری است و احتمال می‌دهد که از زمره کلمات خداوند سبحانه و تعالی است که بر زبان پیامبر جاری شده است امراد حدیث قدسی است. ظاهر این کلمات آشکار می‌کند که این کلام از الهامات خداوند است که بر قلب و زبان گوینده آن جاری شده است (روضه‌المتقین ج ۱۴، ص ۴۱۹، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشنپور، سال ۱۴۱۱).

علامه محمد باقر مجلسی در این رابطه می‌نویسد: دعا و مناجات عبارات و اسلوب‌های شگفت‌آور برخی ادعیه شهادت می‌دهد که آن ادعیه از معادن نبوت و خلافت صادر شده است و هیچ فطرت سلیم و صاحب فطانت قوی صدور این ادعیه را غیر ایشان روا نمی‌داند. ادعیه صحیفه از زمره همین ادعیه است (فوائد الطریقه، علامه مجلسی، تحقیق سید مهدی رجایی، مکتبه علامه مجلسی، تاریخ ۴۰۷ ق، ص ۸ و ۷).

محمد جواد مغنیه درباره صحیفه می‌گوید: صحیفه سجادیه کتلی است که شیعیان آن را بزرگ می‌شمردند و هر حرفی از آن بر ایشان مقدس است. (محمد احمد العبداء [www.alfigan.net](http://www.alfigan.net)).

دکتر حسنین مخلوف پس از آنکه دعای ختم قرآن، صحیفه را منتشر کرد و عبدالقادر سقاف از جهات ادبی دعا بر او اشکال گرفت. وی در جواب به وی می‌گوید: «و دلیلهم توازن المستوی البلاغی الجزل فی کل الادعیه مع تاکد عند جل اهل السنه ثبوته عن الامام زین العابدین و يعرف ذلك من له در به علی المقارنه بین النصوص و تحقیق التراث و کثره قراءه و علم بالعریبه و اسالیبها؛ دلیل ایشان همسلی بلاغی فراوانی است که در هر دعایی از این مجموعه به چشم می‌خورد ضمن آنکه نزد مهتران اهل سنت انتساب این ادعیه به امام زین العابدین علیه السلام ثابت است. هر کسی که با تطبیق و

پایان‌نامه‌ای در دانشگاه امام صادق علیه السلام در رشته علوم قرآنی توسط آقای حامدخانی دفاع شده است که عنوان آن «هویت و انتساب صحیفه سجادیه با تکیه بر شاخصه‌های متن» است. بیش از ۲۰ مورد از پارامترها در آن پایان‌نامه استفاده شده، برای مطالعه در مورد این که صحیفه سجادیه مربوط به چه دوره زمانی است.<sup>۱</sup>

همچنین از باب سازگاری روایات با قرآن می‌توان متذکر شد ادعیه صحیفه سجادیه کاملاً در فضای دعا‌های قرآنی شکل گرفته است. بنابر پژوهشی<sup>۲</sup> که در رابطه با نیایش‌های قرآنی این تطابق معلوم می‌گردد. نیایش‌های قرآن اعم از ابراز نیاز و اظهار بندگی و فضای مناجات می‌باشد. از ۱۵۹ دعای قرآنی بیشترین موضوع طلب آمرزش برای خود و دیگران و دور ماندن از عذاب الهی است که بیش از ۳۰ بار از زبان پیامبران و دیگر ایمان آورندگان تکرار شده است.<sup>۳</sup>

بنابراین تحقیق با توجه به تعداد ادعیه خواسته‌های مادی و معنوی در آیات قرآن برابرند. به جز چهار مورد در تمامی دعاها منادا رب و ربنا می‌باشد.<sup>۴</sup>

---

← تحقیق متون و مطالعه این آثار انس داشته باشد و با زبان عربی و اسلوب‌های آن آشنا باشد این مطلب را متوجه می‌شود. (سایت شریفلیث غالب از علمای اهل سنت [www.gharib.net](http://www.gharib.net))

۱. احمد پانکنچی، نقد متن، ص ۳۰۱، انجمن علمی دانشجوی الهیات، پاییز ۱۳۸۸.
۲. پژوهشی در نیایش‌های قرآن کریم، علی باقری‌فر، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج سوم، ۱۳۸۶.
۳. همان، ص ۹.
۴. همان، ص ۳۷۴.



### صحیفه کتابی فرا مذهبی

صحیفه سجادیه یکی از منابعی است که می‌تواند در جهت اتحاد میان مسلمین مؤثر افتد. محبت اهل بیت محوری‌ترین موضوع برای وحدت بخشی میان مسلمین است.<sup>۱</sup> امری که عالمان شیعی نیز به آن توجه داشته‌اند و در متون عالمان سنی نیز می‌توان در دوره‌های مختلف استقبال از این شیوه را مشاهده کرد.

از ویژگی‌های این صحیفه کریمه آن است که به هنگام زمزمه نیایش‌های نورانی آن دیری نمی‌پاید که خواننده علم آشنا با هر کیش و آیینی خود را در میانه دریایی وسیع، ژرف و پرگهر از معارف الهی و علوم ربانی مناسب با موضوع قرار می‌دهد.

شهید مطهری: مکرر این را پیشنهاد کرده‌ام که یکی از کارهای بسیار خوب - اگر اهل خیری پیدا بشود - این است که صحیفه سجادیه را به خوبی چاپ کنند و در ابتدایش یک صفحه اضافه کنند و در آن یک متن اهدا بنویسند و فقط جای مشخصات را خالی بگذارند، به این صورت که مثلاً «این کتاب از طرف برادر شما... اهل کشور... که در سال... به مکه

۱. اخیراً بزرگداشت‌های بین‌المللی حول صحیفه سجادیه انجام گرفته است و افرادی از فرق مختلف اسلامی در آن حضور یافته و در باب اهمیت و منزلت صحیفه سجادیه و امام سجاد مطالبی را ارائه کرده‌اند (ر.ک: فصلنامه علوم حدیث، ش ۱۴، ص ۲۵۴ - ۲۵۵ همچنین ر.ک: ابعاد الانسانی و الحضاریه فی الصحیفه السجادیه، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی در دمشق).

خصوصاً آنکه این ارتباط امری نو نیست بلکه علمای اهل سنت در قرون گذشته نیز در منزلت و حتی ترویج این کتاب شریف سهم داشته‌اند. (ر.ک: فصلنامه سفینه، ش ۷، مقاله عالمان صحیفه‌نگار ص ۱۱۵).

آمده‌اید، اهدا می‌شود» آن وقت هر یارانی که به مکه می‌رود با خودش ده، بیست تا از این کتابها ببرد و به افرادی که از اطراف آمده‌اند، هدیه کند. این کتاب دعای محض است و یک کلمه از آن کلماتی که موجب بهانه سعودی‌ها بشود، وجود ندارد. اول کتاب بنویسند که اینها دعاها بی است متعلق به علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، فرزند رسول خدا که در سال ۹۵ هجری قمری متولد شد و در سال ۹۵ هجری قمری از دنیا رفت و امام چهارم شیعیان است. به نظر من این بهترین شیوه تبلیغ است.... خلاصه برای شیعه یکی از بهترین تبلیغ‌ها پخش صحیفه سجادیه در میان مسلمین دنیا است که اصلاً از چنین کتابی خبر ندارند. چهل پنجاه سال پیش که طنطاوی زنده بود نسخه‌ای از همین صحیفه سجادیه برایش فرستاده بودند، تعجب کرده بود و بعد در نامه‌ای به یکی از آقایان نوشته بود: سزاوار است که این کتاب را زبور آل محمد بنامیم.<sup>۱</sup>

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی می‌نویسد: در سال ۱۳۵۳ نسخه‌ای از صحیفه شریفه را برای مطالعه علامه معاصر شیخ جوهری صاحب تفسیر طنطاوی معروف (مفتی اسکندریه) فرستادم. آن بزرگوار دریافت کتاب را اعلام کرد و در برابر آن هدیه از من تشکر کرد و درباره آن مدحی سرشار و ثنایی بسیار نوشت. تا آنجا که گفت این از بدبختی است که ما تاکنون از این گرانبهای جاوید از میراث‌های نبوت و اهل بیت دست نیافته بودیم و من هرچه در آن می‌نگرم آن را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق می‌یابم. سپس علامه جوهری طنطاوی از من سؤال کرد. که آیا تاکنون کسی از

۱. آشنایی با قرآن، ج ۱۲، ص ۱۶۵-۱۶۶.

علمای اسلامی شرحی بر آن نوشته است؟ من در پاسخ آن شارحینی را که می‌شناختم نام بردم و کتاب «ریاض السالکین» تألیف سید علی‌خان را به ایشان تقدیم کردم. معظم‌له در جواب نوشت که من مصمم و آماده‌ام که بر این صحیفه گرامی شرحی بنویسم.<sup>۱</sup>

دکتر علی سامی‌النشار گوید: تنها فرزندی که از حسین ماند علی بن الحسین بود. او برای شیعیان بلکه برای همه مسلمانان، سنتی دیگر

۱. مقدمه ترجمه صحیفه سجادیه صدرالدین بلاغی، ص ۳۰.

آیت‌الله محمدعلی گرامی می‌گوید: هنگامی که با مرحوم طالقانی در اتالیق زندان بودیم اظهار تأسف برخی از علمای مصر و اردن از محرومیت کتبه‌های خودشان را (همانند صحیفه) نقل می‌نمود (فرهنگ صحیفه سجادیه، منصور خاکسار، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، زمستان ۷۷)؛

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: مرحوم زمخشری معروف به صاحب تفسیر کشاف در بخشی از کتاب ربیع‌الابرار ملنقطاتی از ادعیه معارف علما و زهاد و صحابه را آورده است. من آنها را نگاه کرده‌ام بعد با ادعیه که از امام سجاد و امیرالمومنین یا امام حسین علیهما السلام مأثور است، مقایسه کردم دیدم که اینها اصلاً قابل مقایسه با آن ادعیه نیست. (۷۰/۱۱/۳) در دیدار با قزلباش مصری؛ در جای دیگری می‌فرماید: دعاهای خیلی خوبی از طریق شیعه و از اهل بیت روایت شده که واقعاً عالیه المضامین است و خیلی فوق‌العاده می‌باشد. من واقعاً به این دعاهایی که در صحاح و در کتب مختلف روایت شده نگاه کرده‌ام هیچ وقت به این علو مضمون در هیچ‌جا ندیدم مثل همین مناجات شعبانیه که الان در این ایام مستحب است. (مطلب ارائه شده در جلسه تودیع با شیخ غلوش و شیخ محمد بسیونی ۱۱/۱۲/۸۶)؛

حضرت آیت‌الله سید محمد باقر ابطحی در این رابطه جریبان شیعه یکی از اساتید دانشگاه عربستان را به خاطر ارتباط با صحیفه سجادیه نقل می‌کند. این استاد به برکت مشاهده حالت مرحوم شیخ مجتبی قزوینی در حالت مطالعه کتاب شریف صحیفه سجادیه با این کتاب آشنا و از این طریق با معارف اهل بیت مرتبط و سپس شیعه شده است (ر.ک: گزارش از مصاحبه با آیت‌الله سیدمحمدباقر موحد ابطحی، مجله سفینه ش ۷، ص ۱۴۴).

پی ریزی کرد.

برخی از ادعیه صحیفه سجادیه نزد اهل سنت ثابت است. مانند دعای والدین و دعای ختم قرآن، برخی از این ادعیه در کتاب ینابیح المودة قندوزی آمده است. همچنین بنا بر نقل محدث قمی ابن حمدون ندیم در تذکره خود برخی از ادعیه صحیفه سجادیه را آورده است. همچنین شیخ عبدالرحمن مرشدی در کتاب برآة الاستهلال دعای رؤیت هلال صحیفه را ذکر می کند.<sup>۱</sup>

دعای ختم قرآن نیز با نظارت و اشراف مخلوف مفتی سابق مصر به طبع رسید.<sup>۲</sup>

شریف لیث که خود از علمای اهل سنت است در این رابطه می نویسد: من برخی از شیوخ را دیده ام که صحیفه سجادیه را تلقی به قبول کرده اند به ویژه دو سید آل ابی علوی که در حجاز ملاقات کردم. متقدم و متأخر بر این ها می توان افرادی چون استاد حبیب محمد شاطری و احمد حداد و غیر این افراد از کسانی که با آن بوده ام را یاد کرد. همچنین شیوخ مصری ما مثل عبدالحلیم محمود و علامه متولی شهرآوی و شیخ عبدالحمید کشک را می توان برشمرد.<sup>۳</sup>

البته برخی از اهل سنت به دلیل آنکه امام سجاد مدعی مقام امامت خود شده و علم آینده را برای امام برشمرده و در جایی به بنی امیه طعنه زده شده. سعی بر عدم پذیرش صحیفه دارند. ابن تیمیه از این سو

۱. سفینة البحار، مله ص ح ف.

۲. بنا بر نقل شریف لیث، سایت [www.gharib.net](http://www.gharib.net)

۳. همان جا.



می نویسد: «ادعیه المأثوره فی صحیفه علی بن الحسین اکثرها کذب علی علی بن الحسین؛ اکثر دعاهایی که منتسب به علی بن الحسین علیه السلام است دروغ است و آنها را براو دروغ بسته اند.»<sup>۱</sup>

همچنین این کتاب می تواند وحدت بخش میان فرق تشیع نیز باشد. علامه مرعشی در این زمینه می نویسد: در تواتر صحیفه نزد فرق شیعه امامیه و زیدیه و اسماعیلیه شبهه ای نیست و ایشان بر این کتاب شریف شرح ها و حاشیه ها دارند که من خود از سید محمد گجراتی هندی از علمای بهره ای اسماعیلی در کربلای معلی به سال ۱۳۶۰ ه. ق شنیدم که پیشوایان ایشان شروحي بر صحیفه نوشته اند و آن شروح از کتب درسی ایشان است. حتی علامه عالی مقام سیف الدین طاهر پیشوای فعلی فرقه بهره ای اسماعیلی که در «سورت» سکونت دارد صحیفه شریفه را تدریس می کند.<sup>۲</sup>

در میان زیدیه نیز تدریس این کتاب مرسوم است. علامه سید محمد حسین حسینی جلالی با اسناد خود نقل می کند که متوکل علی الله امام یمن در سال ۱۳۳۱ ه. ق صحیفه سجاده را تدریس می کرده است.<sup>۳</sup>

فرامذهبی بودن این اثر بلکه فرا دینی بودن اثر بر پایه آن است که دعا و مناجات زبان مشترک تمامی انسانهاست. ما می توانیم برای ترویج معارف

۱. منهاج السنه ۶/۳۶۰.

۲. ص ۳۰ مقدمه ترجمه صحیفه سجاده صدرالدین بلاغی.

۳. الصحیفه السجاده، نشر دلیل ما، ص ۱۱، برای اطلاع از منابعی آثار زیدیه در رابطه با صحیفه سجاده (ر. ک: فصلنامه سفینه، ش ۸، ص ۱۶۲-۱۶۳ مقاله سیر نگارش ها در حوزه صحیفه پژوهش و بایسته های آن.

دینی و الهی خویش در میان دیگر ادیان از آن بهره جوییم. اگر این حوزه از معارف دینی را بتوان به دنیای امروز معرفی کنیم، تصور دیگری از این دین الهی را می‌توان در اذهان جهانیان که در اثر تبلیغات منفی ایجاد شده جایگزین کرد.

ویلیام چیتیک قائل است که تمدن اسلامی دو جنبه دارد. جنبه بیرونی و جنبه درونی بیشتر افرادی که با دین اسلام مواجه شده‌اند جنبه بیرونی که فارغ از جهات عشق و حرارت است را ملاحظه کرده‌اند اما اگر به رویه دیگر این تمدن که مملو از عشق و محبت است توجه نماییم تصور دیگری از این تمدن را درمی‌یابند. وی در این رابطه می‌نویسد: تمدن اسلامی به‌طور کلی بسیار شبیه به یک شهر مسلمان‌نشین قدیمی است. دیوارهای بیرونی حکایت از گرفتگی و کسالت و غم‌بار بودن می‌کنند. ورود به دنیا پشت این دیوار نیز آسان نیست. اما اگر شخصی بتواند با اهالی این شهر صمیمی شود. به او حیاط‌ها و باغ‌های دل‌انگیز و زیبایی نشان داده خواهد شد که مملو از گل‌های خوشبو، درختان میوه و فواره‌های جوشان هستند. آنهایی که در رابطه با تاریخ اسلام، وقایع سیاسی و بنیادگرایی آن مطلب می‌نویسند تنها با دیوارهای آن سروکار دارند؛ زیرا راهی به درون باغ‌های پشت دیوار ندارند. قدیمی‌ترین، اصیل‌ترین و صعب‌الوصول‌ترین باغ‌های این شهر ورود به قلب‌های بزرگترین نمایندگان این تمدن است. اینجاست که دعا‌های رسیده از دوران اولیه اسلام تصویر کاملاً جدیدی را از روح زنده و پویای اسلام نشان می‌دهد. و چرا که این دعاها دسترسی مستقیم به انواع رفتارها و

ویژگی‌های بشری را که پیش نیاز شکوفایی کامل آرمان اسلامی هستند فراهم می‌کنند.<sup>۱</sup>

به عقیده ویلیام چیتیک صحیفه سجادیه یکی از این باغ‌های پر گل است که پشت دیوارهای تمدن اسلامی پنهان مانده است و می‌توان برای ترویج جنبه‌های دیگری از تمدن اسلامی از آن استفاده نمود.<sup>۲</sup>

۱. نگرش صحیح صحیفه سجادیه نوشته ویلیام چیتیک، ترجمه حسن‌پور قاسمیان، سفینه، ش ۶.

۲. می‌توان مواردی از این تاثیرپذیری را مشاهده کرد: اندره کوفسکی دانشمند مسیحی لهستانی می‌نویسد: در حال حاضر مشغول مطالعه ترجمه انگلیسی صحیفه سجادیه هستم. عمیقاً تحت تاثیر اندیشه‌های امام مسلمانان امام سجاده علیه السلام قرار گرفته‌ام که افکار بلند و متعالی او در صفحات سجادیه تبلور یافته است. مطالعه این اثر گرانبها و دقت در مضامین و معارف سرشار این کتاب به شدت روح را تحت تاثیر قرار می‌دهد و مجذوب خود ساخته است و خدایی به من بخشیده است. نگرشی کوتاه بر عملکرد ۲۲ ساله مرکز نشر معارف اسلامی.

شیمیل در یکی از مصاحبه‌هایش اشاره به ادعیه اسلامی کرده و می‌گوید: من خود همواره دعاها، احادیث و اخبار اسلامی را از اصل عربی آن می‌خوانم و به ترجمه‌ای مراجعه نمی‌کنم. من بخشی کوچک از کتاب مبلک صحیفه سجادیه را به آلمانی ترجمه و منتشر کردم. قریب هفت سال پیش که مادرم در بیمارستان بستری بود و من به او سر می‌زدم در آن زمان من مشغول ترجمه دعای روت هلال ماه رمضان و وداع با آن بودم. مادرم که به خواب می‌رفت. در گوشه‌ای از آن اتاق به کار پاک‌نویس کردن ترجمه‌ها مشغول می‌شدم. اتاق مادرم دو تختی بود. در تخت دیگر خاتم کاتولیکی مومن و راسخ العقیده و حتی متعصب خوابیده بود. وقتی فهمید که من دعاهای اسلامی را ترجمه می‌کنم دلگیر شد و به من گفت: مگر در مسیحیت و در کتب مقدس خودمان کمبودی داریم تو به ادعیه اسلامی روی آورده‌ای؟ وقتی کتابم چاپ شد یک نسخه برای او فرستادم. یک ماه بعد او به من تلفن زد و گفت: صمیمانه از هدیه این کتاب متشکرم. زیرا هر روز به جلی دعا آن را می‌خوانم.

جلی آن دارد که خاطره خاتم فریده مهدوی دامغلی مترجم کتب صحیفه سجادیه به



← فرانسه را نیز بیاوریم وی می نویسد:

به خاطر دارم که سال گذشته پس از آن که به زیارت حج مشرف شدم ناگزیر بودم بی درنگ پس از مراجعتم به ایران به کشور ایتالیا عزیمت کنم. تا چهار سخنرانی در آن جا ایراد کنم. در یکی از این جلسات نماینده امور فرهنگی و هنری پاپ جدید، و از کارگزاران بسیار نزدیک به شخص ایشان (به گونه‌ای که به فرمایش خود ایشان، پاپ بند یک شانزدهم را حداقل روزی یک بار ملاقات می کردند) برای حضور در برنامه من و نیز حضور در برنامه‌ای که مربوط به چهلمین سالگرد نصب صلیبی از طلا، بر فراز مزار دانتی از سوی پاپ پل ششم بود، از رم به شهر راونا آمدند، و یک روز در آنجا ماندند و میهمان صومعه برادران فرقه فرانسیسکن شدند که حفظان رسمی آن رامگاه دانتی در آن شهر هستند. شب، پس از صرف شامی غیررسمی و بسیار دوستانه با ایشان و تنی چند از کارگزاران سیاسی، فرهنگی و دینی شهر، (من به همراه همسر و سه فرزندم حضور داشتم) ایشان تقاضا کردند که یکی از ما، کتابی به ایشان امانت دهیم تا ایشان پیش از خوابیدن آن را مطالعه کنند.

من بی درنگ فرصت را غنیمت شمردم، و پیشنهاد کردم که ایشان کتاب صحیفه مبارکه سجادیه با ترجمه این جانب را که بنده چندین نسخه‌ای از آن را به دفتر امور فرهنگی شهر راونا و نیز انجمن دانتی (یعنی همان برادران راهب فرانکسیسکن که یکی از تخصصی ترین و بهترین کتب خنده‌های ایتالیا در مورد آثار دانتی به تمام زبانهای دنیا را در اختیار دارند) تقدیم کرده بودم را مطالعه فرمایند. سپس بی درنگ به همراه شوهرم و رئیس انجمن فرهنگی شهر راونا، دکتر والتر دل‌آمینیکا، شبانه به دفتر فرهنگی شهر رفتیم، یک جلد از صحیفه سجادیه‌ها را از درون قفسه‌ای برداشتیم و به آن روحانی محترم تقدیم کردیم. ایشان از من سؤال کردند که کدامین یک از نیایش‌های اسلامی را تلاوت کنند؟ به ایشان گفتم که نیایش نخست، سوم و نهم (یعنی به ترتیب، نیایش در جهت ستایش و تسبیح خداوند متعال، نیایش تبرک جستن از حاملات عرش الهی و نیایش در جهت طلب مغفرت) را مطالعه کنند و نظرشان را روز بعد به من اعلام فرمایند.

صبح روز بعد، با ملاقات ایشان، دریافتم که (صحیفه سجادیه) تاثیر همیشگی و مطلوب خود را به روح و جان ایشان نیز بر جای نهاده است. ایشان سراپا شور و هیجانی روحانی و معنوی، فرمودند که شب گذشته، نه تنها به مطالعه چندین نیایش



« دیگر نیز پرداختند، بلکه بامداد همان روز، یعنی پس از نماز صبحگاهی آنان که ساعت ۵ بامداد است، دیگر بار به مطالعه سایر نیایش‌ها پرداخته بودند. و لذتی عمیق از مطالعه آن اثر برده بودند. لازم به گفتن است که ایشان طبیعتاً به زبان فرانسوی و انگلیسی نیز آشنایی کامل داشتند و لذا ترجمه فرانسوی را به راحتی مطالعه کرده بودند. ایشان با حالتی سراپا افسوس، کتاب را به رئیس فرهنگی شهر راونا باز گرداندند، اما من که نیک می‌دانستم ایشان دوست داشتند کتاب را نزد خود نگاه دارند. از ایشان در خواست کردم که آن را به رسم یادگار از اینجانب بپذیرند. زیرا می‌دانستم که رئیس فرهنگی شهر راونا چند نسخه دیگر از صحیفه را در قفسه هایشان داشتند. این موجب شد که تا ایشان بسیار خوشنود گردند و گفتند که شاید در آینده نزدیک فرصتی پیش بیاید تا ما بتوانیم صفحاتی از صحیفه سجادیه را در واتیکان، برای شنودگان، قرائت کنیم...

آن روز به لطف و عنایت کلام و فرمایشات والا و متعالی حضرت امام سجاد علیه السلام و به لطف و عنایت حضرت زهرا علیها السلام، با نهایت دوستی و رفاقت، با آن نماینده محترم و گرمی پاپ وداع کردیم، در حلی که می‌دانستیم که دیگر بار، فرصتی در پیش رویمان قرار خواهد گرفت تا این دوستی دو جلبدی میان اسلام و مسیحیت را گسترش دهیم... (سفینه، ش ۹، مقاله گزارشی از ترجمه فرانسوی صحیفه سجادیه دکتر فریده مهدوی دامغانی، ص ۹۳-۹۴).

علامه طباطبایی: روزی به هلری کرن گفتم.. اگر در دین مقدس اسلام انسان حاجتمند حالی پیدا کند طبق همان حال و حاجت خداوند را می‌خواند چون خدا اسمای حسنایی دارد چون غفور، رحیم، رزاق، منتقم و.. آدمی طبق خواست و حاجت خود هر یک از این اسماء را مناسب دید خدا را به آن اسم و صفت یاد می‌کند مثلاً اگر بخواهد خدا او را بیمارز و از گناهش درگذرد باید از اسم غفور و غفار الذنب استفاده کند. اما در دین مسیح خدا اسمای حسنی ندارد فقط لفظ خدا، اله، اب برای اوست. بنابراین اگر شما حلی پیدا کردید و خواستید خدا را بخوانید و مناجات کنید او را با اسماء و صفاتش یاد کنید و با اسم خلص از او حاجت خود را بطلبید چه خواهید کرد؟ کرن در پاسخ گفت: من در مناجات‌های خود صحیفه مهدویه و کراراً صحیفه سجادیه را می‌خواندم و گریه می‌کردم. (مهر تابان، علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی، صص ۴۶ و ۴۹ برای اطلاع بیشتر در رابطه با تاثیر صحیفه بر غریبان؛ ر.ک: نگرشی کوتاه

## صحیفه در ایران اسلامی

امروزه در بسیاری از خانواده‌های ایرانی صحیفه سجادیه را می‌توان مشاهده کرد. این پوشش خانگی صحیفه داستان بسیار زیبا و قدسی دارد که توجه آن خود در توجه و ترویج این اثر می‌تواند سهمی درخور توجه داشته باشد.

مرحوم محمد تقی مجلسی اول، حکایتی را در این رابطه می‌نگارد:

در جوانی طالب دعا و یاد خدا بودم، دقیقه‌ای را از ذکر و یاد حق غافل نبودم شبی بین خواب و بیداری مولایم حجة بن الحسن را در مسجد جامع قدیم اصفهان نزدیک باب طین - که اکنون محل تدریس من است - دیدم ایستاده‌اند. به ایشان سلام کردم خواستم به پای مبارک ایشان بوسه بزنم مانع شده و نگذاشتند و مرا گرفتند. من هم دست مبارک وی را بوسیدم. اجازه خواستم مسائلی را که در آنها اشکال داشتم سؤال کنم.

از جمله آن مسائل این بود که به حضرت عرض کردم من در نمازهایم گرفتار و سوسه می‌شوم و با خود می‌گویم آن طور که از من خواسته‌اند آنها را ادا نکرده‌ام. لذا در وقت نماز شب به جای آن قضای نمازهایم را بجا می‌آورم. از شیخ بهایی سؤال کردم شیخ بهایی گفت نماز ظهر و عصر و مغرب را [که ۱۱ رکعت است] را در هنگام شب هم به نیت قضاء و هم به نیت نماز شب بجا می‌آورم. من همین کار را کردم. از حضرت پرسیدم که آیا نماز شب را [جداگانه] هم به جای آورم؟ حضرت فرمودند: نماز شب را

بخوان اما قضای صلاة را ترک کن. سوالات دیگری را هم پرسیدم که از خاطر من رفته است. به حضرت عرض کردم همیشه برایم میسر نیست که حضورتان شرفیاب شوم از این رو کتابی را به من معرفی کنید که پیوسته به آن عمل کنم. فرمودند: کتابی را به مولا محمد تاج داده‌ام به تو بدهد در آن حالت متوجه شدم که او را می‌شناسم. سپس حضرت فرمودند: «رح فخذ منه؛ برو از او بستان».

کتابی را که خطی بود به من داد، دیدم که کتاب دعا است آن را بوسیدم و بر دیدگانم نهادم. خدمت امام زمان برگشتم که ناگهان از خواب بیدار شدم و کتاب را نزد خود نیافتم. به خاطر از دست دادن کتاب تا صبح گریه کردم. زمانی که نماز و تعقیبات را به پایان بردم به خاطر آوردم که مولی محمد تاج همان شیخ بهایی است که به خاطر اشتهارش در بین علما به تاج معروف شده است. هنگامی که به محل تدریس ایشان واقع در جوار مسجد جامع آمدم او را مشغول مقابله صحیفه یافتم. قرائت‌کننده صحیفه سید صالح امیر ذوالفقار گلپایگانی بود. لحظه‌ای نشستیم تا آن مقابله را به پایان برد. ظاهراً وی مشغول قرائت سند صحیفه بود اما به خاطر حسرتی که در دل داشتم کلام ایشان را نمی‌فهمیدم به گریه افتادم و نزد شیخ رفتم و در حال گریه ماجرای رویای خود را باز گفتم شیخ فرمود: به تو علوم الهی و معارف یقینی و جمیع آنچه در طلب آنی را بشارت می‌دهم. بیشترین صحبت من با شیخ در رابطه با عرفان بود که شیخ مایل به آن بود اما با این سخنان آرامش نیافتم. به حالتی گریان و اندیشناک از محضرش خارج شدم و در دلم افتاد که به سمتی بروم که حضرت را در خواب دیده بودم



وقتی به دارالبطیخ رسیدم مرد صالحی به نام آقا حسن ملقب به تاج را یافتم و بر او سلام کردم وی به من گفت: تعدادی کتب وقفی نزد من است. طلبه‌ها این کتاب‌ها را در اختیار می‌گیرند اما به شرایط وقف عمل نمی‌کنند. اما تو این شرایط را رعایت می‌کنی بیا و این کتاب‌ها را ببین و هر کدام را خواستی بردار همراه او به کتابخانه‌اش رفتم نخستین کتابی که به من داد همان بود که در رویا دیده بودم به محض دیدن کتاب به گریه افتادم و گفتم همین مرا بس است. یادم نیست که آیا رویای خود را برای او تعریف کردم یا نکردم.

نزد شیخ بهاء‌الدین عاملی آمدم و به مقابله این کتاب با نسخه‌ای که جد پدری وی از روی نسخه شهید نوشته بود پرداختم. شهید نسخه‌اش را از روی نسخه عمیدالروساء و ابن سکون نوشته و آن را نسخه ابن ادريس و با واسطه یا بدون واسطه مقابله کرده بود. نسخه‌ای که حضرت صاحب به من عطا فرموده بود. نیز از روی خط شهید کتابت شده بود و کاملاً مطابق با آن نسخه بود. به برکت عطیه حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه صحیفه کامله در بلاد منتشر شد و همانند خورشید فروزان در تمامی خانه‌ها بویژه منازل مردم اصفهان وارد شد. علومی را که خداوند به سبب این صحیفه به من عنایت فرمود نمی‌توانم برشمرم. این از فضل خداوند بر ما و بر مردم است والحمد لله رب العالمین.<sup>۱</sup>

محمد باقر مجلسی فرزند آن مرحوم می‌گوید: پدرم حدود پنجاه سال

۱. روضه‌المتقین ج ۱۴ / ۴۱۹-۴۲۲، ت ۱۴۱۳، بنیاد فرهنگی اسلامی حاج محمد کوشلپور.



برای تحصیل و ترویج و تبیین اسرار و انوار درخشان صحیفه کوشید و در هر سال به طور مکرر با این نسخه مدارست و ممارست داشت تا این که نسخه‌های مصحح و مضبوط از این صحیفه در جمیع بلاد شایع و تکثیر شد.<sup>۱</sup>

محمد جواد مغنیه درباره صحیفه می‌گوید: صحیفه سجادیه کتابی است که شیعیان آن را بزرگ می‌شمرند و هر حرفی از آن بر ایشان مقدس است.<sup>۲</sup>

دکتر حسنین مخلوف پس از آنکه دعای ختم قرآن صحیفه را منتشر کرد عبدالقادر سقاف از جهات ادبی دعا بر او اشکال گرفت. وی در جواب به وی می‌گوید: «و دلیلهم توازن المستوی البلاغی الجزل فی کل الادعیه مع تاكد عند جل اهل السنه ثبوتہ عن الامام زین العابدین و يعرف ذلک من له دربه علی المقارنه بین النصوص و تحقیق التراث و کثره قراءه و علم بالعریبه و اسالیبها؛ دلیل ایشان همسانی بلاغی فراوانی است که در هر دعایی از این مجموعه به چشم می‌خورد ضمن آنکه نزد مهتران اهل

۱. الفرائد الطریفه کتابخانه علامه مجلسی تحقیق و تصحیح سید مهدی رجائی ص ۵)  
برای اطلاع بیشتر در این رابطه ر.ک: مقاله کوشش‌های مجلسی اول و دوم در راه ساماندهی متن انتقادی صحیفه سجادیه و ترویج آن جويا جهان بخش مآهنامه پیام بهارستان ش ۵۴، ص ۳۴ ۴۱؛ مرحوم مشکوه، پس از نقل این مطلب خاطر نشان می‌کند که برای خود من هم مسائلی در این رابطه رخ داده که ذکر آن در اینجا صرف نظر می‌کنم. تمام اصل متن مرحوم مشکوه به انضمام اصل مطلب مرحوم مرعشی را که توسط مرحوم صدر بلاغی ترجمه شده در مقدمه ترجمه خود آورده‌اند را می‌توان در مجله علوم حدیث شماره ۳ مشاهده کرد.

۲. مطلبی نبود.

سنت انتساب این ادعیه به امام زین العابدین علیه السلام ثابت است. هر کسی که با تطبیق و تحقیق متون و مطالعه این آثار انس داشته باشد و با زبان عربی و اسلوب‌های آن آشنا باشد این مطلب را متوجه می‌شود.<sup>۱</sup>

### درباره این اثر

با توجه به جایگاه صحیفه در میراث مکتوب شیعه ضرورت توجه به این متن نورانی و اصیل بویژه در دورانی که بشر سردرگمی‌های فراوان داشته و نیاز به مأمونی امن و ایجاد ربطی با عالم قدس دارد بیشتر احساس می‌شود. این کتاب شریف در عین اختصار و حجم اندک آنچه را که انسان در مقام راز و نیاز با پروردگار خود و یاد آفریننده خود به آن نیازمند است به مقتضای زمانها و مناسبت‌های مختلف و احوال گوناگون انفسی و شرایط مختلف آفاقی تأمین کرده است. در این اثر آنچه وسیله تقرب به حضرت حق است مورد ملاحظه قرار داده شده است.<sup>۱</sup>

این اثر با به کارگیری هنرهای گوناگون می‌تواند در این عصر انفجار اطلاعات که بشر را با خود غریبه کرده خلوتی قدسی حاصل کند تا آدمی را دقایقی با خود و حقیقتش آشنا سازد. فضایی که نیاز به دین در آن حال بیشتر احساس می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. میرزا علی آقلی قاضی در ابتدای شرح، صحیفه سجادیه را ظهور و بروز تام و تمام و تمام صحیفه سجادیه بر می‌شمارد. و می‌گوید: الحمد لله الذی جعل الدعاء فی صحیفه السجاده الكامله زین العابدین و حثنا بالاحتذاء فی مراسمه بامام الساجدین؛ حمد از آن خداوند است که دعا را در صحیفه سجادیه زین العابدین قرار داد و ما را به اقتدای آن فراخواند سایت [www.al.forghan.net](http://www.al.forghan.net)

۲. آیت‌الله نجومی کرمانشاهی: ما قرآن را سراسر هنر می‌دانیم. نهج البلاغه و صحیفه

در بیانات رهبری هم جایگاه این اثر تاکید شده است. ایشان می‌فرماید: واقعاً همین صحیفه سجادیه کافی است که یک جامعه را توجه دهد و اصلاح و بیدار کند.<sup>۱</sup> دیگر محققین نیز همین نظر را مورد تأکید قرار داده‌اند.<sup>۲</sup>

نسل کنونی آن چنان که بایسته و شایسته است با این متن ارتباط ایجاد نکرده‌اند...<sup>۳</sup>

در این اثر سعی شده زمینه‌ای فراهم آورد که خوانندگان با دعا‌های این کتاب آشنایی بیشتری حاصل کنند. و به تعبیر آیت‌الله حسن زاده زمینه نگاه آکادمیک به این کتاب فراهم آید.<sup>۴</sup>

← سجادیه سر تا پا نثر فنی و هنری است... هنری که نگارشش حکایت از هنر و زندگی آدمی و پیوند بین زیبایی و حقیقت دیده می‌شود؛ سخنی با هنرمندان، مجموعه فیض قلم، ص ۸، انتشارات لوح محفوظ.

۱. ماهنامه پاسدار اسلام، ش ۱۰، ص ۱۳، ۱۳۶۱.

۲. ر. ک: حکیمی، جامعه‌سازی قرآنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ همو، سپیده بلوران، ص ۹۴، ۹۵.

۳. به تعبیر استاد فلطمی‌نیا: ما به معارف صحیفه سجادیه بسیار بی‌توجه‌ایم اگر بگویم مقداری از لباس یا موی سر مبارک امام سجاد در فلان موزه نگه داری می‌شود همه ما شتبلان برای دیدن آن می‌رویم، اما به کتاب صحیفه سجادیه که عین بیان معارف الهی توسط آن امام همام است، بسیار کم لطفی می‌کنیم گنجینه معرفت، مجموعه سخنرانی‌های استاد سید عبدالله فلطمی‌نیا؛ حضرت آیت‌الله بهجت در همین رابطه آقایی بهجت می‌فرماید: اگر به ما بگویند امام عصر (عج) در مسجد صفائیه صحبت می‌کنند و ما به جای آنکه خدمت ایشان برسیم و از بیانات حضرتش استفاده کنیم بنشینیم کتاب‌های دیگری را مطالعه کنیم چقدر زشت است؛ همچنین اگر ما به جای آنکه سخنان و معارف اهل بیت را فراگیریم به کارهای غیر ضروری دیگر بپردازیم همان قدر زشت می‌باشد.

۴. استاد حسن زاده آملی می‌نویسد: امید آنکه در حوزه علمیه صحف ادعیه و اذکاری



با آنکه درباره صحیفه شرح‌های مفصل نوشته شده با این حال از نکاتی غفلت شده که نگارنده سعی داشته با توجه به آن نکات این متن را تنظیم نماید:

الف) توجه به ساختار ادعیه: از ویژگی‌های کلام بزرگان سیر طبیعی و منطقی است که در کلام آنان مشهود است. در رابطه با سخن گفتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده که بیانات آن بزرگوار بسان مجموعه‌ای از گوهرهای به هم متصل منظم و مرتبط ادا می‌شد. دیگر بزرگانمان نیز در مقام بیان همین‌گونه بوده‌اند اینان در مقام بیان، همراه با کلام خود شنونده را سیر داده به مرتبه‌ای از فهم رهنمون می‌ساختند. ادعیه صحیفه سجادیه به همین‌گونه است. میان تمامی فقرات آن - اگر چه حکایت از اسماء حق می‌نماید - ارتباط خاصی موجود است و حکایت از آن می‌نماید که با آن معارف می‌توان به حقیقتی دست یافت.<sup>۱</sup>

← که از ائمه اطهار صادر شده است و بیانگر مقامات و مدارج و معارج انسانند از متون کتب درسی قرار گیرند و در محضر کسلی که زبان فهم اهل دعا و سیر سلوک اند و راه یافته و راهنمایند درس خوانده شود. در نظر این کمترین اول مفتاح الفلاح شیخ بهایی و پس از آن عده الداعی ابن فهد حلی و بعد از آن قوت القلوب ابوطالب مکی و سپس اقبال سیدبن طاووس و در آخر انجیل اهل بیت و زبور آل محمد (صحیفه کامله سجادیه) در عداد کتب درسی درآیند که نقش خوبی در احیای معارف اصیل اسلامی است. البته فهم و تعلیم و تعلم آنها بدون معرفت به علوم ادبی و معارف نقلی و عقلی و عرفانی صورت پذیر نیست... و شک نیست که نیل بدان معارف نور الهی از بسبیل مباحث رائج و دارج به مراتب مفید تر است بلکه به قیاس در نمی‌آید آن کجا و این کجا رساله نور علی نور، انتشارات تشیع، سال ۷۱ش.

۱. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با ارتباط میان مضامین دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه می‌فرماید: خواهش می‌کنم عزیزان من به خصوص جوانان با صحیفه سجادیه انس بگیرند زیرا همه چیز در این کتاب ظاهراً دعا و باطناً همه چیز وجود دارد



یکی از شیوه‌هایی که خواننده را کمک می‌کند که این ارتباط را دریابد توجه به ساختار کلی و به تعبیری هندسه دعاست. شارحین صحیفه غالباً از هندسه کلی که فضای دعا را شکل داده غفلت نموده‌اند. فهم محور اصلی پیام معصوم می‌تواند ارتباط میان فقرات و حقایقی که توسط این امام بیان شده است را آسان‌تر نماید.

کلمات آن بزرگوار هر چند دارای ابعاد و مراتب است ارتباط میان کلمات آنان نیز منحصرأ در یک نحو و یک شکل خلاصه نمی‌شود. اما توجه به محورهای کلام می‌تواند ما را با لایه‌هایی از حقیقت متن و ارتباط میان عناصر این متن بیان کند.

برای کشف این محور پنهان امر علاوه بر قوت ذهن و طهارت باطن ممارست فراوان می‌طلبد تا در افق شهود آن معارف بر قلب داعی بتابد و از آن معارف بهره‌مند گردد.

نگارنده در حدّ وسع سعی کرده کوششی در جهت این امر نماید و محور ناپیدا در هر دعا بیان و ساختار دعا در اطراف آن معنا شود. سعی شده این فهم به شکل تحمیل بر متن و تفسیر ما لا یرضی صاحبه نباشد. لازم به ذکر است عنوان دعاها گاه با محور دعا متفاوت می‌باشد. ویژه آن

---

← امام سجاده علیه الصلاه و السلام در این دعا هم مثل بقیه دعاهای صحیفه سجادیه با این که مقام دعا و تضرع است و باخدای متعال حرف می‌زند اما سخن گفتنش کانه از یک روال استدلالی و ترتیب مطلب بر دلیل و معلول بر علت پیروی می‌کند. اغلب دعاهای صحیفه سجادیه تا آنجا که بنده سیر کرده‌ام همین حالت را دارد. همه چیز مرتب شده و چیده شده است مثل این است که یک نفر در مقابل مستمع نشسته و با او به صورت استدلالی حرف می‌زند. همان ناله‌های عاشقانه هم که در صحیفه سجادیه آمده است همین حالت را دارد. ۷۳/۱۱/۱۴ نماز جمعه تهران.

که عناوین ادعیه ساخته راویان بوده نه امامان.

ب) هر خواننده برای خواندن دعا مایل است نکاتی را درباره موضوع و... بداند. در این شرح آن چه به نظر برای خواندن دعا ضروری لحاظ شده با رعایت اختصار بیان شده است.

ج) خواننده با خواندن هر دعایی سوالاتی نسبت به متن به نظرش می‌آید. در این نگارش پاسخ این سوالات به شکل دفع دخل مقدر یا با تصریح بیان شده است

د) نکات عرفانی و دقیقی که به نظر نگارنده یا شارحین آمده سعی شده تا حد امکان بیان شود

از خداوند خواهان آنم که زمینه آشنایی ما را با ادعیه شیعه فراهم آورد. و ما را از متمسکین به قرآن و عترت قرار دهد.<sup>۱</sup>

زبور عشق نوازی نه کار هر مرغی است

بیا و نوگل این بلبل غزلخوان باش

نیمه رمضان المبارک ۱۴۳۵

مطابق با ۲۲ تیرماه ۱۳۹۳

۱. آیت‌الله مرعشی نجفی در تشریفی که در سرداب مطهر به خدمت حضرت ولی عصر مشرف شدند. آن حضرت به ایشان سفارشات نمودند از جمله تأکید بر مطالعه و حفظ نهج البلاغه و ادعیه سجادیه (قبسات، زندگانی آیت‌الله مرعشی نجفی، عادل علوی).

## دعای اول

دعای اول همانند آغازین سوره قرآن کریم با حمد الهی آغاز می‌گردد. آغازی که طبق روایت هر شروعی بدون سخن از حمد الهی بی‌ثمر است.<sup>۱</sup> نکته‌ای که در مورد دعا نسبت به آن تأکید بیشتری شده است.<sup>۲</sup> شروعی که نگاه و حال دعاکننده را تغییر می‌دهد و به داشته‌ها و لطف‌های حق او را متوجه می‌سازد.

برکات این آغازین کلام چنان است که امیرمؤمنان این شروع را سزاوار حمدی دانسته و زمینه ریزش فضل الهی می‌داند و می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِذِكْرِهِ، وَسَبَباً لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ، وَدَلِيلًا عَلَيَّ آيَاتِهِ وَعَظْمَتِهِ»<sup>۳</sup>؛ حمد ویژه حق تعالی است. شکر و مدح برای مخلوقات به کار می‌رود اما حمد فقط برای وجودی است که کمالات ذاتی وی باشد. از سویی محدود به نعمت نیست برای رفع بلا و... می‌توان حمد نمود هر چند شکر نتوان کرد.<sup>۴</sup>

۱. ر. ک سنن اب‌داود، ج ۲، ص ۲۶۱، ح ۴۸۴۰؛ سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۸۹۴.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۲. ۳. نهج‌البلاغه، خ ۱۷۵.

۴. سید علیخان مدنی، ریاض‌السلکین، ج ۱، ص ۲۳۰ در دعای ۳۶ صحیفه حضرت

ادعیه صحیفه مشحون از حمد الهی است. دعای روز عرفه امام بیش از هر دعای دیگری در صحیفه به این مهم پرداخته است. در دعای ۴۶ صحیفه می‌خوانیم که نعمات الهی چنان است که آدمی را به حیرتی فرو می‌برد که به جای حمد الهی سکوت بر آدمی غلبه می‌کند. به تعبیر دعای ۴۵ ذهن و زبان قاصر از انجام این امرند.

محوری‌ترین مفهوم در این دعا توجه به حقیقت حمد و وجوب اخلاقی آن است. امام در این دعا تمایز آدمی از حیوان را حمد حق دانسته و فضل آدمی را به تعبیر عالمان منطق حامد می‌خوانند و توجه به نعمات و معرفت به حمد الهی را فیضی از حق به بندگان می‌داند. فیضی که طبق بیان حضرت برزخ و قیامت بندگان را نورانی می‌کند.

در سایه این دعا فهم خواننده نسبت به نعمت تغییر می‌یابد و نعمت را تنها در لباس عطایای دنیوی نمی‌بیند، بلکه اضطرار بندگان به حق از زمره نعمات الهی شمرده می‌شود. توبه یکی دیگر از این نعمت‌هاست که حضرت می‌فرماید: «اگر جز توبه سایر نعمت‌های او را به شمار نیاورم احساس او بر ما تمام و نعمت و فضلش بر ما بزرگ است».

ذکر نعمات گوناگون حتی سپاس برای نعمت‌هایی که خداوند به گذشتگان ارزانی داشته همه برای آن است که ما به نحوی حامد حق شویم و از ورطه حیوانیت خارج شده و وارد در عالم انسانی شویم.

نکته دیگری که در این دعا و دیگر ادعیه قابل توجه است تاثیر رفتار

---

← برای رفع بلا خدا را حمد نماید. همچنین در دعای ۲۲ عبادات و اعمال مستحبی از مصادیق ثنا و حمد الهی شمرده شده است.



آدمی بر باطن و باورهای وی است. اطاعت بندگان توحید و معاد آنان را شکل می‌بخشد و آنان را به ولایت الهی وارد می‌نماید<sup>۱</sup> چگونه در عالم هستی حتی بال‌زدن پروانه در جو تغییر ایجاد می‌کند. رفتار آدمی نیز در تمامی مراتب عالم انسانی اثرگذار است.

دعای اول بسان دیگر ادعیه معصومین با تمسک به اسماء و صفات الهی سعی بر تغییر احوال خویش دارد. هستی ظهور صفتی از صفات حق تعالی است. اسماء و صفاتی که نگاه منسجمی از هستی و مراتب آن در ذهن دعاکننده ایجاد کرده و تمامی قدرت و علم و دیگر دارایی‌های خود را از حق می‌داند. حضرت در این دعا با بیان «آفریدگان را در مسیر اراده خود روانه ساخته و در راه محبت خود برانگیخته است» احاطه قیومی حق و معاد عمومی برای خلقت را بیان نموده است.<sup>۲</sup>

پژوهشگاه تخصصی علوم اسلامی

۱. حضرت در این دعا در انتها خداوند را به ولی حمید می‌ستاید.

۲. این فراز یادآور این بیت از حافظ است:

رهرو منزل عشقیم ز سر حد عدم تا به اقلیم وجود این همه راه آمده‌ایم.

## دعای دوم

دعای دوم که پیوستگی معنایی با دعای اول صحیفه دارد و طبق روایت ابن مالک و ابن فضل یک دعا گزارش شده است جایگاه معنوی پیامبر اکرم را در قالب دعا بیان می‌نماید تا در سایه حمد و ستایش خداوند بر نعمت پیامبر حیات معنوی و مادی آن بزرگوار را می‌ستاید. این امر از آن سوست که حمد اگرچه مخصوص خداوند است اما بندگان مقرب الهی از آن بی‌نصیب نیستند. در دعای ۴۷ صحیفه می‌خوانیم: «مرا به درجات کسی رسان که بر او عنایت داشته‌ای. سپس به این سبب او را ستوده زنده داشته‌ای».

طبق روایاتی از اهل بیت قبل از تقاضا و سؤال از حق تعالی می‌بایست بر پیامبر اکرم درود فرستاد. ضمن آنکه امام سجاد در دعای ۴۹ توجه به پیامبر اکرم را مایه قرب حق می‌داند. این توجه به پیامبر و صلوات بی‌شمار بر وی در دیگر ادعیه صحیفه نیز دیده می‌شود که همه حکایت از حق والای وی بر امت دارد. زیرا طبق دعای ۴۲ راه‌های خشنودی حق به وسیله ایشان به مردم تعلیم داده می‌شود.

در اینکه آیا برکات صلوات بر پیامبر عائد درود فرستنده می‌شود<sup>۱</sup> یا بر مقامات نبی مکرم می‌افزاید.<sup>۲</sup> در بین عالمان دینی محل بحث و اختلاف است. سؤالی که در متن صحیفه نیز با آن مواجه می‌شویم از سویی در دعای ۴۸ بهترین خلق خداوند دانسته می‌شود و از سویی در این دعا مرتبه‌ای فوق تمام مخلوقین درخواست می‌شود.

در این دعا علاوه بر آنکه از نعمت وجودی پیامبر یاد می‌شود امت خاتم پیامبر را با عنوان شاهد [در روز قیامت] وصف می‌نماید. قابلیت که همگان از آن بهره‌مند نخواهند شد. جایگاهی که آرزوی برخی پیامبران بوده است.<sup>۳</sup>

در دعای ۳۱ حضرت خواستار آن است که بر دین ملت خاتم جان دهند. دیگر وصف امت خاتم در این دعا کثیر است که واضح نیست که این زیادی به چه جهت است: ثواب، تعداد، زمان و یا....

۱. شهید ثانی در خطبه و دیباچه شرح اللمعه چنین می‌فرماید: و غایه السؤال بها عائد الی المصلی لان الله تعالی قد اعطی نبیه من المنزله و الزلفی لدیه ما لا یوثر فیه صلاه المصلی؛ نتیجه و فایده صلوات تنها عائد فرستنده صلوات می‌شود. زیرا خداوند تعالی آنقدر از مقربیت و منزلت در پیشگاه خود به پیامبرش داده است که صلوات فرستنده‌ای موثر در ترفیع مقام آن حضرت نخواهد بود.

مرحوم آقای طباطبایی صلوات فرستادن مانند اعطای گل از باغ فردی به همان فرد می‌دانند.

۲. این نگاه مبتنی بر حد یقف نداشتن کمالات انسانی است.

۳. طبق روایتی از امام رضا نقل شده است که حضرت فرمود که رسول خدا فرمودند: آن موسی سال ربه عزوجل فقال: یا رب اجعلنی من امه محمد فوحي الله تعالی الیه: یا موسی انک لا تصل الی ذلک؛ موسی از خدای تعالی درخواست کرد که مرا از امت محمد قرار ده خداوند به او وحی کرد که ای موسی تو به آن نمی‌رسی.

پیامبر اکرم که در این دعا با اوصافی چون: امین وحی، نجیب خلق، برگزیده الهی، پیشاهنگ خیر، کلید برکت و... می ستاید. حضرتش که تمام تلاش خود را در مسیر توحید بر علیه جایگاه قبیله‌ای خویش برداشته تا وظیفه‌اش را بی‌کم‌وکاست انجام دهد. صبری که در ادامه مسیر صبوری اولوالعزم بوده و به تعبیر آن بزرگوار در این طریق پیر گردید. چه زیبا حسان بن ثابت سرود:

له هم لا منتهی لکبارها و همته الصغری اجل من الدهر<sup>۱</sup>

حضرت در انتهای دعا قبل از ختم دعا با اوصاف الهی درخواستی از خداوند می‌کند که توجه خواننده را جلب می‌کند. امام از پیامبر برای اهل بیت طاهرینش تقاضای شفاعت نیکو می‌کند. تعبیر شفاعت حسن برای امامان حکایت از مراتب فراوان شفاعت می‌کند که فوق فهم نگارنده است.

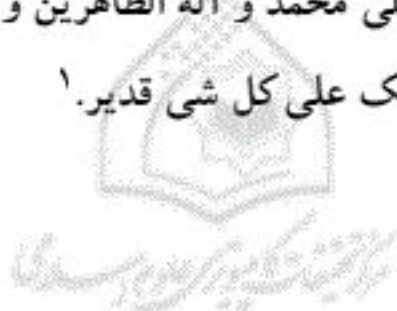
حضرت در سایر دعاها نیز دعا را با صلوات توأم می‌کند. این همراهی معنادار فیض‌گیری از مبادی فیض است. خداوند در باب استغفار و طلب آموزش مغفرت خود را برای انسانهایی که طالب مغفرت هستند در شعاع مغفرت خواهی و تقاضای رسول خدا قرار داده و فرموده است: «و لو انهم جاءک...» در این آیه شریفه دعای رسول خدا را شرط اجابت دعای انسانها کرده است. در طبیعت هم فیض‌گیری و فیض‌دهی به همین کیفیت است زراعت کار آن را برای این که زراعت مطلوبی داشته باشند بایستی قبلاً به اصلاح مبادی زراعت که اصلاح بذر و زمین باشد پردازد که اگر

۱. اراده‌های بزرگ پیامبر بی‌کرانه بود و کوچک‌ترین اراده‌اش از روزگار بزرگ‌تر بود.



مبادی اصلاح نشود مشتقات آن صالح و شایسته نخواهد بود. به همین کیفیت سلامتی فکری و مزاجی پدر و مادر در مبدأ و منشأ سلامتی فرزندان است.

لازم به ذکر است که در نسخه خطی صحیفه سجادیه محشی به حاشیه محدث جزایری به خط محمد مؤمن حاجی محمد ابهری تتمه‌ای به این صورت آمده است. و کان فی ذکر آل محمد: اللهم یا من خص محمدا و آله بالکرامه و جاهم بالرساله و خصهم بالوسيله و جعلهم ورثه الانبياء و ختم بهم الاوصياء و الائمه و علمهم علم ماکان و ما بقى و جعل افئده من الناس تهوى اليهم فصل على محمد و آله الطاهرين و افعل بنا ما انت اهله فى الدين و الدنيا و الاخره انک على کل شیء قدير.<sup>۱</sup>



۱. محدث جزایری می‌نویسد: بخط الشیخ حسین بن عبدالصمد نقلت هذه الزیاده من نسخه بخط الکفعمی و نقلها هو من نسخه بخط الشهيد. (ر. ک. مجله سفینه ش ۹، ص

## دعای سوم

وجود ملائکه از مسلمات آیین اسلام است و به فرموده علامه طباطبایی در سایر ادیان نیز تا حدودی چنین است. براساس روایات انواع و افراد آنها از دیگر مخلوقات خداوند بیشتر است و وجود غیرمادی و غیرجسمانی آنها و قصور و غم و ادراک ما از دریافت حقایق باطنی جهان هستی موجب گشته تا تصویر و تصور صحیحی از این آفریدگان الهی نداشته باشیم و بعضاً با اوهام و تخیلات خویش، حقیقت آنان را طور دیگری در ذهن ترسیم می‌کنیم.<sup>۱</sup>

طبق آیات قرآنی ایمان به وجود ملائکه که از مصادیق ایمان به غیب است امری واجب است<sup>۲</sup>؛ زیرا که نبوت پیامبر وابسته به قبول فرشتگان وحی است.<sup>۳</sup> هرچند در چیستی آنها که اختلاف بسیار است.<sup>۴</sup> اختلاف‌هایی که با شواهد قطعی در دین نمی‌توان برای آن پاسخی یافت.<sup>۵</sup>

---

۱. برای اطلاع بیشتر ر. ک محمد شجاعی، ملائکه، نشر وثوق.

۲. بقره / ۲۸۵.

۳. ریاض السالکین، ج ۲، صص ۱۰ و ۱۱.

۴. آیا ملائکه مجردند یا مادی، تجردی برزخی یا تام و.

۵. مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۲، ص ۲۹۵.

ایمان به ملائکه آثار تربیتی نیز به همراه دارد. مشهود ملائکه بودن بر ادب بنده می‌افزاید. طبق روایات تعداد ملائکه در عالم بسیار فراوان است. خداوند هیچ مخلوقی را به تعداد ملائکه خلق ننموده است.<sup>۱</sup> در سومین دعای صحیفه حضرت بر حاملان عرش الهی<sup>۲</sup> و ملائکه مقرب درود نثار می‌کنند؛ درودی که در مقابل فیوضاتی است که توسط ملائکه به سوی بندگان الهی نازل می‌کند.

در این دعا حدود سی گونه فرشتگان برشمرده می‌شود<sup>۳</sup> عده‌ای از ملائکه را خداوند صرفاً برای خود خلق نموده است؛ به طوری که طبق این دعا شراب و طعامشان تقدیس حضرت حق هستند.<sup>۴</sup> و برخی دیگر از ملائکه را خداوند برای امری وکیل [به تعبیر این دعا] نموده است. به بیانی نظام مدیریتی عالم بر پایه مراتب فرشتگان تصویر می‌گردد... برخی فرشتگان در سیر نزول هستی [مثل ملائکه طواف‌کننده بیت المعمور] و

۱. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۳۹ در قرآن هم می‌خوانیم و مایعلم جنود ربک الا هو) (مدثر/۳۰).

۲. بنابر روایات اهل بیت عرش موجودی عینی و از عالم غیب است و مرکز دستورات عالم است و رشته تیر امور جهان به آن منتهی می‌شود و اطلاع بر آن ما را با تفصیل جزئیات جهان و تدبیر کلی جهان هستی آگاه می‌سازد. برخی از ملائکه که حافظ آن هستند حاملان عرش خوانده می‌شوند. (ر.ک: سید علی اکبر قریشی، ج ۲، ص ۳۱۷).  
 ۳. چون در برخی موارد نمی‌دانیم اوصافی که حضرت آورده فرشتگان جدیدی را برشمرده یا وصف فرشتگان قبلی است اختلاف است. به طور مثال در فراز بیستم: والذین لایعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یومرون آیا ویژگی عمومی ملائکه است یا وصف برخی ملائکه.

۴. از ملائک جماعتی هستند  
 نی ز خود نی ز خلقشان خبری  
 کز می‌عشق جلودان مستند  
 نی به خود نی به خلقشان نظری  
 برده از خلق در وجود سبق  
 در شهود حقیقت مستغرق  
 عارفانی که راه دین پویند  
 نام ایشان مهیمن گویند

برخی در سیر صعود آن [برزخ و قیامت] به کارگزاری مشغولند.<sup>۱</sup>  
 حضرت پس از برشمردن ویژگی حاملان عرش چهار فرشته برتر:  
 اسرافیل، میکائیل، جبرئیل و ملک الموت را برمی شمرد.<sup>۲</sup> پس از آن با دو  
 وصف مستقل از روح سخن به میان آمده است<sup>۳</sup> که شاید حکایت از آن  
 باشد که روح علاوه بر آنکه بر فرشته‌ای اعظم از دیگر ملائکه آمده  
 است<sup>۴</sup> عنوان طیفی از ملائکه باشد. در ادامه ملائکه فراوانی از جمله  
 فرشتگانی که ثبت‌کنندگان اعمال آدمی را یاد کرده است.<sup>۵</sup>  
 بنابر درخواست حضرت بر افزودن کرامت، طهارت و مقام فرشتگان  
 می‌توان دریافت که امکان رفعت در مورد آنان متصور است.<sup>۶</sup>



۱. هرچند شمارش ملائکه در دعای این اسلس شمرده نشده است. برای نمونه در کنز ملائکه قیامت ملائکه بیت‌المعمور آمده است.
۲. طبق روایت در میان این چهارفرشته جبرئیل و میکائیل موقعیت برتری دارد. در قرآن کریم نیز تنها نام این دو فرشته ذکر شده است. اما این که کدام یک از این دو برتر از دیگری است محل اختلاف است. از مضامین این دعا و برخی دیگر از روایات شواهدی می‌توان برتری میکائیل یافت. ریاض السالکین، ج ۲، ص ۲۶.
۳. در این دعا آمده است که روح موکل بر فرشتگان حجب است همان روحی که متعلق به عالم امر است. ظاهراً مراد از حجاب انواری بالاتر از آسمان‌هاست که مانع از علم مخلوقین به بالاتر از آن می‌شود و ملائکه این مرتبه از هستی از دیگر مراتب ملائکه مخفی می‌باشد. مراد از عالم امر همان عالم ملکوت است که در برابر عالم خلق است. (ریاض السالکین، ج ۲، صص ۲۹ - ۳۱).
۴. کافی، ج ۱، ص ۲۷۱.
۵. ملائکه نگهبان (حفظه) بر دو قسم هستند: ۱- حفظه علی العباد که کاتبان کریم حق هستند ۲- (ق/۱۷) حفظه للعباد که انسانها را از گزند حفظ می‌کنند (رعد/۵).
۶. بنابر نظر استاد فیاضی حرکت کمالی در مجردات قابل تبیین است.



## دعای چهارم

صحابه پیامبر اکرم ﷺ طبق قول مشهور افرادی هستند که پیامبر را با ایمان ملاقات کرده و بر دین اسلام وفات کند اگرچه مدتی هم در این میان مرتد شده‌اند<sup>۱</sup> طبق شمارش برخی مورخین یکصد و چهار هزار نفر بوده‌اند.<sup>۲</sup>

از نگاه شیعه ایمان و عمل صالح مهم است نه صرف صحابی بودن، هرچند با وجود آن دو شرط، صحابی بودن خود فضیلت است. مدار محبت به هر فردی بر مدار تقوی است. از این رو در روایات شیعی تعداد صحابه دوازده هزار نفر (هشت هزار نفر از مدینه، دوهزار نفر از غیرمدینه

---

۱. محمد عجاج الخطیب، السنه قبل التدوین، دارالفکر، مصر، ۱۹۸۱.

۲. البته برخی شرط زملی گذاشته‌اند مثلاً یک سال یا یک ماه یا یک روز (ابن کثیر، الباعث الحثیث فی شرح اختصار علوم الحدیث، ص ۱۵۳ ۱۵۱) یا شروط دیگری چون ایمان یا نقل حدیث و.. را قرار داده‌اند. برخی دیگر نیز اساساً به کسی صحابی می‌گویند که مجالستی طولانی با پیامبر داشته باشد. هر چند نگاه‌های انتقادی نیز به این نگاه در میان خود اهل سنت نیز ظاهر شده است. آراء و اندیشه‌های خلیل عبدالکریم، محمد بکایی، معاونت پژوهشی فرهنگ و ارتباطات، ص ۹۶.

و دوهزار نفر از طلقا) آمده است.<sup>۱</sup> این افراد گاهی در روایات افعال آنان مورد استناد اهل بیت<sup>۲</sup> و مورد توجه حضرات بوده‌اند.<sup>۳</sup> دعای چهارم امام حکایت از همین نگاه است.

دعای چهارم درود بر پیروان تصدیق‌کنندگان پیامبران است. حضرت در این دعا تصویر قدسی از تاریخ هستی ترسیم می‌کند که محرکان آن بندگان صالح الهی بوده‌اند تا معارف الهی را ترویج کنند و با طاغوت مقابله نمایند. تمامی این بندگان الهی بویژه اصحاب پیامبر مورد درود حضرت می‌باشد. امام در سایه تلاش گذشتگان در مسیر توحید و دفاع از دین و ترویج آن، آینده روشنی برای دیگران ترسیم می‌کند.

صحابه پیامبر و تابعین راستین پیامبر صادقانه محبت خدا و رسول را بر احساسات و عواطف این جهانی خود ترجیح دادند. تجارت از نگاه امام چهارم جز سود عاید آنان نگردید.

درود بر اینان پاداش و ساطت آنان در انتقال معنوی این معارف است. درودی که برای آدمی جلب منافع و دوری از آفات و بدی‌ها را در پی دارد و در برزخ و قیامت او را یاری می‌دهد و در آخر نیز او را به بهشت برین که سرای متقین است رهنمون می‌نماید.

۱. ر. ک خصال صدوق، باب دوازده هزار.

۲. الکافی، کتاب فضل القرآن، ح ۳۵۲۸. ۳. نهج البلاغه، خ ۱۲۱، ص ۱۷۷.

## دعای پنجم

در دعای پنجم در سایه اسماء و صفات الهی برای خود و تمام دوستان و یاران خویش درخواست‌هایی می‌کند یاد حق و اسماء الهی، خود داروی تمامی دردهاست. بیشتر خواسته‌ها حوائج معنوی و استقامت بر مسیر عبودیت است.

ارتباط میان اسماء الهی و خواسته‌ها بر پایه یک ارتباط صرفاً مفهومی نیست بلکه گاه باید با پای حضور و درک وجودی درک گردد. برای نمونه حضرت بعد از یاد از عظمت حق و بیچارگی خلق طلب کرامت و رفعت از حق می‌کند<sup>۱</sup> یا بعد از ذکر علم حق به بواطن خلق می‌خواهیم که ما را در قیامت مفتضح ننما.<sup>۲</sup>

از سویی یاد هر اسمی اثر ویژه‌ای دارد. در همین دعا بعد از ذکر

---

۱. یادآور این بیت حافظ است.

دولت فقر خدایا به من ارزانی ده

کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است

۲. به تعبیر صائب تبریزی:

در آتشم بیفکن و نام گنه میر کآتش به گرمی عرق انفعال نیست

عظمت حق و یادآوری پایان ناپذیری شگفتی عظمت حق می خوانیم:  
 واجعل سلامه قلوبنا فی ذکر عظمتک؛ سلامت و عافیت دل های ما را یاد  
 عظمت و بزرگیت قرار ده در این دعا یاد عظمت حق فراوان شده است.  
 در فرازی از الحاد در عظمت حق به خداوند پناه می بریم. طبق تعریف  
 مرحوم علامه طباطبایی انتساب صفات خداوند به غیر حق الحاد در  
 اسماء و صفات الهی است<sup>۱</sup> تعظیم ویژه حق است و نمی بایست در برابر  
 غیر حق تعظیم استقلالی نمود سلامت قلب و نجات از شرک و شک  
 مرهون همین توجه است. توجه ای که سلامت همه اعضای ما را به ارمغان  
 آورده<sup>۲</sup> سرمایه معنوی ما را شکل می دهد.<sup>۳</sup>

در انتها دو نکته قابل ذکر در این دعا می توان ذکر نمود. اول آنکه علم  
 میوه هدایت بر شمرده شده است<sup>۴</sup> و دیگر آنکه ابتدا طلب هدایت  
 می نماید و سپس از خداوند طلب راهبری و هدایت دیگران را؛ که تا راه  
 رو نباشی کی راه بر شوی.<sup>۵</sup>

۱. المیزان، ج ۸، صص ۳۴۰-۳۴۳.

۲. زیرا قلب بر پایه روایت امام اعضاء آدمی است. و در همین دعا در ادامه آمده است:  
 و فراغ ابداننا فی شکر نعمتک.

۳. یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب السلیم.

۴. مرحوم سید علی خان در شرح ریاض السالکین ج ۲، ص ۱۵۶ گوید: هرکه را خداوند  
 هدایت کند، در صراط مستقیم قرار می گیرد و در جاده حق قدم می گذارد. یافتن حق و  
 حقیقت همان علم است.

۵. و الا مصداق: شد غلامی که آب جو آرد آب جو آمد و غلام ببرد.



## دعای ششم

در قرآن و روایات توصیه فراوان شده است که صبحگاهان و واپسین ساعات روز خدا را بخوانید. این ساعات به علت بی توجهی اکثر افراد ساعه الغفله خوانده شده است. دعاهایی که به صورت مرتب خوانده می شود حکایت از اهمیت مفاد آن دارد که توجه به آن تاثیر تربیتی بیشتری بر آدمی دارد. برخی جامع ترین دعای صحیفه را همین دعا دانسته اند.<sup>۱</sup>

زمان در این دعا بسان مخلوقی از مخلوقات حق دانسته شده که گاهی ما را می ستاید و گاه نکوهش می کند.

حضرت در این دعای شریف ویژگی های آفرینش شب و روز و برکات

---

۱. ر.ک: صحیفه سجادیه، ترجمه محمد مهدی رضایی، نشر منشور وحی، ص ۳۱۷؛ همچنین مرحوم محمد تقی مجلسی درباره این دعا این گونه می نویسد: بهترین و کامل ترین دعای صباح و شام دعای صحیفه کامله است که حضرت سیدالساجدین خوانده اند. در هر صبح و شامی و سایر دعاها که اکمل ادعیه است اصل صحیفه از تفضلات الهی است به شیعیان که عامه از آن محرومند و خود اعتراف نموده اند. ر.ک شرح لوامع صاحبقرانی، محمد تقی مجلسی، ج ۴، ص ۲۱۵.

آن را بیان نموده و باید و نبایدهای زیست یک مسلمان را در قالب دعا بیان کرده است. دعایی که به زبان امروز سبک زندگی فرد را اسلامی کرده و آدمی را در پرتویاد حق و جایگاه ابدی خود به تدریج در مسیر توحید و بندگی قرار داده تا به یک فرد مسلمان تبدیل نماید. از خداوند می‌خواهد که امروزمان را بهترین یار و یاورم قرارده.<sup>۱</sup>

اگرچه عنوان دعا برای صبح و غروب است اما مضامین دعا با صبحگاهان تناسب دارد. از این رو شیخ طوسی این دعا را مخصوص خواندن در آغاز روز می‌داند.<sup>۲</sup> از سویی ممکن است این دعا در واپسین وقت روز از باب محاسبه خوانده شود تا آدمی خود درباره کارهای روزانه خویش داوری نماید.

در این دعا تا فقره هشتم خداوند به صیغه غایب خوانده می‌شود و پس از آن به صورت مخاطب، که حکایت از تغییر حال و معرفت داعی دارد که خود را به تدریج در حضور حضرت حق می‌بیند.<sup>۳</sup>

خواسته‌های زیبایی در این دعا از حق خواسته می‌شود که حامل معانی لطیفی است از جمله: «اللهم یسر علی الکرام الکتاتین موونتنا، بارالها زحمت و مرارت ما را بر کاتبان نامه اعمال آسان ساز»<sup>۴</sup> یا «اللهم

۱. این‌گونه یاد ما را از مغبون بودن محفوظ می‌دارد. مغبون بودنی که زاپیده روزهای مساوی آدمیان است. وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۴.

۲. مصباح المتهجد، شیخ طوسی، ص ۷۵.

۳. مرحوم سید علیخان مدنی در شرح این امر وجوه متعددی را برشمرده که ما در این جا روح کلی این توجیهاات را بیان نمودیم.

۴. در روایت آمده که بنده حسناتی که انجام می‌دهد ملائکه مأمور شاد و مسرور

اجعل لنا فی کل ساعه من ساعاته حظا من عبادک و نصیبا من شکرک؛ خداوندا ما را چنان نما که بتوانیم در هر ساعتی از این روز از انوار اولیای الهی بهره‌مند گردیم.<sup>۱</sup> یا «واحفظنا من بین ایدینا و من خلفنا و عن ایماننا و عن شمائلنا و من جمیع نواحینا حفظا عاصما من معصیتک هادیا الی طاعتک مستعملا لمحبتک؛ ما را از پیش رو، پشت سر، سمت راست و طرف چپ [آن‌چنان] حفظ کن که از ارتکاب گناه بازمان دارد و به طاعت و بندگی تو رهنمون سازد و ما را سرگرم محبت تو نماید.<sup>۲</sup>

حضرت در انتها تمامی موجودات عالم را گواه بر اعتقادات خود گرفته که حکایت از ارتباط با جهانی دارای شعور و هستی دارد و تاثیر بسیاری بر تربیت یک فرد می‌گذارد.



← می‌شوند و هنگام اعمال زشت بدگان محزون می‌گردند (صافی، ج ۵، ص ۲۹۶) این امر دلالت بر عدم سنخیت گناه با ملائکه دارد.  
۱. یادآور این بیت است:

عارفان هر دمی دو عید کنند      مگسان عنکبوت قدید کنند

۲. عبارت مستعملا لمحبتک در انتهای این جمله آمده را دو شکل می‌توان ترجمه نمود: اگر مستعملا را به کسر میم و به شکل فاعلی بخوانیم جهت هم عبادات را محبت می‌خواند و اگر مستعملا را به فتح میم بخوانیم معنا این شود که اطاعت خداوند از روی محبت انجام پذیرد نه از سر اکراه و اجبار.  
آن چه جالب است تقاضای محبت الهی بعد از آزادی از گناه است که تا تخلیه رخ ندهد تخلیه صورت نبندد.

## دعای هفتم

در همه حال رجوع به حق سزاوار بندگی است اما در وقت نیاز و نزول بلا به گفته شاعر: حاجت آن به که بر قاضی حاجات بریم. این پناهگیری بنده به حق، الهامی الهی است که حکایت از آن دارد که بلا ادامه نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

دعای هفتم حکایت از این پناهجویی بندگان در پناهگاه خدای متعال است؛ پناهی که برآمده از این معرفت است که رشته اسباب به دست قادر شکست‌ناپذیر و خیر مطلق و صاحب عرش عظیمی است که بر همه حوائج و رفع آن سیطره دارد.<sup>۲</sup>

دعا سرشار از استعارات زیبا و تصویرسازی فراوان از حالات روحی آدمی دارد که هر کدام آثار ویژه‌ای بر نفس آدمی می‌گذارد.<sup>۳</sup> از آن جا که طبق دعای بیست خداوند مایه دل‌خوشی بنده در هنگام اندوهگینی و بنا

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۷۱، ح ۱۰۲ و ۸.

۲. به تعبیر این دعا و تسبیت بلطفک الاسباب.

۳. در عبارات صحیفه غم و حزن امری مثبت و هم و غم امری منفی دانسته شده است.



بر دعای شانزده گشایش بخش دل‌های اندوهناک است، بنده مأوای  
دیگری ندارد

مضامین دعا سرشار از توحید افعالی است که خواندن آن این مهم را  
در خواننده می‌آفریند. سید بن طاووس این دعا را برای ایمنی از سلطان و  
بلاء و ظهور اعداء و خوف فقر و تنگی سینه پرثمر دانسته است.<sup>۱</sup>



۱. مفاتیح‌الجنان، ابتدای همین دعا.

## دعای هشتم

وجود آدمی طرفه معجونی است که میل به خوبی‌ها و بدی‌ها در وی سرشته شده است. کشش‌های متفاوتی که وجود ما را جولانگه حوادث کرده و بذر خیر و شر را در ما می‌پراکند و ما را آبستن صلاح و طلاح می‌کند. اخلاق فاسد که حاصل شکست آدمی در این نبرد است، تبدیل به شکنجه‌گاهی برای وی می‌گردد.<sup>۱</sup>

آدمی در برابر هجوم خواسته‌های نفسانی و وسوسه‌های شیطانی پناهگاهی جزء حق تعالی نمی‌یابد. هشتمین دعا تصویرگر زشتی‌های فردی و جمعی و عوامل انحراف‌ساز بیرونی است که با استعانت حق بایست از میان برداشته شود تا نور حق بر جان آدمی بتابد و فرهنگ عمومی و زیست فردی ما را اصلاح نماید.

در ادعیه امامان تعبیر استعاذه کاربرد وسیعی دارد گاه مفهوم استعاذه با کلمات استجاره، التجاء و استعاذه به کار رفته است. در این دعا از

---

۱. امام صادق می‌فرماید: من ساء خلقه عذب نفسه؛ بد اخلاقی خود را عذاب می‌دهد.

ر.ک: کافی، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۴.

اخلاق سوء به خداوند پناه برده و در ادعیه دیگر صحیفه از اموری همچون: شر جن و انس، حیوانات، پادشاه ستمگر، اندوه دائم، شکستن توبه، رسوایی قیامت، آشامیدنی‌های دوزخ و... سنت املاء فتنه و.. به خداوند پناه جسته است. این پناه‌جویی گاه به ذات الهی و گاه به اسماء و صفات الهی است. در این دعا علاوه بر پناه یابی از حق، به صفت رحمت چنگ زده و از خداوند طلب یاری نموده است.

حقیقت استعاذه ورود به قلعه توحید است و گرنه با وجود لفظی صرف، تأثیر چندانی بر آدمی ندارد و تا آدمی وارد قلعه توحید نشود از مکاید اژدهای نفس در امان نمی‌ماند.



## دعای نهم

قدرت انتخاب از امتیازات آدمی است. قدرتی که آینده ما را می‌سازد. دعای نهم که در برخی نسخه‌ها با عنوان اشتیاق در طلب مغفرت<sup>۱</sup> از خدای تعالی و در برخی دیگر با عنوان اعتراف و طلب توبه به سوی خداوند یاد شده؛<sup>۲</sup> برای انتخاب بهتر دو قاعده اساسی را مطرح می‌کند: توجه به ابدیت و توجه به رضای الهی.

دعای نهم تصویرگر انسانی که به خویش سوءظن داشته و از انتخاب‌های اشتباه خود هراسناک است. طبیعت آدمی میل به باطل و شهوات دارد. وی به ضعف خویش معترف و به خداوند اعتماد فراوان دارد. دعاکننده از خداوند خواستار است که اگر قرار است اراده ما که وسیله وصول به مدارج انسانی است ما را به سخط و غضب الهی دچار

---

۱. مغفرت از غفر به معنای ستر است. از این رو گفته شده مغفرت الهی به این معناست که قدرت دارد بدی زبردست خود را بپوشاند.

۲. بیشتر مضامین دعا درباره طلب توفیق است و نام‌گذاری دقیق نیست. این نام‌گذاری توسط ناسخین انجام شده است.



سازد نیرو و توانمان را از ما بازستاند. حضرت در این دعا توبه و رجوع را امری محبوب حق و توشه ابدی ما می‌داند و فراوان طالب توفیق الهی است<sup>۱</sup> و می‌فرماید: «فایدنا بتوفیقک و سدنا بتسدیدک؛ پس ما را به توفیق خود یاری رسان و به راهنمایی خود بر راه راست بدار.»<sup>۲</sup>

حضرت در پایان دعا از خداوند طلب می‌کند که تمامی اعضاء و جوارح در جهت رضایت و محبت حق تعالی قرار گرفته و مستوجب ثواب گردد. از تمامی فرصت‌ها استفاده نماید و از عذاب الهی در امان ماند.

نکته‌ای که در انتها لازم به ذکر است این است که توبه از منظر امام سجاد تلازمی با انبانی از گناه ندارد. آن بزرگوار در چهلمین دعا از خداوند می‌خواهد که از توبه‌کنندگان غیرگنهکار قرار گیرد و در دعای ۴۳ از خداوند توفیق طلب توبه در ابتدای هر ماهی را خواستار است و این به معنای گناه کردن جدید نمی‌باشد.

۱. فرازهای فراوانی از صحیفه مربوط به اعتراف به گناهان و طلب توبه از خداوند متعال است. آن‌جا که عنوان دعاهای ۹ و ۱۲ و ۳۱ و ۳۳ به این موضوع اختصاص یافته است. عنصر اصلی توبه طبق دعای ۳۱ احساس پشیمانی و طبق دعای ۱۵ انجام گناه است.

۲. معنای توفیق قرارگرفتن اراده و فعل انسان همسان با قضا و قدر الهی است. این معنا هم در رابطه با سعادت و هم شقاوت صحیح است اما به تدریج تنها در مورد سعادت به کار رفته است. تسدید عبارت است از آن که اراده و افعال آدمی در نزدیک‌ترین وقت به غرض مطلوبش برسد. (ریاض السالکین، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۱۸).

## دعای دهم

بیشتر اوقات ما آدمیان نداشته‌های خودمان را از خدا دانسته و داشته‌ها را زاییده قدرت و توان خود می‌دانیم. اولیای الهی بر خلاف این حالت تمامی نقصان‌ها را زاییده نقص و قامت ناراست خود می‌دانند و داشته‌های الهی را برآمده از فضل و عنایت حق می‌دانند. اینان اعمال و افعال عبادی خود را در برابر نعمت‌های الهی چونان قطره‌ای در برابر دریا دانسته بلکه در برابر عظمت الهی بی‌ادبی تلقی می‌کنند. گناهان و معاصی را گستاخی بزرگ در برابر مولای عالمیان برمی‌شمرند.

حضرت در دعای دهم با همین نگرش عفو الهی را منتی از سوی خداوند بر بنده و برآمده از فضل الهی می‌داند که بی‌عفو حق راهی برای نجات از عذاب الهی برای وی نیست و عذاب الهی را مقتضای الهی می‌داند؛ زیرا حقیقت عذاب، ظهور باطن افعال آدمی است.

دعای دهم تصویرگر گناهکاری است که خود را مستحق آتش و غضب الهی می‌داند که بر این نکته آگاه است که اگر روزنه‌ای به رحمت و مغفرت الهی با کمترین مناسبت برای خود بگشاید می‌تواند از این دریای

لطف بی‌کران بهره‌مند گردد. و جز درگه حق روزنه‌ای نمی‌یابد. روزنه‌ای که در حقیقت علم آدمی به فقر و بیچارگی خویش است. دانستن اینکه بنده‌ای است تنها که شیطان هم دیگر به او اقبالی ندارد و خریدار دیگری جز حق ندارد و رهاکردن این بی‌پناه از کرامت خداوند به دور است.



## دعای یازدهم

این دعا دربرگیرنده سلامتی جان آدمی در دنیا و هنگام مرگ و پس از آن است. اما از آن جا که فرجام نیک، یکی از خواسته‌های اصلی آدمی است عنوان این دعا را براین اساس خواتیم الخیر نام گذاشته‌اند.

بیم از فرجام بد مهم‌ترین نگرانی است که صاحب‌دلان بیم و هراس از آن دارند. هراسی طبیعی که هر صاحب‌متاعی از ترس قاطعان طریق در دل دارد ترسی که می‌تواند تقوای الهی را در پی داشته باشد و اکنون دیگری را برای او شکل دهد. زیرا که راه نیکوست که به مقصدی زیبا می‌انجامد. در سایه همین نگرش حضرت قبل از تقاضای فرجام نیک از خداوند ذکر مدام و طاعت جوارح و... را طلب می‌نماید.

در این دعا حضرت نگاه خود را در قالب دعا به ذکر الهی بیان داشته و پس از آن از خداوند می‌خواهد همواره قلبش در سایه محبت الهی متذکر حق باشد و اوقات وی صرف بندگی الهی شود.

و در ادامه به این نکته می‌پردازد که ملائکه الهی از سر غیرت از اعمال زشت ما ناراحت و از اعمال نیک ما مسرور می‌گردند. چه نیک که زحمت



برای آنان ایجاد نکنیم و ختم امورمان و کتابت آنان را به توبه پایان بریم. که  
به تعبیر حافظ:

حکم مستوری و مستی همه بر خاتمت است  
کس ندانست که آخر به چه حالت برود



## دعای دوازدهم

دعای دوازدهم حال بنده‌ای را بیان می‌دارد که سبک ناشایستی در بندگی داشته و شرمندگی مانع از آمدنش بر درگاه حق می‌گردد اما حسن ظن<sup>۱</sup> به خداوند او را فرامی‌خواند. خوف و رجایی که بازتاب اسم شریف یا اهل التقوی و المغفره است. خوف از عدم قابلیت فیض حق و رجاء به فیض ابتدایی حق. ترس و امیدی که سرود بندگی را درباره خود و حق، اوج و فرودی زیبا بخشیده است و اعترافی زیبا را شکل می‌دهد.<sup>۲</sup>

اعتراف به گناهان که در مکتب اسلام تنها برای خداوند می‌باشد در صحیفه فراوان به آن توجه شده است. در دعای ۴۲ حضرت نهایت تلاش

---

۱. طبق روایت حسن ظن به خداوند جامع خوف و رجاست. حسن ظن به خداوند به این معناست که تنها به خداوند امیدوار باشی و تنها از خداوند ترسان باشی. حسن ظن به خداوند یعنی هم به اسماء جمال الهی متوجه باشی و هم جلال. خطایی سر نزنند که گرفتار غضب حق گردی.

۲. سیدعلی خان مدنی در شرح فقره‌ای زیبا در حال توبه می‌نگارد: رعشه و لرزه در شکل‌های اولیه در دست آدمی ظاهر می‌شود. هنگامی که ترس و شرم بر جان آدمی غالب آمد برپا ظاهر می‌گردد.

خود را در مسیر بندگی اعتراف به درماندگی دانسته و در دعای ۴۷ از خداوند می‌خواهد که بنده‌اش را الهام کند تا به عنایات الهی اعتراف نماید.

توبه در این دعا زاینده آگاهی از وضع اسفناک خویش است که ثمره آن انکسار و شکستگی در برابر حق و انقلاب درونی عبد است. در این دعا خداوند با عبارات زیبایی خوانده می‌شود برای نمونه: «یا من عود عباده قبول الانابه؛ ای آنکه بندگان خویش را به پذیرش بازگشت عادت داده است»؛ «انک ملی بالعفو، تو سرشار از گذشتی».



## دعای سیزدهم

دعای سیزدهم دعای دلنشینی است که عرض حاجتی بر خداوند است که آمیخته با توحید افعالی است. داعی با لطایفی از جمله خواندن خداوند با اسمای حق سعی بر جلب رحمت حق را دارد. خداوندی که نعمت‌هایش را بی‌بها به دیگران می‌فروشد و عطایای خود را به کدورت منت آلوده نمی‌سازد و درخواست سائلان او را خسته نمی‌سازد.

سراسر دعا مشحون از حسن ظن بنده به خداست و بدگمانی به خویش است که به زبانهای گوناگون آن را بیان می‌کند. حسن ظنی که به سجده می‌انجامد و به خداوند عرضه می‌دارد: فضل تو مونس من است و احسان تو مرا راهنمایی کرده است.

توجه به غیر خدا زاییده غفلت و گناهان وی است. معاصی‌ای که آدمی را از آب به سراب رهنمون می‌سازد و رهایی از آن تنها در سایه ذکر و یاد الهی است.

حضرت در این دعا از خداوند می‌خواهد دعای او را بشنود و بر تضرع او رحم آورد از خداوند دو درخواست می‌کند: «اول آن که



مشکلاتم را در نظرم آسان ساز و بهترین حالت را برایم تقدیر فرما» عطف این دو دعا به یکدیگر این‌گونه است که اگر بهترین تقدیرم وجود مشکلات است بر صبر و تحمل ام بیفزایم.

در این دعا از خداوند توفیق‌گدایی درگاه حق را می‌کند که در ب دیگری را نکوبد. دعایی که به نظر رهایی از نگاه استقلال‌ی به بندگان است نه اینکه از دیگران کمکی نخواهد. از این رو در دعای چهل و پنجم از خداوند می‌خواهد که به وسیله فرزندانم حاجات مرا برآور.



## دعای چهاردهم

انسان مومن هنگامی که ظلمی بر او وارد شود هم دل در گروی رهایی از آن دارد و هم خوف از آن دارد که شاید این مصیبت ظهور غضب خداوند باشد. این دعا در سایه عرض نیاز به حق و استمداد از اسماء الهی سعی بر رهایی از این وضعیت دارد.

ظالم در این دعا وارد حریم ممنوعه شده و نعمتهای الهی مایه طغیان او گردیده و به عقاب و عذاب الهی بی اعتناست.

دعاهای ما نمی بایست تحت تاثیر احساسات ما باشد بلکه باید برای آگاهی ظالم و رفع ظلم دعا کنیم مگر آن که دفع ظلم تنها با نفی ظالم انجام گردد. آنچه ظالم را زشت می سازد ظلم وی است از این رو در فقرات دعا بیش از آن که ظالم را نفرین کند رفع ظلم را از خداوند طلب می نماید. و از خداوند می طلبد که گرفتار ورطه ظلم نگردد. همین نگاه است که در دعای ۲۲ ظلم را نشانه ضعف ظالم می داند و در دعای ۴۸ نسبت به ظالم غیر مستکبر و طاغی طلب غفران می کند و در دعای ۳۹ از خداوند می خواهد که با ظالمان نیز برخوردی منصفانه داشته باشد.

حضرت در این دعا می‌خواهد که سختی‌هایی که دشمن بر وی وارد کرده را وسیله‌ای در جهت قرب حق قرار دهد. و اگر خیر بنده در آن است صبر روزی نماید و به سوءظن و بی‌انصاف به حق نینجامد. و نزد خلق شکوه ننماید.

این روحیه حضرت ظلم‌پذیری و همراهی با ظالم نیست؛ بلکه نگاهی به این امر از افقی دیگر است. از این رو در دعای ۲۰ از خداوند قدرتی می‌خواهد که ستم‌ها را از خود دور سازد. در دعای ۶ و ۸ برای یاری مظلومان توفیق خواسته و در دعای ۴۸ از خداوند می‌طلبد که ظالمان را یاری ننماید.



## دعای پانزدهم

مسئله شرور در جهان یکی از دل‌مشغولی‌های بشر است؛ امری که بشر را پیوسته هراسان کرده و ارادهٔ آدمی را به زانو درآورده است. ادیان الهی در کنار کوشش بشر در رفع این بلا یا نگرش آدمی را نسبت به این شرور تغییر می‌دهد<sup>۱</sup> دردهایی که از این منظر زایشی در پی دارد. زایشی که بیش از آن که در عالم خارج شکل گیرد در وجود فرد مومن ظاهر می‌گردد.

در این نگاه یأس که مردگی باطن آدمی را در پی دارد و پویایی را از آدمی می‌گیرد جایی ندارد. در این دعا تمامی رکودها جایگزین حرکت می‌شود. زیرا که همهٔ امور را در نسبت با مقصد آدمی می‌نگرد که آیا او را به دوست نزدیک می‌کند یا بین او و حق فاصله می‌اندازد. حضرت در این دعا سلامت و مرض را در این نگاه یکسان دانسته و آثار هر کدام را

---

۱. در روایت است اگر با مومن با صدق نیت و حسن سریرت با بلاهاروبرو شود و آنها را عنایت حق بداند، فضایی گسترده می‌شود که حقیقت نهفته در آن بلا برای وی ظاهر می‌گردد. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۲۵، ح ۲۰).



برمی شمرد. و از خداوند می‌خواهد: آن چه را برایم پسندیده‌ای در نظرم  
محبوب نما.

حضرت در انتهای دعا بیش از آنکه گشایش عالم خارج را طلب نماید  
گشایش در عالم جان را تقاضا می‌کند و از خداوند ورود در عفو و رحمت  
خداوند را درخواست می‌کند. و از اسامی حق یاد می‌کند که بیانگر آن  
است که هر چه از حق ناشی می‌شود خیر بندگان است.



## دعای شانزدهم

دعای شانزدهم تصویرگر توبیخ نفس در محکمه الهی است. عتابی که آدمی را از بند خودیت وامی رها کند. توبیخی که همراه با یاد از اسامی حق است که هر گناهکاری را به طمع واداشته تا به غفران الهی دل بندد. بنده گناهکار با انبانی از گناه اما دلی موحد به سوی حق باز می‌گردد. توحید که گذرنامه ورود به عرصه رحمت حق و چراغی برای هدایت یابی وی است دستگیر عاصیان و در راه ماندگان است.

توحیدی که همراه با حیا (که اساس اخلاق اسلامی است) که نشانه حیات قلب بنده است حالت خوفی بر عاصی سایه انداخته زبان را از دعا بازداشته و چشم‌ها را گریان نموده است و اعتراف را بر زبان وی جاری می‌سازد. اعترافی که بنا بر بیان حضرت مایه شگفتی است و شگفت آورتر پذیرش این اعتراف از سوی خداوند است. زیرا طبیعت گناه سوزاندن است همچنانکه طبیعت آتش سوزاندن<sup>۱</sup>.

---

۱. اینکه غضب خدا سریع عمل نمی‌کند و مهلت عفو داده می‌شود از مصادیق لطف الهی است (ر.ک: فاطر/۴۵ و یونس/۱۱).

حضرت با این نگاه می‌فرماید: ای خدای من اگر به درگاهت آن قدر زاری کنم که پلک چشمانم بر هم افتد و چندان به گریه و ناله صدا بلند کنم که صدایم قطع گردد و چندان به پیشگاهت بر پای ایستم که پایم ورم کند و آن قدر برایت رکوع کنم که استخوانهای پشتم از هم بپاشد و چندان سجده کنم که چشمهایم از کاسه درآید و در همه عمرم خاک زمین خورم و تا زنده‌ام آب آلوده به خاکستر بنوشم و در اثنای این احوال چندان ذکر تو گویم که زبانم از کار بماند. آن گاه از روی شرمساری چشم به آفاق آسمان باز نکنم با این همه مستحق محو یکی از گناهانم نخواهم بود و اگر وقتی که سزاوار آمرزش تو شوم مرا پیامرزی و در آن زمان که مستحق عفو تو شوم از من بگذری همانا این آمرزش و بخشش به خاطر استحقاق من نیست و من این شایستگی را ندارم زیرا جزای من در نخستین گناه آتش جهنم بود.

در ادامه این سخن، ذکر کلام زیبایی از مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی در رابطه با کلام فوق خالی از لطف نیست: سالک می‌بایست از اینکه حالش مخالف باشد با آنچه که بر زبان می‌آورد جداً پرهیزد و در مقام مناجات و گفتگوی با خدا، دروغ نگوید مثلاً اگر این مناجات حضرت علی بن حسین را قرائت می‌کند که: «قد تری یا لهی فیض دمی.. کل لسانی من مناجاتک؛ بنده باید پرهیزد از اینکه...» این سخنان را بگوید در حالی که نه اشکی از او جاری است و نه ترسی در دل دارد و نه از هیبت حق تعالی بیمناک است و نه لرزه‌ای بر اندام او افتاده و نه حیاء و شرمساری بر او عارض گشته و نه صدایش گرفته است؛ آیا این جز دروغ

محض چیز دیگری است، آن هم در محضر خداوند؟ آیا چنین بنده‌ای نمی‌ترسد که خداوند در پاسخ او بگوید: ای دروغگو آیا از این دروغ صریح و ادعای باطل حیا نمی‌کنی؟ آیا می‌پنداری که من ظاهر حال تو را نمی‌بینم و یا آنچه که در دل داری بر من پنهان است؟

حضرت در فراز پایانی بیان زیبایی دارند که گناه را چرک وجود خوانده و انابه را مشکک دانسته و از خدا بهترین بازگشت را طلب می‌کند و از خداوند استصلاح را طلب می‌کند که صلاح تدریجی است. همچنین از حق تعالی می‌خواهد که در همین دنیا بشارت آزاد شدن از جهنم را با نشانه‌ای آشکار به او نشان دهد.<sup>۱</sup>



۱. انسان آثار مغفرت الهی را به صورت نقد در جان و روان خود بیابد. وعده مغفرت الهی وعده نسیه نیست آدمی در همین دعانیز می‌تواند حلاوت و شیرینی مغفرت را در جان خود بیابد. در روایات آمده که خواب صلاح نیز یکی از این مبشرات دنیایی است. (ر.ک: برهان ج ۲، ص ۱۹۱؛ درالمنثور، ج ۳، ص ۳۱۱).



## دعای هفدهم

سخن از شیطان در تمامی ادیان آسمانی به میان آمده است. در متون دینی در رابطه با چیستی و شیوه‌های گمراهی او سخن فراوان گفته شده است. شیطان بزرگ‌ترین پسرانگیزاننده بیرونی انسان به سوی زشتی‌هاست. بنابر وحی الهی شیطان زمینه آزمایش بندگان و مایه تذکر اولیاء خوانده شده است

در دعا‌های صحیفه فراوان از این دشمن آدمی یاد شده است. در دعای ۲۳ موجودی سرکش و در دعای ۳۷ عامل اصلی گمراهی آدمی و بنابر دعای ۳۲ همسایه بدی برای آدمی است. که طبق دعای ۲۰ با القائنات آرزوها، خیالات و شک‌ها سعی بر گمراه کردن آدمیان دارد که مرگ آدمی بهتر از آن است که چراگاه شیطان قرار گیرد. زاری در برابر حق و پناه‌جستن به او (دعای ۳۲) و انس با قرآن (دعای ۴۲) و یاد بزرگی و اندیشه در قدرت الهی (دعای ۲۰) راههایی است که میتوان با آنها از تسلط شیطان در امان ماند.

موضوع دعای هفدهم پناه جویی از خداوند در برابر دشمنی‌ها و

مکرهای شیطان است که به خوبی دشمنی شیطان را ترسیم کرده و نحوه برخورد با او را به ما نشان داده است. حب به خدا و بغض شیطان دو رکن اساسی اندیشه شیعی است که در قالب تولی و تبری صورت می‌بندد. مراد از شیطان در این دعا با توجه به الف و لام جنس، ابلیس و تمام یاران وی است.<sup>۱</sup> او دزد سرمایه ابدی آدمی که ایمان است می‌باشد.

اگر چه حضرات معصومین از زمرة مخلصین شمرده می‌شوند و شیطان نمی‌تواند بر آنان تصرفی داشته باشد اما همانگونه که دعا سبب و واسطه جلب رضایت خداوند است. استعاذه از شر شیطان نیز واسطه حصول کمالات بیشتر برای آنان است و با مقام عصمت سازگار می‌باشد. مضامین این دعا حاکی از آن است که راز غلبه بر شیطان نرسیدن از اوست. خلاف آنچه در متون غربی مشاهده می‌شود که مخاطبان را چنان از شیطان می‌هراسانند که به خضوع در برابر وی می‌انجامد. اما در نگاه اسلامی شیطان با تمام نفوذش مخلوقی از مخلوقات شمرده می‌شود. خواسته‌های آن حضرت از خداوند مبنی بر کنترل این دشمن توسط حق حاکی از همین نگاه است که تحت ولایت حق رفتن و استعاذه به خداوند از ولایت شیطان ما را ایمن نگاه می‌دارد. و اگر از سرپرستی حق شانه خالی کنیم لا جرم رهپوی مسیر شیطانی شده و ولایت او را پذیرفته ایم مضامین این دعا قلب انسان را محل ورود شیطان دانسته و زمینه ساز

۱. شیطان نام تمام موجودات گمراه‌کننده است. از این رو نفس انسان به عنوان شیطان انسان نام برده شده است (ر.ک: شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۳۴۲) این معنا اعم از ابلیس است که مطرود از حق است. در این دعا مراد از شیطان همان ابلیس است.

آن، غفلت آدمی است و راه رهایی از آن عبادت و محبت الهی است. به تعبیر این دعا حسن رعایت بندگی است که دل را پر از محبت حق و دشمنی با شیطان می‌کند.

حضرت در این دعا از خداوند می‌خواهد که موانعی بر سر راه نفوذ شیطان بر جان ما قرار دهد تا از شر او در امان مانیم. در ادامه اموری همچون قدرت ایمان از طریق بهره‌مندی بیشتر از هدایت و تقوای الهی، شناخت گام‌های زیرکانه او، یافتن راه‌های رهایی از شر مکاید شیطان را برمی‌شمرد. که تمامی این امور رهیافت نظری و عملی در برابر مکاید شیطان است.



## دعای هجدهم

بندگی تاجرانه نگاهی طمع وار به حق دارد که تنها به نعمت می‌اندیشد و با فراهم آمدن نعمت، زاری بنده به اتمام می‌رسد. او تنها در وقت عسرت به یاد آسمان می‌افتد. دعای هجدهم دغدغه بنده‌ای است که می‌هراسد پس از رفع عسرت و دوره سختی، غفلت بر او عارض گردد و رایحه شرک به مشام آید. بیمناک آن است که این اجابت او را از خداوند دور نسازد. برای دعاکننده بیش از هر امری رضایت حق اهمیت دارد.

مضامین دعا حاکی از آن است که دعاکننده به هیچ وجه حاضر نیست برای دنیای فانی از رضایت ابدی الهی محروم گردد و با بهره‌مندی از عافیت دنیوی از رحمت ابدی باز ماند و مانع سعادت اخروی شود. بلارا بر نعمتی که وبال در قیامت گردد ترجیح می‌دهد. حضرت در این دعا می‌فرماید: پس بهره مرا از رحمت خود همین تندرستی زودرس قرار مده که به خاطر آن چه دوست داشته‌ام [در آخرت] به بدبختی رسم و دیگران با آنچه من ناخوشایند داشتم به خوشبختی دست یابند.



## دعای نوزدهم

تلازم آب با حیات در ذهن و زبان آدمی دیده می‌شود. وضع لغاتی چون آبادانی، بیابان و... همه برآمده از همین امر است. در فرهنگ اسلامی نیز آب حرمت ویژه‌ای دارد. آب هم طاهر و هم مطهر است. نزول آسمانی آب نشانه تفضل و رحمت حق دانسته شده و کمبود آن را قرینه بر دور شدن از رحمت و برکت الهی دانسته‌اند. دعای نوزده صحیفه درخواست باران از خدای متعال است. بارانی که در این دعا مظهر برکت آسمانی است

از آن جا که بنابر مضامین روایات و دعای سوم صحیفه ملائکه، خزانة دار باران و حرکت دهنده ابرها هستند و همراه قطرات باران فرشتگان پایین می‌آیند در این دعا طلب می‌شود که ملائکه در نزول باران شاهد و گواه نزول رحمت حق باشند.

حضرت در این دعا به ما می‌آموزد که تعیین شرایط درخواست، مخالف ادب دعا نیست. ما می‌توانیم مطلوب خود را در بهترین شکل آن از خداوند طلب نماییم. همچنین از آن جا که باران هم اگر عنایت خداوند

همراه آن نباشد می‌تواند برای بشر آفت‌زا و نعمت‌ساز باشد. حضرت می‌فرماید: بارخدایا سایهٔ آن (آبر) را بر ما شوم و ناخجسته منما و باریدنش را بر ما باران عذاب قرار مده و آتش را در کام ما تلخ و ناگوار مگردان.



## دعای بیستم

اخلاق در لغت جمع واژه خلق به معنای خوبیهاست. در دانش اخلاق از بد و نیک رفتارهای آدمی بحث می شود. در اهمیت اخلاق در منابع همین بس است که پیامبر برای تکمیل مکارم اخلاقی مبعوث شده است.<sup>۱</sup> تعالیم اخلاقی اسلام از سرچشمه وحی و تعالیم الهی مایه می گیرد. قرآن کریم و روایات معصومین مشحون از اصول و دستورات اخلاقی است. در فرهنگ شیعی دعا یکی از طرق مؤثر در نشر اخلاق والای اسلامی در سطح گسترده و بستری مناسب برای تهذیب همگان است. در تمامی دعاهای صحیفه به نحو کلی و موردی اخلاق نیکو درخواست شده اما دعای بیستم صحیفه به طور ویژه مربوط به مکارم اخلاق و کردارهای پسندیده است. در متن دعا تعبیر معالی الاخلاق آمده، اما تعبیر مکارم اخلاق برای دعا برگزیده راوی ادعیه است. مضامین دعا به خوبی می تواند مکتب اخلاقی اسلام را معرفی نماید و کتاب تربیتی برای پرورش سجایای اخلاقی گردد. این دعا بخاطر مضامین رفیع و اخلاقی آن

---

۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۱.

بسیار محل توجه قرار گرفته است. از این رو برخی عالمان شیعی از میان ادعیه صحیفه تنها به شرح این دعا پرداخته‌اند.<sup>۱</sup>

حضرت برآوردن شدن و اجابت ادعیه را متأثر از شیوه تقابل بنده با اوامر و تکالیف حق می‌داند. لبیک آدمی به اطاعت حق در برآورده شدن دعاهاى ما نقش بسزایی دارد.

دعا با صلوات بر پیامبر و آتش آغاز و با صلوات و دعا برای حفظ از آتش قیامت قیامت و بهره‌مندی از نیکی در دنیا و آخرت پایان می‌پذیرد. در ابتدا خواسته‌های جوانحی و باطنی درخواست شده و سپس در ادامه رفتارهای نیکو و وصول به سعادت اخلاقی را برشمرد. از خداوند رفع کامل زشتی‌های اخلاقی را خواهان است و جبران خسارتهای خود را می‌طلبد تا در سایه آن زندگی امنی در قیامت بیابد. حضرت در این دعا خواسته‌های دنیوی - دینی؛ مادی - معنوی را در کنار هم ذکر می‌کند و تنها به بعدی از ابعاد محدود نمی‌شود. حتی نیازهای آتی را در دوره‌های بعدی عمر طلب می‌کند. برای نمونه وسیع‌ترین روزی خود را برای پیری من قرار ده و بیشترین یاری خود را برای وقت ناتوانی من در نظر بگیر.

برخی از مضامین دعا توحید افعالی و عبادی را به خوبی نشان می‌دهد. ابراهیم گونه جز از خداوند یاری نمی‌طلبد و تنها در برابر او پیشانی بر خاک می‌ساید. ابراهیم گونه در شعله‌های آتش به خداوند چشم دوخته است. عدم پایبندی به توحید را گناهی بر خود شمرده و

۱. برای نمونه شرح و تفسیر دعای مکارم اخلاقی، محمد تقی فلسفی، شرح دعای مکارم اخلاقی، سید کاظم رفیع؛ آینه مکارم، سید روح‌الله خاتمی؛ شرح دعای مکارم اخلاقی، محمد علی صالح غفاری.



خود را مستحق خذلان و.. دانسته است. و در انتها نیز خداوند را با نام ارحم الراحمین خوانده که می‌تواند با توجه به مطالب قبل نقش این اسم را دریافت.

مضامین این دعا با عباراتی اندک و معانی بس بلند قلب آدمی را عمران و از القائنات شیطانی دور می‌سازد. و با عباراتی دلنشین همراه با ادب بندگی و یاری جستن از عزت و قدرت بی‌انتهای خداوند زمینه‌ی رهایی از بدی‌های درونی و بروز زیبایی‌های جان را فراهم می‌سازد. دیدی بلند که ما را از تنگنای عالم خاکی می‌رهاند و در مسیر هموار محبت قرار داده<sup>۱</sup> و در سایه اوج الهی می‌نشانند.<sup>۲</sup>

تأثیر ایمان و حالت‌های باطنی چون یقین و نیت خالص در رفع بیماری‌های اخلاقی و پریشانی روحی تا آن حد است که حضرت اولین خواسته‌های خود را به باور اختصاص داده است و پس از آن به رفتارها توجه می‌کند. باورها و رفتارها را تصحیح می‌کند. از سویی نیت و ایمان، روح عمل است که ارزش عمل وابسته به کیفیت آن است. این امور سطح وجودی آدمی را رفعت می‌دهد و اعمال ما را جهت می‌بخشند<sup>۳</sup> در نگاه امام سجاد ایمان، نیت و یقین که خواسته‌های ابتدایی دعاست حقیقتی طیفی و مدرج است. از میان این خواسته‌های باطنی یقین جایگاه ویژه‌ای دارد از این رو حضرت در این دعا دو بار با فاصله‌ای کوتاه از خداوند بالاترین و صحیح‌ترین یقین را درخواست کرده‌اند.

۱. و انهج لی الی محبتک سیبلا سهلا. ۲. اظلنی فی ذراک و جللنی رضاک.

۳. برای فهم بهتر از نیت ر. ک. ریاض السالکین، ج ۳، ص ۲۸۳.

در مسیر کمال انسانی صرف وجود اخلاقی خوب در درون انسان کفایت نمی‌کند. مهم‌تر از آن برای ثبات و پابرجایی اخلاق، اموری ضرورت دارد که حضرت در این دعا هرکدام را طلب می‌کند. اول آنکه هر نعمتی همراه با نعمتی است. باید سعی نمود خوی‌های اخلاقی، فساد نبیند. طبق فرازهای این دعا کبر عزت را، عجب عبادت را، منت صدقه را، شک نعمت هدایت را حسب فخر فروشی از بین می‌برد. دیگر آنکه دارنده این نعمت‌ها بایست ظرفیت لازم را برای تحمل خیرها داشته باشد. از این رو حضرت از خداوند این‌گونه تقاضا می‌کند: هر میزان که مرا در میان مردم بالابری به همان میزان در نظر خودم فرود آر و عزتی برایم پدید می‌آور مگر آنکه به همان اندازه ذلتی نهان در نزد خودم پدید آوری. سوم آنکه موانعی در کار پیش نیاید که ما را از مسیر عبودیت بازدارد. رفع موانع درونی و بیرونی چنان اهمیت دارد که بدون توجه آن پیمودن راه سعادت امکان‌پذیر نیست. فقرات فراوان این دعا در این امر حاکی از همین تأثیر است. همچنین حضرت در فقرات دعا سعی بر تکمیل خوبی‌ها دارد. زیرا آدمی اگر رشد نداشته باشد رو به قهقرا و زوال دارد. دیگر آنکه به خاطر مرز باریک خوبی‌ها و بدی‌ها، از خداوند می‌طلبد که از خوبی‌ها در بدی‌ها نغلتند. بدی‌هایی که اگر آدمی را به چراگاه تبدیل کند مرگ بر حیات رجحان دارد.

آدمی چون کشتی‌نشینان نجات و تباہی‌اش با دیگران گره خورده است. داوری‌ها و برخوردهای ما با دیگران بر سعادت و شقاوت ما تأثیر می‌گذارد. حضرت در برخوردهای اجتماعی نکاتی را مطرح می‌کند که

می‌تواند زیر بنای کاخ سعادت انسان‌ها قرار گیرد. این امور در مسیر گسترش عدالت و دادگستری می‌باشد. فرونشاندن خشم، خاموشی آتش فساد، پیوند دادن مردم به یکدیگر، اصلاح اختلافات و... حضرت برای تحقق این امور که تحقق بخش عدالت است. از خداوند دو زیور را تقاضا می‌کند: زیور صالحین و دیگری زینت متقین، تا با این دو هدفهای عالی را در جامعه تحقق بخشد. به خوبی می‌توان مشاهده کرد که عدالت از منظر حضرت محدود به عدالت اقتصادی نیست. امام در این دعا در برابر بدی‌ها و زشتی‌های دیگران به دو صورت برخورد می‌کند گاهی از خداوند می‌طلبد که شرایط مقابله به مثل فراهم آید و گاه برخورد کریمانه را از حق درخواست می‌کند. این به آن خاطر است که برخورد کریمانه با خوبان همان قدر که اثربخش است که برای لثیمان مایه شقاوت و تباهی است.

یکی از خواسته‌های رفیع و والای حضرت در این دعا آن است که مرا از کارهای مخالف محبت خود برحذر دار. حضرت در ادامه این خواست دو امر طلب می‌کند که به نظر می‌رسد در جلب و دفع محبت حق و محبوب و مبعوض خداوند قرار گرفتن بسیار مؤثر است. اول گردآمدن با افرادی که از خداوند دورند و دیگر جدایی از مقربان درگاه خداوند اهمیت این دو خواسته از آن جهت است که جمعیت و تفرقه جان ما وابسته به همنشینان ماست. شمع جمع خوبان شدن مایه جمعیت خاطر ماست. مصاحبت و نزدیک شدن به اهل معصیت مایه تفرقه خاطر و دوری از خداوند می‌گردد.

## دعای بیست و یکم

دعای بیست و یکم که با عنوان نیایشی است که حضرت به هنگام حزن از امری یا نگرانی از خطاهایش می خوانده، یکی از ادعیه‌ای است که چراغ سلوک بندگان به سوی حق می باشد. آبادی و ویرانی قلب محور دعاست. حضرت مقدماتی را در بی پناهی و درماندگی بندگان آورده که به سبب گناهان در اوج تنهایی قرار گرفته اند<sup>۱</sup> از سویی راهی به جز فرمانبرداری و امید به فضل و رحمت حق نمی یابد زیرا اساساً عالم محل سلطنت بی منازع حق است.

این فرمانبرداری در همه حال ضعف و قوت، تنگی و گشایش و.. جز در سایه ذکر فراهم نمی آید. ذکر که آنچه از دنیا به من ارزانی می شود شادمانم نگرداند و آنچه در آن از من بازداشته‌ای اندوهگینم نسازد<sup>۲</sup> و این تنها با پوشش تقوای قلب فراهم می شود<sup>۳</sup> و این تقوا در صورتی مهیا

---

۱. فردتنی الخطایا فلا صاحب معی؛ شبیه این تعبیر در دعای سی و دوم آمده که فاصحرنی لغضبک فریدا.

۲. لا افرح بما اتیتنی من الدنیا ولا احزن علی ما منعتنی فیها.

۳. و اشعر قلبی تقواک.



می‌شود که قلبی در پرتو محبت خداوند از هر چه غیر حق است فارغ شود<sup>۱</sup> فراغتی که قلب را مشغول ذکر حق می‌دارد و میدان جمع خوف و شوق به حق می‌گردد<sup>۲</sup> و آدمی را به محبوب‌ترین راه حق وارد می‌سازد<sup>۳</sup> و این فراغت در سایه معرفتی است که آدمی قلبش از شرار خلق و وحشت پیدا کرده و با اولیاء و اهل طاعت انس یابد و این سکونت و آرامش با استغناء از خلق و رهایی از منت آنان حاصل می‌شود. (فراز ۱۰-۱۲)



۱. و فرغ قلبی لمحبتک.

۲. و انعشه بخوفک و بالوجل منک و قوه بالرغبه الیک.

۳. و اجر به فی احب السبل الیک.

## دعای بیست و دوم

نیایش بیست و دوم دعایی است که حضرت هنگام سختی و تلاش و دشواری کارها می‌خواندند.

محور دعا آگاهی سالک بر نقاط ضعفی است که توان طی راه با وجود آن عیوب برای وی فراهم نیست. و جز با سرپرستی حق فراهم نمی‌شود<sup>۱</sup> و از خلق در این امر امیدی نیست بلکه ترجمان بیان حضرت این بیان سعدی در گلستان است: مرا به خیر تو امید نیست شر مرسان!

اگر آدمی می‌خواهد دست مایه و بازیچه غضب‌ها و خوشنودیش نشود تا به دیگران ظلم و اجحاف کرده یا فضل اساس و بی‌پایه نماید و به این نمط و شیوه از مسیر طاعت و بندگی دور شود جز در سایه تحفظ حق و حراست خداوند چاره‌ای نیست.<sup>۲</sup>

کلید همه این فتوحات در قلب بنده نهفته که رغبت به آخرت یابد و

---

۱. تول کفایتی.

۲. و الاحتراس من الزلل فی الدنيا و الاخره فی حال الرضا و الغضب.

زهد به دنیا ورزد. تا صدق این امر در قلب دیده نشود<sup>۱</sup> راه روشن نمی‌گردد و از ظلمات رهایی نمی‌یابد. این حالت رضا و اطمینان نفس را به ارمغان آورده و آدمی را از همه قیودات مانند حسادت<sup>۲</sup> ایمن می‌دارد. و به جایی می‌رساند که در خواندن خداوند در رخاء و شدت مخلصانه می‌خواند.<sup>۳</sup>



۱. حتی اعرف صدق ذلك من قلبي. ۲. و ارزقني سلامه الصدر من الحسد.  
 ۳. و اجعلني ممن يدعوك مخلصا في الرخاء دعای المخلصين المضطربين لك في الدعاء.

## دعای بیست و سوم

در متون روایی یکی از بهترین عنایات الهی به بندگان اعطای یقین و عافیت است. قرارگرفتن عافیت در این دعا در کنار یقین اهمیت این مطلب را به خوبی می‌رساند.<sup>۱</sup>

معنای عافیت در ذهن ما محدود به جسم و طبیعت نیست. این نکته را به خوبی در این دعا و دیگر دعاهای صحیفه می‌توان مشاهده کرد. از این رو هنگام طلب عافیت بدن تعبیر فی جسدی به آن اضافه شده است. در کتاب منتهی‌الارب عافیت این‌گونه معنا شده است: دورکردن خدا از بنده مکروه را و سلامت از بیماری و بلا و مکروهات در بدن و در دین و دنیا و آخرت در برابر عافیت لغت بلا قرار گرفته است نه مرض، و این حکایت از معنای وسیع عافیت دارد. سعدی گوید: قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید.<sup>۲</sup>

---

۱. در روایت نبوی آمده است که: من محبوب‌تر از عافیت از خداوند درخواست نکردم (ر.ک: سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۳۵ ح ۳۵۱۵).

۲. کلیات سعدی، ص ۴۵.



در دعاهای دیگر صحیفه نیز از عافیت سخن گفته شده است. در دعای ۳۷ عافیت فضل الهی و در دعای ۲۰ منت خداوند به بندگان دانسته شده است. و در دعاهای بسیاری از عافیت به عنوان پوشش مناسب برای بنده یاد شده است و صلاح خود را در عافیت طلب می‌کند.

در فرهنگ دعایی صحیفه عمل انسان در جلب عافیت بسیار اثرگذار است. از این رو بنده بایست در مسیر عافیت‌طلبی حرکت کرده و به رخوت نگراید.

دعای بیست و سوم درخواست چنین عطای گرانسنگی را به ما می‌آموزد. شروع دعا با خواست عافیت به بیان‌های گوناگون است. حضرت عبارت عافیت را در این دعا تکرار کرده و به آوردن ضمیر اکتفا نکرده است.<sup>۱</sup>

در بیان حضرت بزرگواری، کرامت، حفظ، غنا، لطف، بخشش الهی و... آن‌گاه مثمر‌تر است که حق به او عافیت بخشد. حضرت خود را دائماً در دنیا و آخرت نیازمند عافیت مدام دانسته‌اند و خواستار بالاترین درجات آن بوده‌اند. ادامه دعا تبیین مصادیق عافیت است که در قالب دعا از خداوند طلب شده است. زیرا طبق دعای ۳۲ صحیفه ستاریت خداوند نیز از مصادیق عافیت است. این به سبب آن است که عافیت در حوزه‌های متفاوت نام‌های دیگر می‌یابد. اما شمول معنایی عافیت آن را در برمی‌گیرد.

۱. مرحوم سید علی خان مدنی چهار توجیه برای این امر ذکر کرده است (ر.ک: ریاض السالکین، ج ۴).

نکته‌ای که بایست گفت دایره‌برخی مفاهیم دینی در متون دینی وسیع‌تر از کاربرد میان متدینین است. برای نمونه در این دعا تعبیر صدقه را محدود به عمل انسانی نکرده است. برای فیض الهی نیز تعبیر صدقه به کار گرفته است.

در انتهای دعا حضرت برای رفع موانع عافیت دعا کرده و برای افرادی که می‌خواهند عافیت را از او منع کنند نفرین می‌کند.



## دعای بیست و چهارم

عواطف انسانی و وجدان آدمی به تنهایی برای رعایت احترام در برابر والدین کافی است با این حال در متون دینی ما فراوان به آن توصیه شده است. تأکیدی که در کمتر مسئله‌ای تا این حد دیده می‌شود. این منزلت رفیع از آن جهت است که پدر و مادر مجرای تحقق تمام نعمت‌ها برای فرزندان هستند. اگر اراده فداکارانه آنان نبود از فرزندان خبری نبود و از سویی محبت آنان به فرزند برخاسته از یک محبت راستین است.

دعای بیست و چهارم صحیفه تصویری از فرزند را در برابر پدر و مادر نشان می‌دهد که اگر در اعماق جانش خانه کند خضوعی ژرف در برابر پدر و مادر می‌نماید.

نکته قابل توجه آن است که پدر و مادر حضرت در هنگام دعا در قید حیات نبوده‌اند و این دعا کاملاً جنبه تعلیمی داشته است و این دعا یک مناجات بین فرد با خداوند نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. مرحوم شعرانی ذیل ترجمه دعا می‌گوید: از عبارات این دعا معلوم می‌شود که مادر

دعا با یاد و نثار درودهای فراوان بر پیامبر اکرم و آل او که پدران معنوی امت هستند آغاز می‌شود. پس از آن جامع‌ترین خواسته‌ها را که کرامت یابی نزد حق تعالی است، برای پدر و مادر درخواست می‌کند.

از آن‌جا که حقوق والدین فوق فهم آدمی است دست نیاز به سوی علم مطلق دراز کرده و درخواست الهام از سوی خداوند و توفیق انجام آن را می‌طلبد تا از خیری باز نماند.

در این دعا فرزند خدمت به پدر و مادر را با جلال و هیبتی نه از سر ترس بلکه از سر شوق و ادب، همراه با لذتی شیرین و رغبتی کامل به‌جا می‌آورد و پیوسته خود را بدهکار حق می‌داند.

حضرت در ادامه از خداوند می‌طلبد که این خضوع و خشوع در رفتار و سکنات او در برابر پدر و مادر ظاهر گردد. اما چون ادای کامل این حق از توان خارج است از خداوند می‌طلبد که الطاف آنان را سپاس گوید و حقوق آنان را ادا نماید.

از آن‌جا که حقوق پدر و مادر و فرزند طرفینی است و هر کدام نسبت به دیگری حق دارند و ممکن است هر کدام نسبت به این حقوق قصور یا تقصیری داشته باشند، فرزند از خداوند می‌خواهد که اگر فرزند حقوق پدر و مادر را ادا نکرد آن سختی که پدر و مادر متحمل شده‌اند را مایه ریزش گناهان آن‌ها و علو درجات و افزونی حسناتشان قرار دهد و اگر پدر و مادر کوتاهی یا زیاده‌روی کرده، فرزند آنان را بخشوده و از خداوند

---

← آن حضرت در وقت دعا زنده بوده است و بعضی گویند وی در نفاس درگذشت (صحیفه کامله سجادیه با ترجمه و شرح علامه میرزا ابوالحسن شعرانی، ص ۱۶۶).



می‌خواهد که وزر و وبال آنان را از او بازدارد. اما حضرت این بخشش را در مقابل احسان آن‌ها هیچ می‌داند و خود را در برابر الطاف آن‌ها مدیون می‌داند و تصویری از این که آن‌ها در محبت به او کوتاهی عمدی داشته‌اند ندارد.

حضرت در ادامه دست نیاز به سوی درگاه بی‌نیاز دراز کرده و در انجام وظایف فرزند طلب یاری می‌نماید و از این که در صف آنان که عاق پدران و مادران می‌شوند قرار بگیرد هراسان است و ثمره تلخ آن را در قیامت می‌توان دریافت کرد.

حضرت در انتها از خداوند می‌خواهد که یاد آن‌ها را در بهترین لحظات بلکه در تمامی لحظه‌ها فراموش نکند و برای آنان طلب مغفرت و رحمت می‌نماید و از خداوند می‌خواهد که هر کدام از آن‌ها فرزند یا پدر و مادر در قیامت به مغفرت و رحمت الهی خداوند نائل شوند.

## دعای بیست و پنجم

پدر و مادر نقش فراوانی در تربیت فرزندان خود دارند. برخی از اندیشمندان در میان عواملی چون محیط و... نقش پدر و مادر را مهم‌تر دانسته‌اند. تا آن‌جا که آرزوهای پدر و مادر نیز در شکل‌گیری کودک مؤثر دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

دعای پدر و مادر برای فرزند بسیار اثرگذار است. طبق روایات یکی از دعاهایی که درهای آسمان به روی آن همیشه گشاده است و محبوب از آسمان نیست دعای پدر برای فرزند است.<sup>۲</sup>

در موارد اندکی از خواسته‌هایی که در صحیفه آمده درخواست منت نهادن حق شده است، یکی از این موارد سعادت طلبی برای فرزند است. این از آن روست که فرزندان سرمایه انسانی هستند و سعادت آن‌ها فراوان در سعادت شخص، اثرگذار است. این میزان از تأثیر است که حضرت از خداوند طلب منت نموده و فراوان برای آنان طلب خیر نموده است.

---

۱. مقالات راشد، انتشارات اطلاعات.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۰.

حضرت در عبارات دیگر از صحیفه برای سعادت فرزندان از خداوند درخواست‌هایی نموده که بیشتر تحفظ آنان از شر شیطان است و از خداوند می‌خواهد که یاد فرزند و خانواده مانع انجام وظایف او نگردد.

دعای بیست و پنجم صحیفه نمونه کاملی از خواسته‌های یک پدر برای فرزند است. خواسته‌های این پدر محدود به امور جسمی نیست بلکه پدر نگران عاطفه، معنویت، آینده، گرایش‌ها و.. فرزند است. این دعا خودگویای پیچیدگی مسئله تربیت است

به نظر می‌رسد با توجه به ضمیرهای جمعی که در دعا آمده خواندن آن با حضور فرزندان اثر مناسبی برای خانواده بگذارد

حضرت فراوان از نقش شیطان در گمراهی فرزند و خویش سخن به میان آورده است. این فقرات به خوبی حالات ما را در هنگام گمراهی و سیطره شیطان و علم او بر نحوه گمراهی هرکس را ترسیم کرده است. راه پناه جستن از شیطان را هم قرار گرفتن در پرتو سلطنت حق که از شوون توحید دانسته و طریق وصول به این امر را هم دعا و طلب از حق قرار داده است و عصمت از گمراهی را توفیق حق تعالی خوانده است.

در بخشی از دعاها حضرت برای خویشتن دعا می‌کند ولی در انتها می‌خواهد که همه این توفیق‌ها را برای ما و فرزندان مان عنایت فرما. شاید این به خاطر آن باشد که تا شخص صالح نگردد اصلاح خانواده و.. دور از انتظار است.

همچنین تمامی خواسته‌هایی که برای خود و فرزندش طلب کرده برای همه مسلمانان و مومنان در این جهان و آن جهان اجابت نماید و با

تمسک به اسمای حسنی الهی نیکی را در دنیا و آخرت و حفظ از عذاب الهی در قیامت را برای همگان طلب می‌کند.

یکی از سوالاتی که ممکن است به ذهن خواننده این دعا بیاید این است که چرا حضرت از خداوند طلب فرزند ذکور کرده است؟ و از خداوند فرزند مؤنث را درخواست ننموده است؟ به نظر می‌رسد بخاطر آن باشد که فرزند ذکور در آن دوره کمک کار و معین پدر و مادر در حل مشکلات بوده است و این به معنای برتری فرزند مذکر بر مؤنث نبوده است<sup>۱</sup> و نیزه آنکه در احوال حضرت پس از اطلاع از به دنیا آمدن فرزند سؤال از سلامت فرزند می‌کرد نه از جنسیت فرزند. البته اگر عبارت را این‌گونه ببینیم که با وجود اولاد حاضر فرزندان ذکور بده مسئله‌ای باقی نمی‌ماند.<sup>۲</sup>



۱. این توجیه برآمده از بیانات سید محمد حسین فضل‌الله در ذیل فقره مذکور است.  
 ۲. این توجیه برآمده از بیانات عبّاس علی موسوی شارح صحیفه است.



## دعای بیست و ششم

رعایت حقوق همسایگان<sup>۱</sup> همواره مورد سفارش پیامبران الهی بوده است. آن حضرت به حدی درباره همسایگان سفارش کرده که برخی از صحابه گمان می بردند که همسایگان ارث می برند. حقوقی که فراتر از حقوق مادی است.

در این دوره که آپارتمان نشینی قرب آدمیان را به یکدیگر افزوده، هرچند دلها به این میزان به یکدیگر نزدیک نشده است. بی توجهی به نحوه برخورد صحیح میان همسایگان بر مشکلات آنان می افزاید.

دعای بیست و ششم صحیفه مشحون از معارفی است که اگر هر مسلمانی آن را به کار بندد جامعه‌ای به معنای واقعی اسلامی فراهم می آورد. مضامین دعا حکایت از آن دارد که نگاه حضرت مبتنی بر

---

۱. در مورد خود همسایه اختلاف شده است. آیا تنها منزل کناری همسایه می باشد یا تا چهل فراع همسایه اطلاق می شود یا چهل خانه را در برمی گیرد یا می بایست به نظر عرف رجوع کرد. مطابق مذهب امامیه آن است که طبق روایات تا چهل منزل از هر چهار طرف را دربر می گیرد (ر.ک: شرح اللمعه، ج ۵، ص ۲۹).

برآورده شدن نیاز نیست بلکه تلقی عبادت گونه از آن دارد. از این رو از خداوند می‌خواهند با همسایگان به زیباترین و کریمانه‌ترین شکل برخورد نمایند و با بدی‌ها و زشتی‌های آنان نیز به خوبی مواجه شود.

نکته قابل توجه در این دعا آنست که همسایگان محدود به شیعه نمی‌باشد عنوان دعا هم که برآمده از فقره اول دعاست همین امر فهمیده می‌شود. از این رو در انتهای دعا حضرت از خداوند می‌خواهد که همسایگان به منزلت و فضل او توجه نمایند تا به سعادت راه یابند.

حضرت از خداوند می‌خواهد در مورد همسایگان جز گمان نیکو نداشته و به آنان خوش‌گمان باشد. توجه به مضامین دعا می‌تواند در ایجاد سرمایه اجتماعی نقش بسزایی داشته باشد.

در صحیفه تعبیر جوار غیر از همسایه برای جوار حق و شیطان نیز به کار رفته است. امید آن که حسن جوار در این دنیا ما را در قیامت به همسایگی حق منتهی نماید.

## دعای بیست و هفتم

یکی از اصول استوار و بنیادین قرآن، نفی هرگونه سلطه کفار بر مسلمانان است. این اصل بر تمامی قوانین و قراردادها حاکم است و از آن با عنوان (قاعده نفی سبیل) یاد می‌شود. منظور از قاعده یادشده آن است که خداوند در تشریح اسلام، راه هرگونه سلطه را از سوی کفار بر مسلمانان بسته است و کافر در هیچ زمینه‌ای نمی‌تواند بر مسلمانان، تسلط یابد، مسلمانان با تمام کوشش در جمیع جهات باید مانع از این نفوذ و تسلط شوند.

دعای بیست و هفتم برای مرزبانان است. مرزبانی از اموری است که در روایات فضائل فراوانی برای آن ذکر شده است تا آن جا که یک شب نگهبانی راه خدا از هزار شب عبادت که روزهای آن روزه باشیم بهتر است.<sup>۱</sup> حکایت از نزاعی پایدار بین مؤمنین و مشرکین دارد و از خدای متعال خواهان ظهور و بروز صفات جلالش علیه مخالفان است (فرازهای ۶، ۷، ۱۲، ۱۳). این دعا کاملاً منطبق با فرهنگ قرآنی است. در قرآن کریم

---

۱. کنز العمال، ج ۴، ص ۱۷ و ۲۹۷؛ همچنین ر.ک: عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۸۷

هم برای کافران درخواست‌هایی اینچنین شده است. نابودی اموال کافران (یونس / ۸۸) و سخت شدن دل‌های آنان و نابودی آنها (نوح ۲۱- ۲۴) محرومیت بزرگان کفر از رحمت الهی است (احزاب / ۶۸) از جمله این خواسته‌هاست.

در این دعا برای مرزبانان هر آن چه برای هریک از این افراد: معرفت، عدم فریب خوردن به دنیا و.. و برای جمعشان: الفت؛ تدبیر و... و آنچه برای دنیا و آخرتشان لازم است درخواست می‌شود. وجود مقتضی‌های پیروزی و رفع موانع آن را از خداوند طلب می‌کند.

حضرت در این دعا وضعیت بسیار خوبی را برای مسلمین خواهان است که در سایه آن با خیالی آسوده به پرستش حق پردازند و غرض از جنگ با کافران گسترش توحید و اقرار به «لااله الا انت وحدک لا شریک له» می‌داند.

مرزبانان در ضمن جهاد اصغر (نزاع با دشمن بیرونی) بایست به جهاد اکبر هم بیندیشند. در سایه همین امر حضرت از خداوند برای مرزبانان درخواست می‌کند: و او را به حسن نیت ارشاد فرما و بهبودی‌اش را عهده‌دار شو و تندرستی را همراه او گردان و وی را از ترس شفا بده و دلیری را به دلش افکن... و او را در داوری استوار دار و ریا را از وی دور کن و از شهرت‌طلبی‌های ده و فکر و ذکر و سفر و حضرش را در راه خودت و برای خودت قرار ده!

حضرت شهادت را سعادت دانسته ولی از خداوند می‌طلبد که این شهادت مقرون به پیروزی مسلمین بوده و امنیت را برای مسلمانان به



ارمغان آورد.

حضرت برای کسانی که در جنگ حاضر نشده و ظایفی چون کمک به خانوادهٔ مرزداران و جنگجو کرده و... تا هم سنگ با مجاهدین اجر و مزد بیابند. همچنین ناتوانان با نیت جهاد و.. می‌توانند در زمرهٔ شهدا و صالحین وارد شوند.



## دعای بیست و هشتم

انقطاع و بریدگی از ماسوی الله یکی از مقامات سیر و سلوک الهی است. تبتل که تعبیری قرآنی است (مزمّل ۸) بر همین حالت دلالت می‌کند. به تعبیر مولوی تبتل پله‌پله ما را به فنا و ملاقات خداوند رهنمون می‌سازد<sup>۱</sup> بنابر دعاهای صحیفه سجادیه باور ضعیف بنده به خداوند و توجه به دنیا مانع از ایجاد این حالت در بندگان سراسر نیازمند به حق می‌شود.

دعای بیست و هشتم صحیفه که در حال پناه جستن به خداوند خوانده می‌شود شرح حالت انقطاع بنده به سوی خداست. انقطاعی که به وصال حق می‌انجامد و با جمیع حواس ظاهری و باطنی به خدا اقبال می‌نماید. عنوان دعا که انتخاب راوی است خالی از اشکال نیست؛ زیرا حضرت همیشه حالت انقطاع از خلق را داشته‌اند. طبق دعای ۲۸ تنها مأوای یک حروف موحد خداست و توجه به غیر حق را عین سفاهت شمرده

---

۱. از مقامات تبتل تا فنا پله‌پله تا ملاقات خدا

می‌شود. مگر آنکه انقطاع را ذو مراتب ببینیم.

دعا با اخلاص بنده با توجه به خداوند آغاز می‌گردد و با تنزیه حق تعالی پایان می‌یابد. طبق مضامین دعا جهل ما به ضعف مخلوقات و قدرت حق تعالی توجه ما را از حق به خلق برمی‌گرداند. حضرت با بکارگیری صفات خالق و مخلوقات سعی بر تصحیح فهم دعاکننده دارند. برای خالق صفاتی همچون: وحدانیه العدد، ملکه القدرة الصمد، فضیلة الحول والقوة، درجة العلو والرفعه و برای مخلوقات صفاتی چون: مختلف الحالات، منتقل فی الصفات، مقهور علی شأنه، مغلوب علی أمره، مرحوم فی عمره و... به کار می‌برند تا این حجاب ظلمت دریده شود و دل به سوی حق بازگردد.

حضرت با نگاهی عبرت بین می‌فرماید: ای خدا، چه بسیار مردمی را دیدم که از غیر تو عزت خواستند و خوار شدند و از غیر تو دارایی طلب کردند و تهی دست گشتند و در پی مقام بلندی برآمدند و پست شدند.

یکی سؤالاتی که در هنگام خواندن دعا برای آشنای با حوزه اعتقادات حاصل می‌گردد تعبیر وحدانیه العدد در این دعاست. متکلمین شیعی توحید حقی را توحید عددی ندانسته‌اند. این فهم برآمده از متون روایی شیعی است<sup>۱</sup> که عقل نیز مؤید آن است. با این حال در این دعا عبارتی آمده که شارحین را در تبیین آن به زحمت انداخته است و تفسیرهای متفاوتی را ارائه کرده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، خ ۱۵۲، خ ۱۸۵؛ التوحید، صدوق، ص ۸۳، ح ۳.

۲. برای آگاهی بیشتر ر. ک ریاض السالکین، ج ۴، ص ۲۹۴، ص ۲۹۵.

به نظر می‌رسد آن چه با سیاق و ساختار دعا بیشتر سازگار است این است هنگامی که موجودات را برمی شمیری ویژگی‌های تو منحصر به فرد است. با این به فهم تعبیر دعا هیچ ارتباطی فهم وحدت عددی از خدای تعالی ندارد.



## دعای بیست و نهم

رزق و روزی عطا و بخشش پی در پی و همیشگی است که از آن نفع برده می‌شود، خواه مادی باشد، خواه معنوی؛ دنیوی باشد یا اخروی<sup>۱</sup> و اژه رزق در قرآن کریم با اوصاف و ویژگی‌های گوناگونی چون: حسن، کریم، به غیر حساب، معلوم طیب، من لدنا آمده است. درخواست روزی و وسعت آن در آیات و روایات از سوی انبیاء و اولیاء مطرح شده است، و ائمه معصومین، ما را نیز به دعا کردن تشویق کرده‌اند. در کتاب شریف وسائل الشیعه در کتاب التجاره بابی را ذیل «عن ان باب استحباب الدعاء فی طلب الرزق و...» مطرح نموده است. البته در روایات شیعه دعا کردن به معنای عدم فعالیت و کوشش نکردن نیست. بلکه این‌گونه عمل کردن نه تنها مطلوب نیست بلکه مبعوض نیز می‌باشد.<sup>۲</sup> دعای بیست و نهم آن‌گاه خوانده می‌شود که روزی بر آدمی تنگ شده و برای آن از خداوند طلب روزی می‌نماید. خداوند به جهاتی گاهی

۱. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ قرآنی، ص ۲۱۹ ۲۱۸.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۸، ح ۳۷۲۱.



برخی بندگان خود را مبتلا به فقر می‌نماید که برخی کفاره عمل بندگان است.<sup>۱</sup>

دعا با نگاه آزمایش گونه به مسئله تنگی روزی آغاز می‌شود. قبل از هر امری یقین و اعتماد به خدا را برای درمان آن طلب می‌کند. و از خداوند باور به فضل و اعتمادش را درخواست می‌کند زیرا تنها کسانی از این آزمایش حق تعالی سرافراز بیرون می‌آیند که گرفتار شرک نشده و به خداوند سوء ظن پیدا نکنند. دعا با یاد یکی از آیاتی که به انسان در مورد روزی آرامش می‌دهد پایان می‌پذیرد.

حضرت در فقره اول در کنار آزمایش تنگی روزی آزمایش آرزوهای دراز در مسیر عمر را یادآور شده است. سؤالی که به ذهن می‌آید این است که با وجود اینکه دعا مرتبط با تنگی معیشت است. ذکر آرزوهای دراز عمر چه معنایی دارد؟ برخی شارحین گفته‌اند که آرزوهای دراز بخل می‌آورد و انسان در انفاق، امساک و بخل به خرج داده و آزمایش دیگری در مسیر آزمایش قلبی است.<sup>۲</sup>

در دعاهای فراوانی از صحیفه سجادیه از خداوند طلب روزی شده است. در دعای ۳۶ یکی از آفات روزی کم را و سوسه‌های قلبی می‌داند. از نگاه حضرت خداوند بین بندگان روزی عادلانه تقسیم کرده است. (دعای ۳۵) و حق تعالی هیچگاه در مقابل روزی هایش درخواستی نکرده

۱. برای آگاهی از این وجوه (ر. ک ریاض السالکین ج ۴، ص ۳۱۳ - ۳۱۷؛ همچنین رزق و روزی در آیات و روایات، علی متین، ۲۲۳ - ۲۷۲).

۲. شرح صحیفه سجادیه، دعای ۲۹؛ محمد دارابی.

است. (دعای ۳۷) این دعا در کنار امور دنیوی رغبت در عمل به آخرت، احساس ترس از کیفر الهی، رفع حسادت، حفظ از خطاها و... را شامل می‌شود. (دعای ۲۲)



## دعای سیام

امروزه می‌گویند نگرانی در مورد مادیات عواقب ناخوشایندی دربر دارد. نتایج تحقیقات دانشمندان نشان می‌دهد این قبیل نگرانی‌ها مشکلات فراوان برای جسم و روان به ارمغان می‌آورد. قرض‌کردن‌های بی‌رویه و توجه به آن جسم و جان را خراشیده و پس از مدتی آدمی را از اعتدال دور می‌سازد. حتی گفته شده تسویه کردن قرض‌ها درست مانند کاهش وزن است. امروزه قرض‌کردن بسان یک شیوه زیست و عادت درآمده است. که بایست با تدابیر علمی و عملی با آن مبارزه نمود. از این رو اگرچه قرض‌دادن در منابع دینی به آن سفارش شده است. اما قرض‌کردن در صورت بی‌نیازی مکروه است و در صورت احتیاج، کراهت آن کاهش می‌یابد و هرچه میزان نیاز کمتر باشد، به همان نسبت کراهت شدت می‌گیرد. البته گاهی نیز قرض‌کردن واجب می‌شود؛ مثل جایی که امر واجبی همچون حفظ جان، آبرو و مانند آن به وام‌گرفتن وابسته باشد. از سویی اگر چه سهل‌انگاری در پرداخت بدهی در صورت قادر بودن، معصیت است، بلکه در صورت توانایی نداشتن نیز واجب

است نیت ادای آن را داشته باشد بر طلبکار نیز حرام است که با مطالبه بدهی خود، او را در تنگنا و زحمت قرار دهد، بلکه واجب است او را تا یسر و توانایی پیدا کردن مهلت دهد.<sup>۱</sup>

در فرهنگ دعایی شیعه دعاهای فراوانی آمده که شخص در صورت گرفتار شدن به قرض از خداوند رهایی آن را بطلبد.<sup>۲</sup> دعای سی‌ام یکی از این ادعیه است. حضرت در این دعا ضمن برشمردن آثار سوء روانی قرض در زندگی و پس از مرگ در ادامه تقاضای زندگی بر پایه قناعت و عدم اسراف و تبذیر و... را کرده که با رعایت آن فرد از قرض‌کردن‌های کاذب دوری گزیند.

به نظر می‌رسد با توجه به موضوع و پیوستگی مضامین دعا خواری قرض گاهی آثار سوء عمل بنده در عدم انفاق در وقت توانایی و دوری‌گزیدن از فقرا و... می‌باشد که در این دعا از خدا خواهان آنیم.

حضرت در انتهای دعا نگاه زیبایی را درباره متاع دنیا به تصویر می‌کشند و می‌فرماید: بارخدا یا آنچه از کالای این جهان ناپایدار، از من گرفتی در گنجینه‌های پایدار خود، برای من، پس انداز گردان. و هر توشه ناچیز این جهان را که به من بخشیده‌ای یا هر کالایی را که اکنون ارزانی داشته‌ای، دستمایه رسیدن به جوار خویش و رسیدن به قرب خود یا وسیله درآمدن به بهشت گردان که تو دارای بخشش سترگی و تو

۱. ر.ک: تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۴۷-۶۵۱.

۲. برای نمونه: از حضرت امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود در وقت بدهکاری بگو: اللَّهُمَّ لِحْظَةٍ مِنْ لِحْظَاتِكَ تَيْسُرُ عَلَيَّ غُرْمَانِي بِهَا الْقَضَاءُ وَ تَيْسُرُ لِي بِهَا الْإِقْتِضَاءُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (اصول ک ۲، ص ۵۵۴، ح ۱).

بخشنده‌ای بزرگواری.

این نوع نگاه به دنیا ما را از حرص و آز دور داشته و زندگی توأم با آرامشی را برای ما به ارمغان می‌آورد.





## دعای سی و یکم

توبه به معنای ترک گناه زیباترین صورت آدمی است و آن رساترین وجوه معذرت خواهی است؛ زیرا عذرخواستن بر سه گونه است: یا آنکه شخص معذر می گوید فلان کار را نکرده ام؛ یا می گوید: آن فعل را انجام داده ام ولی منظورم از آن کار چنین و چنان بوده است. یا می گوید: آن کار را کرده ام، ولی بد کرده ام و دیگر نخواهم کرد و سعی بر جبران گذشته دارد. این شکل آخر از نظر شرع توبه نام دارد. در دعا حرفی از گریستن و... نیست. توبه در شریعت آن است که گناهکار گناه را به خاطر زشتی آن ترک نموده و بر آن چه در گذشته واقع شده پشیمان شده و تصمیم بر ترک زشتی داشته و قضای واجب را به جای آرد.<sup>۱</sup> توبه واجب فوری است و خداوند مشتاق توبه بندگان تا آنجا که خداوند به عیسی می فرماید: «یا عیسی کم اطیل النظر و احسن الطلب والقوم لایرجعون»<sup>۲</sup> ای عیسی چه قدر منتظر بمانم و بندگانم بازنگردند.»

۱. ریاض السالکین، ج ۴، ص ۳۷۹.

۲. المراقبات، ملکی تبریزی، ص ۶.

ادعیه فراوانی در صحیفه در رابطه با بازگشت بنده به سوی خداوند است. دعاهای ۴۱، ۳۹، ۱۶، ۱۲ در طلب پرده پوشی بر گناهان است. در لابه لای دیگر ادعیه نیز فراوان در این رابطه سخن به میان آمده است.

توبه در صحیفه فرار از گناهان به دامن ربوبیت حق تعالی است (دعای ۵۱) و در نتیجه اشتیاق به سوی خداوند است (دعای ۳۴). درب گشوده‌ای است که به عفو الهی می‌انجامد (دعای ۴۵) و ظالم‌ترین بندگان را نیز می‌پذیرد (دعای ۱۲). خداوند زمینه‌ساز آگاهی بندگان به توبه (دعای ۱۵) و راهنمای آنان به این فضل الهی است (دعای ۱). او خود بندگان را به قبول انابه عادت داده (دعای ۱۲) و توبه‌پذیر بسیار مهربانی است (دعای ۵۰) و منتظر توبه آنان است (دعای ۴۵). توبه که در شریعت پیامبر اکرم امری بسیار سهل و آسان است (دعای ۱) مانع یأس از رحمت می‌شود (دعای ۳۸). بی‌بهره‌ترین بندگان آن است که از توبه بهره‌ای ندارد (دعای ۳۲). حضرت از خداوند توفیق توبه در اول هر ماهی را طلب می‌کند (دعای ۴۳) و از خداوند توبه خالی از هر گناهی در وقت مرگ را طلب می‌کند (دعای ۴۰).

دعای سی و یکم صحیفه سجادیه در بیان توبه و بازگشت از معصیت به طاعت و درخواست توفیق برای توبه و قبولی آن است. برخی از اهل علم این دعا را ضروری‌ترین دعای صحیفه نام نهاده‌اند.<sup>۱</sup>

این دعا با ذکری از اسمای جلالی و جمالی حق آغاز می‌گردد که مبین حال داعی است که هم خائف از قابلیت خویش است و هم امیدوار فضل

۱. توبه، سید محمد ضیاءآبادی، نشر نباء، ص ۲۷.

و عطای ابتدایی حق؛ بیچارگی و بی‌پناهی خود را به زبان می‌آورد. با یقین و اخلاص همراه با ترس از جلالت حق با خجالت و شرمندگی رو به سوی خداوند نموده است و درخواست مغفرت و بخشایش حق‌تعالی را دارد. هر چند خود را سزاوار این امر نمی‌داند. توبه برای داعی نجات بخش از گناهان و پلکان ترقی است. توبه‌کننده سخت بر آن است که دیگر به جرگه گناهکاران باز نگردد و عزم بر برگشت به سوی حق‌تعالی دارد. حضرت در این دعا برای برآورده شدن این درخواست با درود بر وسائط فیض حق‌تعالی که پیامبر اکرم و اهل بیت آن بزرگوارند یاری می‌جوید و با یاد از قدرت گسترده خداوند دعا را به پایان می‌برد.

خوف و رجاء مراتبی دارد. در این دعا بالاترین و برترین متعلق آن ذات حق دانسته شده است. میوه علم خشیتی است که اهل تقوا و اهل عبادت و احسان را نیز در برمی‌گیرد. خشیتی که بهانه‌ای است برای در آغوش گرفتن خداوند نه صرفاً رهایی از رنج گناه.

سخنان حضرت در این دعا تجسم بخش روح یک انسان گرفتار در حصار گناهان و اسیر خطیئات و معاصی است که همچون لعبتی در دستهای هوس‌های شیطانی شده و لذت آنی گناهان او را با میراثی زیان بخش تنها گذاشته است. گناهایی که میوه جهل آدمی به صفات خدای متعال و موقعیت خویش است. آنگاه که دیده هدایتش گشوده و ابرهای کوری از برابرش برطرف گردد و بزرگی عصیان‌ش را دریابد حالت توبه آفریده می‌شود.

در نگاه حضرت گناه محدود به محرّمات الهی نمی‌شود بلکه

خطورات قلبی و هر آن چه مخالف اراده حق تعالی و دورکننده از محبت خداوند است را شامل می‌شود. با توجه به این نکته و حالات متفاوت تائب توبه حقیقتی مدرج و مشکک است. از این رو حضرت بالاترین درجه از توبه را درخواست می‌کند. از سویی توبه به اعتبار متعلق آن متنوع می‌گردد. توبه گاهی از حرام، گاه از مکروه و گاهی از ترک اولی، گاه هر آن چه ما را از محبت حق تعالی دور می‌سازد. همچنین توبه به اعتبار خاستگاهش متفاوت می‌شود گاهی به خاطر ترس از دوزخ، گاه از روی خوف از رسوایی و.. اما توبه‌ای که در این دعاست از زشتی گناه است و میل به فرار از گناهان دارد.

حضرت مکرر به این معنا متذکر شده که ما مدعو حقیق و خداوند خود بار عامی داده و همگان را به توبه فراخوانده است. با این حال از سویی روی آمدن نداشته و نه امید راه یافتن و از سویی دیگر لازمه توبه ما پذیرش خداوند نیست و حقی بر خداوند ایجاب نمی‌کند هرچند کرامت حق این انتظار را به همراه دارد تا بنده تهی دامن از این سرا بازنگردد.

چهار پایه سلوک: مراقبه، محاسبه، مشارطه، معاتبه را می‌توان در این دعا مشاهده کرد. به صراحت از مرحله مشارطه یاد شده که به خداوند تعهد و ضمانت داده که دیگر به گناهان بازنگردد. هرچند پایداری آن را منوط به عنایت حق نموده است.

فقرات این دعا در بیان حال تائب کم نظیر است. بویژه در موضوع فقره حضرت تعبیر بسیار تکان‌دهنده‌ای می‌فرمایند. حضرت خود را کمترین مخلوقات دانسته و می‌فرماید: آن چه بر زبان آوردم از باب جهل به کردار

زشتم و در اثر فراموشی کارهای بد گذشته‌ام نیست بلکه برای آن است که  
آسمان تو و هر که در آن است و زمین تو و هر که بر روی آن است ندامتی  
را که برای تو آشکار کردم و توبه‌ای را که به سبب آن به تو پناه بردم  
بشنوند تا مگر یکی از آنان در سایه رحمتت بر پریشان حالیم رحم کند.





## دعای سی و دوم

نماز شب از نمازهای مستحب در شریعت اسلام است که بسیار تأکید شده و برای آن پاداشهای بسیاری ذکر گردیده است. در قرآن در آیه ۷۹ سوره اسراء و آیه ۶ سوره مزمل به نماز شب اشاره شده است. در سوره فجر به نماز شفع و وتر اشاره شده است. روایات فراوانی در فضیلت این عمل عبادی در منابع آمده است. در تفسیر قمی آمده است: هیچ پیامبری نیامده مگر این که نماز شب را در اول شب به جای آورده است.<sup>۱</sup>

امام سجاده علیه السلام در پاسخ به این سؤال که چرا شب‌زنده‌داران نکورترین مردمان هستند فرمودند: چون آنان با خدا خلوت کرده‌اند و خداوند از نور خود بر قامتشان پوشانده است.<sup>۲</sup>

درک این همه تأکید را می‌توان در این کلام امام حسن عسکری یافت

---

۱. بحار، ج ۷۸، ص ۱۳۶ لم یات نبی الا خلا بصلاة اللیل و لاجاء نبی قط بصلاه اللیل اول اللیل.

۲. علل الشرائع: ۳۶۶ / ۱ لَمَّا سُئِلَ عَنْ عَلِيٍّ كَوْنِ الْمُتَهَجِّدِينَ بِاللَّيْلِ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهًا: لَأَنَّهُمْ خَلَوْا بِاللَّهِ فَكَسَاهُمُ اللَّهُ مِنْ نُورِهِ.

که: رسیدن به خداوند عزوجل، سفری است که جز با نشستن بر مرکب شب، پیموده نشود.<sup>۱</sup>

ادعیه عبادی فراوانی از معصومین آمده که در اثناء این نماز یا بعد از آن خوانده شود. جالب آن است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام دعای پنجاهم صحیفه را قبل از نماز شب می‌خواندند.<sup>۲</sup>

دعای سی و دوم صحیفه سجادیه یکی از این دعاهاست که واجد مضامین بسیار عالی است مضامین دعا با تاریکی شب بسیار هماهنگ است از جمله: بارخدایا! از دانش تو دیده‌ور کردارهای نهانی است و هر چیز پوشیده‌ای با آگاهی تو، آشکار می‌گردد و کارهای باریک و خرد از تو پوشیده نیست و رازهای ناپیدا از تو پنهان نمی‌ماند.

دعا با بیاناتی در اوصاف مملکت حق آغاز می‌گردد که جامع این اوصاف حیرانی بنده از اوج این عظمت و توصیف حق به صفات است. پس از آن از بیچارگی خود یاد می‌کند که در جسم و جان ضعیف و در انبوهی از گناهان گرفتار است. تمامی سبب‌های وصل با حق از دستش

۱. ان الوُصولَ الی الله عز و جل سَفَرٌ لا یُدْرَکُ الا بِامْتِطَاءِ اللَّیْلِ. بحارالانوار: ۷۸ / ۳۸۰/ ۴/ صاحب جواهر در وصف شب و نماز شب می‌نویسد: هو افضل الاوقات و اشرفها و احسن الساعات و الطفها و کم لله فیه من نفعه عطره فیهما تمن بها من یشاء و جائزه موفره یخص بها من اخلص فی الدعا و کم من عباده فیه هبت علیها نسفات القبول و دعوه من ذی طلبه مشفوعه ببلوغ المامول و مشکل من مسائل اتضح بمصاییح الهدایه و عویص من المطالب افتتح بمفاتیح العنایه فهو وقت للعلماء و العاملین و العرفاء و المتقدمین و السعید من سعد باحیاء هذا الوقت الشریف و استدر به اخلاف الکرم من الجواد اللطیف و جاء فی جنبه للقیام بین یدی الجبار و و واعظ فیه علی الانابه و الاستغفار هما اجترح فی آناء (اللیل و النهار جواهر، ج ۷، ص ۱۹۸).

۲. بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۲۲۹.

رهیده و تنها سبب اتصال با حق، فیض رحمت حق تعالی است. با این دو مقدمه سخن خود را به این بیان می‌گوید: گذشتن از گناه بنده، هرچند بدی کرده باشد، هرگز بر تو دشوار نیست، پس از من درگذر!<sup>۱</sup>

در ادامه حکایت نزاع روز خود با شیطان در دل تاریکی شب با خدا در میان گذاشته که در این نزاع بسیار شرمندگی حاصل کرده و اسباب رحمتی برای خود فراهم نکرده است (۱۳-۱۸) و بی‌پناهی خود را آشکارا اعتراف می‌کند و از خداوند می‌خواهد: «مبادا که من ناامیدترین بنده توبه کار تو گردم و بی‌بهره‌ترین میهمان آرزومند تو» در تردد رغبت و رهبت گرفتار و تنها امیدش آن است که خدا اکرم‌المسئولین است.

حضرت در ادامه الطاف خداوند را از شرایط پیدایش و لطف پیوسته حق برمی‌شمرد. با این همه شیطان با سوءظن در جان بنده و ضعف یقین وی اعتماد به این خدا را می‌کاهد و منجر به بدگمانی به حق می‌شود. اما از خداوند می‌خواهد که روزی آسان را برای وی مقدر و شکر بر احسان را بروی الهام کند.

حضرت از ادامه جهنم را با اوصاف عجیبی یاد کرده و از آن به خداوند پناه می‌برد از جمله این اوصاف: «و من نار نورها ظلمه، و هینها الیم و بعیدها قریب و من نار یاکل بعضها بعض... بارخدایا من از آتشی که فروغ آن تیرگی و آرام آن دردناک و دور آن نزدیک است و از آتشی که پاره‌ای از آن پاره‌ای دیگر را در کام خود فرو می‌برد.

در این دعا اسمی آمده که امیدبخش است و در جوشن کبیر نیز نیامده

۱. و لن یضیق علیک عنو عن عبدکو ان اساء فاعف عنی.

است: «اللهم انک تقی الکریمه؛ بارخدایا تو ما را از زشتی نگه می‌داری!»  
 همچنین با صلوات بی نظیر دعا را به پایان می‌رساند: «صلاة تشحن  
 الهواء و تملأ الارض و السماء؛ بر پیامبر و خاندانش درود فرست آن سان  
 که هوا را سرشار سازد و زمین و آسمان را بپاک کند.<sup>۱</sup>



۱. گر کسان قدر می‌بدانندی      شب نخفتند و رز نشانندی



## دعای سی و سوم

زندگی پر از راه‌ها و کوره‌راه‌هایی است که به درستی نمی‌توان انتهای آن‌ها را دریافت. آیا این راه به سعادت ما می‌انجامد یا خیر؟ از این رو دائماً نیاز به استعداد از خیر مطلق داریم. واژه استخاره در متون شرعی به همین معناست. در انجام هر کاری به‌ویژه کارهای مهم از خداوند در نماز یا دعا طلب خیر می‌کنیم. در برخی دعاهای ماثور می‌توان گونه‌ای از این عرض نیاز را دریافت. در بیشتر روایت از واژه استخاره همین معنا اراده شده است. کاربرد متعارف میان مردم به وسیله قرآن، تسبیح یا قرعه به کاغذ کاربردی حداقلی است.<sup>۱</sup> استخاره با تسبیح و قرعه تنها مربوط به شیعه امامیه است<sup>۲</sup> که برخی از عالمان شیعه نیز با آن موافق نیستند.<sup>۳</sup>

---

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ریاض السالکین، ج ۵، ص ۱۴۲-۱۴۴؛ وسائل الشیعه، ج ۵،

ص ۲۰۶، ح ۸

۲. آیت حق، سید محمد حسن قاضی، انتشارات بصیرت، ص ۱۹۵؛ علامه مجلسی درباره استخاره در جلد ۱۰۱ بحار و همچنین در کتاب مستقلی به نام مفاتیح الغیب نگاشته، مرحوم کلباسی و آیت‌الله محمد علی گرامی نیز کتابی در این زمینه نوشته‌اند.

۳. جواهرالکلام، محمد حسن نجفی، ج ۱۲، ص ۱۶۴؛ فقها بیشتر استخاره را به معنای مطلق خیر به کار برده‌اند. ر.ک: شرح اللمعه، ج ۵، ص ۸۸ جواهر الکلام، ج ۱۲،



با توجه به همین معنا بایست سخن امام صادق علیه السلام را دریافت که فرمود: پدرم همان‌گونه که سوره‌ای از قرآن را به ما یاد دادند استخاره را نیز تعلیم می‌دادند.<sup>۱</sup>

دعای سی و سوم صحیفه تار و پودی از مفاهیم بلند را به زیبایی بر قامت کلمات پوشانیده تا ما را با حقیقت این امر آشنا سازد.

حضرت در ابتدا با تمسک به علم بی‌نهایت الهی و توجه به جهل آدمی دست نیاز به سوی حضرت دراز کرده و از خداوند می‌خواهد که خیر را به قلب او الهام نماید. خیر در این دعا آن است که به رضایت ابدی حق و تسلیم کامل آدمی در برابر حق منجر گردید.

از فرازهای دعا می‌توان دریافت که محور اساسی استخاره اعتماد و باور به علم و فضل و قدرت بی‌نهایت حق است. در غیر این صورت تحقق خیر برای آدمی، بنده سر تسلیم در برابر آن فرو نمی‌آورد و به دنبال امر دل خواه خویش می‌باشد.

به روی غیر تو گر قصد یک نظاره کنم

همان به مصحف روی تو استخاره کنم

← صص ۱۶۷، ۱۶۲؛ ابن ادریس، السرائر الحاوی، چاپ سنگی، ص ۳۰۶.

محقق اردبیلی در زبدةالبیان ذیل آیه شریفه «و ان تستقسمو بالازلام» گوید: از این آیه شریفه حرمت و عدم جواز این استخاره‌های متداول در میان عرف مردم استنباط می‌شود. ولی اکثر علماء به جواز بلکه استحباب آن فتوا داده‌اند. آیه شریفه دال بر حرمت این استخاره است مگر این که دلیل خلصی داشته باشیم که استخاره متداول را از شمول آیه که حرمت منصوصه دارد خارج می‌کند. زبدة البیان فی احکام القرآن، احمد اردبیلی، ص ۶۲۶.

۱. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۲۲۳؛ شبیه این مضمون را جابر بن عبدالله انصاری در رابطه با پیامبر فرموده‌اند (مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۳۶).

## دعای سی و چهارم

از جمله اسماء الهی خطاپوشی و گنه‌پوشی است. ستاریت حق منجر به شکل‌گیری روابط اجتماعی و اعتماد بین افراد می‌گردد<sup>۱</sup> به تعبیر سعدی خداوند پرده ناموس بندگان را به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی خوران را به خطای منکر نبرد.

سزاست که بندگان نیز در برابر احسان حق تعالی، تخلق به این صفت حق یافته و عیب یکدیگر را ببوشانند. دعای سی و چهارم صحیفه آن هنگام خوانده می‌شود که اسیر گناه شده یا گنهکاری را مشاهده نماییم. این دعا نیز بسان اکثر ادعیه صحیفه از زبان انسانی است عادی و نه معصوم از گناه، از این رو در انتهای این دعا حضرت خواستار اطاعت از آل محمد صلی الله علیه و آله می‌نماید با آنکه حضرتش از مصادیق آن می‌باشند.

دعا با یادی از خطاهای بنده آغاز می‌گردد. خطاهایی که در محضر حق تعالی بوده و خداوند آگاهی از آنها داشته اما با این حال عافیت خود

---

۱. در دعای ۱۶ حضرت از خداوند می‌خواهد عیب‌های مرا نزد همسایگان عیب جو آشکار نسازد.

را از آنان دریغ نکرده است. عافیت حق پرده‌ای بر دیدگان خلق آویخته و سدی در برابر شنیدن آن ایجاد کرده است. حضرت خواستار آن است که این نعمت حق را با غفلتش به نعمت مبدل نسازد بلکه به بهترین نحو بهره جوید.

همانطور که در قرآن کریم اطاعت رسول و ولی در ردیف اطاعت حق قرار گرفته است. برگشت به سوی ولی خدا و اطاعت از وی نیز بازگشت به سوی خداوند است. از این رو حضرت در انتها از خداوند طلب می‌کند که در برابر فرامین پیامبر و آلش خاضع و مطیع باشد.



## دعای سی و پنجم

رضا در لغت به معنای خشنودی و ضد سخط است و به معنای اختیارکردن نیز آمده است و اصل این ماده به موافقت میل آدمی به آنچه با آن مواجه است دلالت دارد<sup>۱</sup> در اصطلاح عبارت است از ترک اعتراض بر مقدرات الهیه در باطن و ظاهر، قولاً و فعلاً<sup>۲</sup> به گونه‌ای که بنده مقامی بیشتر از آنچه خدا آن را قرار داده است، طلب نکند.<sup>۳</sup>

دعای سی و پنجم صحیفه سجادیه در بیان مقام رضا است. حضرت ضمن بیان مقام رضا نکات معرفتی نیز که نگرشی آدمی را تغییر می‌دهد و در سایه این تغییر مقام رضا حاصل می‌آید را بیان می‌کند. حضرت اختلاف در عطای حق را مایه آزمایش بندگان الهی می‌داند. همچنین ثروت را مؤلفه حقیقی شرافت و عزت نمی‌داند و شرافت و عزت را با

- 
۱. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، ج ۲، ص ۸۰؛ قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ج ۳، ص ۱۰۴؛ مصباح المنیر، احمد بن محمد معزی فیومی، ص ۲۳۰؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ج ۴، ص ۱۵۲.
  ۲. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، ص ۶۱۲.
  ۳. شرح منازل السائرین، خواجه عبدالله انصاری، ص ۱۱۴.

پرستش حق‌گرمی زند و از خداوند ثروت بی‌پایان و عزت مانا را طلب می‌کند.

با همین نگرش در این دعا به خداوند عرضه می‌دارد: سپاس مرا از خودت برای آنچه از من دریغ داشتی بیش از سپاسم بر آنچه عطا کردی قرار ده!

البته مقام رضا با ظلم ستیزی و جهاد با ظلم‌های اجتماعی همساز است. این جمع را به خوبی در سیره اهل‌بیت می‌توان مشاهده کرد. همچنان‌که دعا کردن با رضای الهی قابل جمع است.





## دعای سی و ششم

از جمله پدیده‌های آفاقی و شگفت‌انگیز که انسان در اثر تکرار و آشنایی روزمره، آن را ساده و عادی فرض می‌کند و آن را منسوب به طبیعت می‌داند، رعد و برق است. خداوند رعد و برق را از نشانه‌های عظمت و قدرت لایزال خود یاد کرده است<sup>۱</sup> برق طبق بیان الهی هم مایهٔ ترس است و هم مایهٔ امید (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران) برقی که از قطعات ابر به وجود می‌آید، از یک طرف با درخشندگی خاص خود و صدای مهیب رعد که از آن برمی‌خیزد، گاهی انسان را به وحشت می‌اندازد. وحشتی که در زندگی بشر امری ملموس است. تمامی عذاب‌های الهی صورتی دیگر از نمادهای رحمت و زندگی در این جهان است. قوم لوط با زلزله و آوار و سنگ‌های آسمانی (خاک)، قوم فرعون و نوح با آب دریا، قوم عاد با تند باد، و قوم ثمود با صاعقه و آتش هلاک شدند.

---

۱. من آیاته یریکم البرق خوفا و طمعا و ینزل من السماء ما فیحیی به الارض بعد موتها ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون (روم / ۲۴).

دعای سی و ششم که نیایش حضرت است آن هنگام که به رعد و برق می‌نگریست یا بانگ تندر را می‌شنید تصویرگر همین نگاه توحیدی به عالم است. که رحمت و عذاب آن است که خدا اراده کند و اگر لطف حق بازگردد عذاب در لباس رحمت خود را باز می‌نماید.



## دعای سی و هفتم

از مسائلی که فرهنگ اسلامی بر آن تأکید کرده و در قرآن و روایات به عنوان خصلتی ارزنده و نیک برای انسانها بیان شده شکرگزاری و سپاس از بابت نعمتهای الهی است. خداوند، نیازی به عبادت و تشکر ما ندارد و قرآن، بارها به این حقیقت اشاره نموده است.<sup>۱</sup>

ولی توجه ما به او، مایه عزت و رشد خود ماست، همانگونه که خورشید نیازی به ما ندارد، این ما هستیم که اگر منازل خود را رو به خورشید بسازیم، از نور و روشنایی آن استفاده می‌کنیم.

یکی از ستایش‌هایی که خداوند در قرآن از انبیا دارد، داشتن روحیه شکرگزاری است شکر در مقابل نعمت‌های پروردگار نصیب افرادی می‌گردد که به قرب پروردگار رسیده و در انجام فرامین او کوشیده‌اند. و در پی رضایت او بوده‌اند.

حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل می‌فرماید: «استلک بجدک أن تدنینی من قربک و أن توزعنی شکرک؛ از تو می‌خواهم به بخشش

وجودت که مرا به مقام قربت نزدیک کنی و سپاسگزاری و شکر به درگاهت را نصیبم گردانی».

از همین روست که قرآن شاکر بودن را وصف انبیاء آورده است.<sup>۱</sup> البته توفیق شکر خداوند را باید از خدا خواست، همان‌گونه که حضرت سلیمان از او چنین درخواست کرد: «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ»<sup>۲</sup> ما غالباً تنها به نعمت‌هایی که هر روز با آنها سر و کار داریم توجه می‌کنیم و از بسیاری نعمت‌ها غافل هستیم، از جمله آنچه از طریق نیاکان و وراثت به ما رسیده و یا هزاران بلا که در هر آن از ما دور می‌شود و یا نعمت‌های معنوی، مانند ایمان به خدا و اولیای او، یا تنفر از کفر و فسق و گناه که خداوند در قرآن کرده است.<sup>۳</sup>

دعای بیست و هفتم از دریچه دیگر شکر را تعریف می‌کند. عجز از شکر آغاز شکر حق قرار داده شده است. و به خوبی در دعای حقیقت این عجز را به تصویر کشیده شده است. در این دعا خدا چنان محبوب دیده می‌شود که اگر شیطان بندگان را از حق دور نمی‌ساخت همه مطیع خداوند بودند. نگون‌بخت‌ترین فرد کسی است که در نافرمانی حق هلاک گردد.<sup>۴</sup>

۲. نمل / ۱۹.

۱. اسراء / ۳.

۳. حجرات / ۷.

۴. جز تو ناپد در خیال و در گمان عاجزم از شکر تو با این زبان

## دعای سی و هشتم

هرچند عذرخواهی از بندگان خدا پسندیده و لازم است، در پیشگاه آفریدگار هستی که بی شک همه در برابر او قاصر و مقصریم، زیبایی و سُکوه دیگری دارد. در فرهنگ دعایی شیعی عذرخواهی از خداوند محدود به حق الله نمی باشد. حق الناس نیز در این محدوده می گنجد. در دعای سی و هشتم اشتباهاتی که ما در روابط اجتماعی داشتیم نیز خداوند عذرخواهی می کنیم. عذرخواهی که ما را با حقوق مادی و معنوی مان با یکدیگر آشنا می سازد. عذرخواهی ای که تولید ندامت کرده و زمینه توبه را فراهم می سازد. توبه ای که محبت را برای داعی به ارمغان می آورد.



## دعای سی و نهم

عفو الهی، نادیده گرفتن و به حساب نیاوردن لغزش‌ها و خطاها و عیب‌ها، و محو آثار نامطلوب آنهاست. دعای سی و نهم تصویرگر شخصی است که به دنبال عفو و رحمت حق است. طلب عفو که با معرفت صحیح از حق و از وجودی عاری از هر کینه قرین است. دعاکننده زمینه عفو حتی مخالفین خود را فراهم می‌کند. شخص داعی پس از آن که از تمام ذی‌حق‌های خود می‌گذرد و آنها را عفو می‌کند عرضه می‌دارد: «به جای گذشت من از آنان، گذشت خود را از من، جایگزین فرما و به جای دعای من برای آنان، رحمت را به من ارزانی دار تا هریک از ما به فضل تو نیک بخت شویم و با احسان تو رهایی یابیم.»

در سایه همین عفو از خدا می‌خواهد اگر از داعی ستمی بر شخصی وارد شده و... خدا با بی‌نیازی خویش او را راضی گرداند. و از خداوند جهت رهایی از بار گناهان یاری می‌طلبد. و با زبانی همراه با ادلال به خداوند عرضه می‌دارد: بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا سرمشق کسانی کن که با گذشت خود، از جایگاه سقوط خطاکاران، برخیزانده‌ای و

با توفیقت از گردابهای بزهکاران، رهانده‌ای و بدین‌گونه با گذشت تو از بند خشمت جستند و با احسانت از چنبره عدل تو، رستند.

مضامین امیدبخشی در این دعا یادآور این آیات حافظ است:

عفو الهی بکند کار خویش      مژده رحمت برساند سروش  
عفو خدا بیشتر از جرم ماست      نکته سر بسته چه گویی خموش



## دعای چهلم

مرگ را می‌توان به روزگاری دیگری حواله داد اما کسی را توان انکار آن نیست.<sup>۱</sup> یادکرد مثبت مرگ فواید و برکات بسیاری را در پی دارد. مرگ دیدار خداوند و زیباترین لحظه زندگی اولیای الهی است.<sup>۲</sup> دعای چهلم صحیفه زمزمه آن امام همام است در هنگامی که یاد مرگ کرده یا خبر مرگ کسی را می‌شنیدند. دعایی که با حجم کم حاوی معانی فراوان است.

آرزوی دراز مهم‌ترین عامل فراموشی آخرت است حضرت دواي این درد را عمل صالح می‌داند. دارویی که نه تنها آرزوهای دراز را از ما

---

۱. در روایتی از امام صادق آمده است: و لم یخلق الله یقیناً لا شک فیہ شبه بَشک لا یقین فیہ من الموت؛ خدا هیچ مطلب یقینی تردید ناپذیری مانند مرگ خلق نکرده است که شبیه ترین اشیاء به مطلب مشکوک خالی از یقین باشد (تحف العقول، ص ۲۶۸) در روایتی آمده کسلی نزد پیامبر آمدند و از شخصی به نیکویی یاد کردند. گفتند: تا کنون در این زمینه سخنی از او نشنیده ایم. ایشان فرمودند که شما از وی ستایش می‌کنید نیست.

۲. برای نمونه رک: رساله قشیریه، عبدالکریم بن هوازن قشیری، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ص ۵۲۲ ۵۳۸

بگیرد بلکه مرگ را محبوب و مونس ما قرار دهد و همواره آن را در برابر دیدگان قرار می دهد.

حضرت در فرازهایی حالت عاشقانه بندگان الهی به مرگ را به تصویر کشیده است: هرگاه مرگ را بر ما درآوردی و نزد ما فرو آوردی ما را به زیارت آن خوشوقت دار و با آن مهمان تازه وارد، مانوس دار... آن را دری از درهای آمرزش و کلیدی از کلیدهای رحمت قرار ده.

حضرت در انتهای دعا با تمسک به نامهای خداوند از خداوند مرگ و زندگی درخور بندگان صالح را درخواست می نماید و از خداوند توبه ای که دیگرگناه همراه آن نباشد را تقاضا می کند.



## دعای چهل و یکم

خداوند ستارالعیوب است. و مسمی به «یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح»، از برخی از روایات استفاده می‌شود که بسیاری از قبایح انسان مؤمن از برخی از فرشتگان نیز مستور است.<sup>۱</sup> همین‌طور از روایات استفاده می‌شود که خداوند متعال گناهان توبه‌کنندگان را، هم در دنیا و هم در آخرت، می‌پوشاند.<sup>۲</sup>

از روایات استفاده می‌شود که خداوند متعال نسبت به مؤمنان، هم در دنیا و هم در آخرت ستارالعیوب است؛ اما آنگاه که بنده خدا از ستاریت خدا مغرور شود و حرمت شکنی را از حد بگذارند و به‌خصوص شروع به ریختن آبروی بندگان کند، در این حالت بعید نیست که خدا نیز پرده از کار او بردارد و او را رسوا نماید.

برخلاف سنت یهودی - مسیحی که اعتراف به جرم (Confession) به‌صورت علنی یا شخصی برای کسب مغفرت الهی ضروری تلقی شده

۱. بحارالانوار، ج ۵۴ ص ۳۵۴.

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۳۰ و ۴۳۱.



است.<sup>۱</sup> در فرهنگ شیعه طلب ستر بیشتر از خدای ستار یکی از درخواست‌های فرد مومن از خدای متعال است. دعای چهل و یکم به ما می‌آموزد که چگونه این درخواست را از خدا بخواهیم. در این دعا داعی، خود را از این خواسته فراتر نهاد و از خداوند می‌خواهد که زینت‌المجالس صالحین قرار گیرد.<sup>۲</sup>



۱. ر.ک: فصلنامه هفت آسمان، شماره ۲۳.

۲. واعمر بی مجلس الصالحین.

## دعای چهل و دوم

ختم قرآن به معنای خواندن یک دوره کامل قرآن است؛ ولیکن در هنگام به پایان رساندن هر سوره یا حزب و جزئی، می‌توان «دعاهای ختم قرآن» را زمزمه نمود.<sup>۱</sup> بر اساس روایات، یکی از جایگاه‌های استجابت و قبولی دعا، بعد از تلاوت و ختم قرآن است. دعا هنگام ختم قرآن مستحب و از آداب تلاوت قرآن است.<sup>۲</sup>

از ائمه معصومین در این باره روایاتی نقل شده و مشهورترین این دعاها هنگام ختم قرآن دعای چهل و دوم صحیفه سجادیه است. از بیست مورد استناد صحیفه سجادیه به قرآن کریم بیشترین آن در دعای ختم قرآن آمده است. یکی از محققین یکصد و پنجاه اسم و وصف بر مبنای محتوای این دعا استخراج کرده است.<sup>۳</sup>

- 
۱. لذا «حَدِيفَه» می‌گوید: پیامبر ﷺ بعد از اتمام تلاوت سوره بقره، این دعا را خواند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِالْقُرْآنِ» قرآن و آداب تلاوت آن، مولی محسن فیض کاشلی، ترجمه دکتر اسدالله ناصح، ص ۴۳ و ۴۴، کلون انتشارات محمدی، تهران.
  ۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۸، بخش «قرآن».
  ۳. ر.ک: اسامی و اوصاف قرآن در نیاپش ختم قرآن صحیفه سجادیه، احمد رضا غایی،

دعای چهل و دوم به جهت موضوع آن در دیگر منابع شیعی نیز آمده و نقل شده است.<sup>۱</sup> مطالب و مضمون‌های این دعای فرخنده دربارهٔ چهار موضوع اصلی می‌باشد که عبارت است از: بیان اهمیت قرآن مجید و برشمردن پاره‌ای از مشخصه‌های آن<sup>۲</sup>؛ استدعا از پیشگاه خداوند متعال برای عمل به احکام و رعایت حق قرآن آن و بهره‌مندی از برکات آن چنان که شایسته و بایسته است؛ بیان موقعیت ویژه پیامبر و خانوادهٔ وی دربارهٔ درک حقایق قرآنی و درنهایت عرض ادب به محضر منور حضرت ختمی مرتبت و دعا برای ترفیع بیشتر مقام آن حضرت و فزون ساختن پاداش‌های آن سرور کائنات.

محور این چهار موضوع وجود نعمت قرآن است که نزول این نعمت و حقیقت آن در دست خاندان وحی است. شکر این نعمت علاوه بر عمل به آن سپاس و درخواست دعا برای آورنده و میبندان آن است.

بنابر مضامین دعا قرآن تنها به اصلاح فرد و آخرت نمی‌پردازد بلکه جامعه و دنیای ما نیز بایست بر اساس قرآن شکل گیرد. حضرت به واسطه قرآن از خداوند می‌خواهد تنگدستی و زندگی سالم و خوش در سایه قرآن برای مومنین فراهم آید.

← سفینه: زمستان ۱۳۸۴ شماره ۹، صص ۴۵-۸۲

۱. برای نمونه شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهجد این دعا را با مختصری اختلاف نقل کرده است.

۲. در شرح ریاض السالکین برخی از اوصاف قرآن و آیات الهی توسط مرحوم سید علی خان به خوبی شرح و توضیح داده شده است. برای نمونه برای معنای محکم و متشابه ر.ک: ج ۵، صص ۴۲۲-۴۳۲.

## دعای چهل و سوم

در متون دینی اسلامی به زمان نگاهی متفاوت از نگاه فیلسوفان و... می شود. زمان ظرف عروج مؤمن به ساحت قرب حق متعال است. منازل زمان، مدارج قرب عارف به شمار می آیند. از این رو در این دعا به استقبال آن می روند و لحظه به لحظه آن را ارج می نهند.<sup>۱</sup>

این نوع نگاه به زمان در زبان عرفانی وقت نامیده می شود. وقت میوه مراقبه است که در دل از لطایف غیبی حاصل می گردد.<sup>۲</sup>

اعراب وقتی هلال ماه آشکار می شد به یکدیگر تبریک می گفتند. اسلام توجه را از مخلوق به خالق برگردانیده و ادعیه ای برای آن قرار داده است.<sup>۳</sup>

دعای چهل و سوم یکی از این ادعیه است. این دعا که هنگام نظر به

---

۱. شکل هلال و بدر ز تاثیر شمس نیست

این هست عکس جام تو وان ظل خوان تو

۲. به تعبیر حافظ:

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی حاصل از حیات ای جان این دمست تا دانی

۳. شرح صحیفه سجادیه، علامه مدرسی چهاردهی، ص ۵۴۸

هلال ماه<sup>۱</sup> خوانده می‌شود. قدر دانی از فرصتی برای بندگی است که به سرعت از میان می‌رود.

دعا کردن هنگام رویت هلال سنت دینی است که از پیامبر و ائمه معصومین باقی مانده و اجماع مسلمین بر استحباب آن است. از بین فقها تنها ابن ابی عقیل آن را واجب دانسته است. دعاخوانی هنگام استهلال آدابی دارد از جمله اینکه در مکانی بایستد که ماه را ببیند و رو به قبله بایستد و دست‌های خود را به آسمان بلند کند و مضامین را بخواند.<sup>۲</sup>

در تفسیر دعا که آیا ماه و فلک‌های دیگر واجد حیات هستند و حضرت به بیان حقیقی با آنان سخن گفته و یا نزدیک به زبان شاعران بی‌جان را جاندار فرض نموده اختلاف است. اختلافی که در تفسیر برخی آیات قرآن نیز به چشم می‌آید؛ زیرا در برخی آیات ضمیر جمع عقلاء

۱. هلال را از اهلال گرفته‌اند. اهلال بلند کردن صدا را گویند. از آن جا که مردم هنگام دیدن ماه صدا به تکبیر بلند می‌کردند از این رو به ابتدای ماه هلال گفته‌اند. در معنای هلال اختلاف شده است آیا علاوه بر شب اول و شب دوم و سوم یا شب ۲۶ و ۲۷ ماه را هم در بر می‌گیرد یا خیر؟

برخی گفته‌اند مخصوص شب اول است اگر مخفی بود شب دوم را هلال گویند. اگر چه این اختلاف موجود است اما بهتر است داعی که این دعا را از شب اول تاخیر نیندازد. زیرا قدر متیقن اقوال شب اول است اگر نتوانست بخواند در شب دوم و سوم بخواند.

فلزایی در دیوان الادب و جوهری در صحاح قائلند که سه شب اول هر ماه را هلال گویند (دیوان الادب، ج ۳، ص ۹۳؛ الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۵۱) پنبرگفته ازهری دو شب اول هر ماه و شب ۲۶ و ۲۷ را هلال گویند (تهذیب اللغه، ج ۵، ص ۳۶۶) برای مطالعه بیشتر ر. ک: مجمع البیان، ج ۱ و ۲، ص ۲۸۳.

۲. رو به قبله ایستادن منافاتی با خطاب قرار دادن هلال ندارد. هر چند ممکن است در این هنگام قرائت مضامین که ماه را مخاطب قرار می‌دهیم بتوان رو به ماه خواند.



برای اجسام آمده است. برای نمونه «والشمس والقمر کل فی فلک یسبحون»<sup>۱</sup>.

دعای چهل و سوم با سخن گفتن با هلال آغاز و با مکالمه با خداوند ادامه می‌یابد و با صلوات پایان می‌پذیرد. دست قدرت خداوند را در هستی دیده و خواسته‌های خود را در سایه اسم منان و حمید از خداوند طلب می‌کند. در این دعا حضرت هم برای ماه خصوصیتی می‌طلبد که همگان از آن بهره‌مند گردند و هم با ضمیر جمع برای خود و اطرافیان طلب خیر می‌کنند.

سؤالی که در هنگام خواندن این دعا به ذهن می‌آید آن است که چرا حضرت برای ماه تعبیر کسوف را به کار برده و برای ماه تعبیر خسوف را؟ در جواب بایست گفت طبق نظر اهل لغت برای گرفتگی هر دو می‌توان کسوف<sup>۲</sup> و خسوف<sup>۳</sup> را تعبیر نمود. هر چند تعبیر خسوف برای قمر و کسوف برای خورشید زیباتر است.<sup>۴</sup>

همچنین می‌توان این‌گونه گفت از آن‌جا که خسوف فاصله شدن زمین به ماه و خورشید است و کسوف هم فاصله شدن ماه بین زمین و آسمان است و زوال نور گاه به واسطه زمین و گاه هم برای این زمین است. از این رو از کسوف مطلق زوال نور است چه به واسطه زمین و یا برای زمین است.

۱. جمع واو و نون حقیقتاً برای عاقل استعمال می‌شود.

۲. المصباح المنیر، ص ۷۲۳.

۳. تهذیب الاسماء و اللغات، نووی، القسم الثانی، ج ۱، ص ۹۰.

۴. لسان العرب، ج ۹، ص ۶۷.

## دعای چهل و چهارم

ماه رمضان نهمین ماه از ماههای قمری است. این ماه آغاز سال عبادی است. زیرا در این ماه بندگان الهی توشهٔ قرب به درگاه خدا را برای کل سال فراهم می‌کنند و در طول سال از آن بهره‌مند می‌گردند.<sup>۱</sup> در متون روایی مطالب فراوانی در بزرگداشت این ماه آمده است.<sup>۲</sup> در شرافت این ماه همین بس که تنها ماهی که نام آن در قرآن کریم آمده این ماه است. اهل لغت در رابطه با معنای ریشه این کلمه اختلاف دارند.<sup>۳</sup> پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «انما سمی رمضان لان الرمضان یرمض الذنوب؛ رمضان را رمضان نامیدند برای آن که گناهان را می‌سوزاند.»

دعای چهل و چهارم صحیفه مربوط به وقت آغاز ماه مبارک رمضان می‌باشد. حضرت با شروع این ماه این دعا را زمزمه می‌کردند. دعایی که با توجه خاصی به حمد الهی آغاز شده و مؤمنین را اهل حمد خوانده

---

۱. اقبال الاعمال، ج ۱، مکتب الاعلام الاسلامی، ص ۳۰ ۳۱.  
۲. اقبال الاعمال، ج ۱، مکتب الاعلام الاسلامی، ص ۳۰ ۳۲۳.  
۳. ریاض السالکین، ج ۶، ص ۱۰ ۱۱.

است. دعاکننده با باری از گناهان، خود را در برابر دریایی از عنایت می‌بیند. که بی‌بهره‌گشتن از آن به حقیقت جز شقاوت نیست<sup>۱</sup> و احتمال فرصتی این چنین به این زودی‌ها رخ نخواهد داد.<sup>۲</sup>

دعایی که بسان دیگر ادعیه افق وسیعی از بندگی را در برابر ما می‌گشاید. ماه رمضان که اوج بندگی است، که واسطه بین بنده با خدا می‌شود و نامش در کنار انبیاء و بندگان صالح می‌نشیند و بالاترین بهره از رحمت حق را خواهان است.<sup>۳</sup> ماه: حمد، اسلام، پاکی<sup>۴</sup> پالودگی،<sup>۵</sup> سبیل احسان<sup>۶</sup> نام گرفته، اما برای اهل دقت اضافه شهر به ضمیر منفصل اول شخص غایب حکایت از نکات رفیعی دارد.<sup>۷</sup>

روزه که طبق بیان حضرت همراه با محدودیت‌های رفتاری در اعمال جوارحی و جوانحی<sup>۸</sup> است از نگاه امام نشانه فضل و احترام خدا برای این ماه است. که معرفت این فضل و جایگاه امری است الهامی.<sup>۹</sup> از نکات زیبای دعا این است که هنگام ذکر عظمت روزه از اهمیت

۱. کافی، ج ۴، ص ۶۶. ۲. فضایل الاشهر، ص ۱۰۰ ۱۱۷.

۳. اللهم انی اسئلك بحق هذا الشهر. ۴. طهور.

۵. تمحیص.

۶. این تعبیر در دعای وداع هم آمده است. از کاربرد احسان در دعای بعد یافت می‌شود که احسان آن امری است که ما را به خداوند بیشتر نزدیک می‌سازد. رسول خدا نیز احسان را دیدن خدا در وقت عبادت یا احساس دیده شدن در آن هنگام تفسیر کرده‌اند. (ر. ک نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۳).

۷. برای اطلاع بیشتر به تفسیر مرحوم آقلی شاه‌آبادی در مورد تعبیر انزلناه در سوره قدر مراجعه شود. ر. ک: پرواز در سکوت، سیداحمد قهری زنجلی.

۸. عدم سمعه و ریا.

۹. و الهمنا معرفة فضله.

نماز گفته می‌شود که اساس دین در سایه روزه کم‌رنگ نگردد.<sup>۱</sup>  
 همچنین برای این که روزه ما را به کنجی نبرد توفیق صلهٔ رحم و  
 نیکوکاری و اخراج زکات و... برای دوست و دشمن می‌طلبد. و برای  
 دشمن شخصی - غیرمکتبی و اعتقادی - ارتباط نیکویی را خواهان است.  
 حضرت خواسته‌هایی از خدا می‌طلبد که باب معرفت را به روی  
 خواننده باز می‌کند از جمله: الحاد در توحید<sup>۲</sup>، کوتاهی از تمجید، کوری  
 در راه خدا و...



۱. از سویی نماز همراه با مقدمات بهتر و وصولی بهتری را نتیجه می‌دهد لذا بهترین نمازهای سال در این ماه شکل می‌گیرد.
۲. الحاد به معنی انحراف و کج رفتن است.  
 در تفسیر «الحاد در اسماء خدا» دو قول از مفسران آمده است:  
 یک) به جای توصیف خدا به اسم‌های نیکو، او را به وصفی که لایق وی نیست متصف کنیم، مثل آنکه او را پدر بنامیم و برایش پسر قائل شویم (چنان که مسیحیان می‌گویند. اب و ابن و روح القدس) و مثل آن که مشرکان، ملائکه را بنات الله می‌نامند و از جنیان برای خدا همسر قائلند و در رد آنها در سوره جن می‌فرماید: «وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا» (جن ۳/).
- دو) اسم‌های خدا را بر غیرخدا اطلاق کنند، مثلاً از کلمه الله، کلمه اللات را برای یک بت و از کلمه العزیز، کلمه العزى را برای بت دیگر بکار برند.  
 علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان، جمع بین هر دو قول فرموده و هر دو را مصداق «الحاد در اسماء الله» دانسته است. ولی ظاهر این است که بین این دو قول، جامعی متصور نیست و به ناچار یکی را باید انتخاب کرد. و ظاهراً قول اول صحیح است و قول دوم الحاد در ذات خداست، نه در اسم او.

## دعای چهل و پنجم

طواف عاشقانه با طواف خائفانه آمیخته است. آنکه در طواف عاشقانه طعم قرب را می‌چشد، هراس زوال قرب، قلبش را فرا می‌گیرد و همواره در خوف هجران است. به حق قرب حاصل از ماه رمضان و فرازهای دعای چهل و پنجم صحیفه همچون:

«بدرود ای ماه دست یافتن به آرزوها، بدرود ای یاری گرما که در برابر شیطان یاری مان دادی، بدرود ای که هنوز فرا نرسیده از آمدنت شادمان بودیم و هنوز رخت بر نبسته از رفتنت اندوهناک.<sup>۱</sup>»

طبق روایات وداع با ماه مبارک رمضان در آخرین شب آن واقع خواهد شد. پس اگر از کمی ماه بترسد آن را در دو شب قرار دهد.<sup>۲</sup>

دعاکننده در وداع ماه مبارک رمضان باید تمام گفتار و رفتار خود و نوع برخورد خویش را با چنین ماهی، از نخستین روزهای ماه صیام در نظر

---

۱. یادآور این بیت است.

محنت قرب ز بعد افزون است      دلم از محنت قریش خون است

۲. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۷۲.



آورد و دقیقاً حسابگر خویش شود، اگر برخوردارش کامل و تمام عیار بود شکر خدا را به جا آورد، و از خداوند متعال توفیق تکرار و تداوم عملش را بخواهد، و اگر در برخوردارش کوتاهی کرده و در مصاحبتش با آن نقصی مشاهده می‌کند از پروردگار طلب عفو نموده و جبران آن را طلب نماید.

دعای چهل و پنجم با بهره‌گیری از آیات قرآن و اسماء قدسی خداوند که حکایت از عطا‌های بی‌حساب<sup>۱</sup> و کریمانه الهی<sup>۲</sup> دارد؛ عفو و بخشش الهی را طلب نموده و خواهان بهره‌مندی از برکات این ماه شریف است. ماهی که انسان با ملک شباهت بیشتری یافته است. به تعبیر این دنیا برتری دین اسلام<sup>۳</sup> بر دیگر امم به برکت این ماه شریف است که خداوند قرآن و نور را در این ماه نازل کرده است و اسباب سودآوری برای مؤمنین را شده است. ماهی که امام سجاد در ورود و وداع، آن را ماه جلب احسان<sup>۴</sup> خداوند خوانده، احسانی که معدنش باقی و جاودانه است.<sup>۵</sup>

ماه رمضان گرامی‌ترین مصاحب آدمی است که ترک و وداع با او برای حضرت با وحشت و غم فراوان همراه است. حضرت با تعبیری گوناگون و متفاوت که بوی محبت از آن شنیده می‌شود با ماه رمضان وداع می‌کند.<sup>۶</sup>

۱. «بنیت افعالک علی التفضل؛ کارهای تو بر تفضل بنا شده است.»

۲. یا من لا یندم علی العطاء؛ ای که از بخشش پشیمان نمی‌گرددی.

۳. دین را در این دعا راهی است که ما را به کرامت می‌رساند و بهترین موقعیت این عروج به آن مقصد والا ماه رمضان است.

۴. از فراز ۱۷ دعای «و لو دل مخلوق مخلوقا من نفسه علی.. کان منعتا بالاحسان» می‌توان دریافت که احسان الهی به تعبیری همان لطف متکلمین است که خداوند جمیع آنچه بنده را به خود نزدیک کند فراهم می‌آورد.

۵. ان معادن احسانک لاتفنی.

۶. در عربی سلام هم به معنای تحیت است و هم وداع، در این دعا سلام به معنای

تعبیر زیبای این دعا درباره توبه<sup>۱</sup> و گنهکاری که به خود ظلم نموده و مبتلای گناه شده و برخورد کریمانه حق حال توبه را در خواننده ایجاد می‌کند. تصاویر زیبایی از حال بنده‌ای که احسان و فضل الهی او را به ستایش واداشته و نعمت و احسان الهی او را غرق نموده است. در جای دیگر خداوند را این‌گونه می‌ستاید: تو از آنچه بندگان آرزومند آنند سرشاری... و کسی که نزدیک شدن به تو را می‌خواهد نزدیکی<sup>۲</sup>.

در این دعا صدقه برای نجات از غضب خداوند و تحقق رضای الهی بهترین دست‌آویز است.



← خداحفظی به کل رفته است. در روز عاشورا هم هر یک از یاران امام حسین علیه السلام که می‌خواست به میدان نبرد آخرین برود، سلام و دُعا سر می‌داد. به این صورت که: السلام علیک یا بن رسول الله و امام جواب می‌فرمود: «و علیک السلام و نحن خلفک؟ یعنی ما هم از پی خواهیم آمد. ر.ک: مقتل الحسین، مقرر، ص ۳۰۵.

۱. در این دعا حضرت حتی از اندیشه ناپسندی نیز توبه می‌کند.

۲. انت الملی بما رغب فیهِ الیک القریب ای من حاول قربک.

## دعای چهل و ششم

روز عید فطر روز بسیار مهمی برای مسلمانان است؛ زیرا پس از یک ماه روزه و تهجد و عبادت، برای گرفتن پاداش الهی آماده می‌شوند. لذا این روز، از سویی سبب شادی و سرور است چراکه هر مسلمانی از انجام وظیفه الهی خوشحال و مسرور است؛ ولی از سویی چون روز دریافت جوایز الهی است، انسان در حالت خوف و دلهره به سر می‌برد از این که نمی‌داند اعمال یک ماهه او تا چه اندازه مورد قبول قرار گرفته است؟ نیایش چهل و ششم بازتاب همین خوف و رجاست. نیایشی است که حضرت در روز عید فطر، هنگامی که از نماز عید فطر فارغ می‌گشت، می‌ایستاد و رو به سوی قبله می‌آورد. همچنین این دعا را در روز جمعه می‌خواندند.

دعا با یادی از اسماء حسنی حق آغاز می‌گردد. اسماء فراوانی که یادآور این بیت فروغی بسطامی است:

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

برخی از این اسماء به واقع حال داعی را منقلب می‌کند: ای آن که کسی را می‌پذیری که سرزمین‌ها او را نمی‌پذیرند...<sup>۱</sup> و کسی را که با تو گستاخی می‌ورزد با دست رد نمی‌رانی...<sup>۲</sup> و ای آن که رو بر تافته از درگاہت را به خویش فرا می‌خوانی...<sup>۳</sup> جام‌های درخواست از فیض تو سرشار می‌شوند.<sup>۴</sup>

از سویی عباراتی آمده که واقع آدمی را در روز عید با خوف روبرو می‌کند: چقدر در عذابت زیر و رو خواهد شد و چه طولانی است سرگردانی با کيفرت و چه دور است که در کار او گشایش حاصل شود...<sup>۵</sup> اما با این حال خدا همواره مهلت به بندگان داده تا حجت بر آن‌ها کامل شود و این خود امیدی است برای داعی و در ادامه حضرت از خداوند می‌خواهد که روزم (عید فطر / جمعه) را به ناکامی به پایان مبر.<sup>۶</sup>

پژوهش‌های علمی و پژوهشی

- 
۱. یا من یقبل من لاتقبله البلاد.
  ۲. یا من لا یجبه بالرد اهل الداله علیه.
  ۳. یا من یدعوا الی نفسه من ادبر عنه.
  ۴. و امتلات بنیض جودک او عیه الطلبات.
  ۵. ما اکثر تصرفه فی عذابک و ما اطول ترده فی عقابک و ما بعد غایتته من الفرج.
  ۶. و لا تختم یومی بخبیتی.

## دعای چهل و هفتم

نهم ذیحجه را روز عرفه گویند. این روز از روزهای مهم برای مسلمانان و از جمله شیعیان است. گرچه عید نامیده نشده اما همچون عید خوانده شده است مرحوم «علامه مجلسی» می‌گوید: روز عرفه از اعیاد بزرگ اسلامی است و کسی که بتواند این روز را در «عرفات» باشد، توفیق بزرگی دارد. این روز اعمال و دعاهاى فراوانی دارد و بهترین عمل در این روز، دعا است.<sup>۱</sup>

این روز، برای تقویت معرفت الهی، و رابطه عمیق‌تر با حضرت حق و شناخت صفات جمال و جلال پروردگار، بسیار مناسب و مغتنم است. امام باقر علیه السلام از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت در روز عرفه جمعی را مشاهده کرد که دست نیاز به سوی مردم دراز کرده و کمک می‌خواستند! حضرت فرمود: وای بر شما! آیا از غیر خدا در این روز حاجت می‌طلبید در حالی که در این روز امید می‌رود که فضل خداوند حتی شامل بچه‌هایی شود که در شکم مادرانند.<sup>۲</sup>

۲. خصال، جلد ۲، صفحه ۵۱۷، حدیث ۴.

۱. زاد المعاد، صفحه ۲۵۶.



اشتغال به دعا پس از نماز ظهر و عصر در این روز و نیز اجتماع مردم جهت دعا در این روز استحباب دارد.<sup>۱</sup>، بلکه دعا در روز عرفه از روزه افضل است؛ از این رو، چنانچه روزه موجب ضعف انسان از دعا گردد، کراهت دارد؛ لیکن در صورتی که موجب ضعف نشود مستحب است.<sup>۲</sup>

دعای چهل و هفتم صحیفه یکی از ادعیه است که در این روز خواندن آن مستحب است. محور این دعا شناخت حق و خلق است.

پس از الحمدلله رب العالمین که ادب قرآنی است بر آغاز کلام، خدای را با توحید و تهلیل (فرازهای ۱۲-۱۱) و بیان کبریایی حق (فرازهای ۱۳-۲۱) یاد کرده پس از آن با تسبیح (فرازهای ۲۲-۳۱) و حمد خدای تعالی (فرازهای ۳۲-۴۹) شناخته و در ادامه با صلوات‌های مکرر بر محمد و آل محمد و درخواست‌های نزول برکات الهی بر آنان (فرازهای ۵۰-۶۰) به جایگاه رفیع امامت پرداخته است.<sup>۳</sup>

(فرازهای ۶۵-۶۰)

حضرت در ادامه به روز عرفه که روزی است که خداوند به آن شرافت و کرامت و سترگی بخشیده و رحمت خود را گسترانیده و با گذشت خود بر بندگان منت نهاده و عطای خود را در آن فراوان کرده و به بندگان نیکی

۱. بحار الأنوار ج ۹۸، ص ۲۱۲؛ وسائل الشیعه ج ۱۳، ص ۵۵۹ - ۵۶۰؛ جواهر الکلام ج ۷، ص ۲۰۲؛ جواهر الکلام ج ۱۷، ص ۱۰۳.

۲. جواهر الکلام ج ۱۷، ص؛ جواهر الکلام ج ۱۷، ص ۱۰۳.

۳. وجود صلوات‌های فراوان در دعای روز فطر و قربان صحیفه حکایت از ارتباط میان اهل بیت با این دو روز دارد. در هر دو دعاهم مفهوم امامت مورد توجه قرار گرفته است.

ورزیده معرفی نموده و در ادامه شروع به معرفی خود می‌نماید و خواسته‌های خود را در ضمن و بعد از آن از حق تعالی درخواست می‌کند (فرازهای ۶۶-۱۳۳).

تعبیر زیبایی در رابطه با خدا و بندگان و خواسته‌های بنده از خدا در این دعا آمده که داعی را امیدوار به رحمت حق می‌سازد. برای نمونه خطاب به حق می‌فرماید: «ولا یئده المترفین؛ سرخوشان را نمی‌رانی». یا در معرفی خود تعبیر بسیار وجودی به کار گرفته شده: «انا الجانی علی نفسہ.. انا طویل العنا؛ منم که با خود جنایت ورزیدم... و آنم که به رنجی ژرف گرفتارم.»

یا درخواست‌های بنده از خدا می‌خوانیم: «فاحینی حیاة طیبه تنتظم بما ارید؛ پس مرا با زندگانی پاکیزه‌ای زنده بدار که آن چه می‌خواهم برایم فراهم کند.» یا می‌خوانیم: «کن لی کما تکون للصالحین؛ برای من باش آن گونه که برای صالحینی!».

## دعای چهل و هشتم

روز عید قربان بسیار روز شریفی است. با شروع روز عید باید بر تمامی کارهایی که باعث رضایت و جلب عطوفت پروردگار است، مواظبت نمود. نام دیگر عید قربان، عید اضحی و عیدخون است. روز اثبات عشق و تسلیم در برابر امر الهی، روز آزمایش و امتحان حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام که از آن سربلند بیرون آمدند.

انسان موحد که به حکم و قوف در عرفات و مشعر، به مقام والای معرفت الله و خداشناسی کامل رسیده و تمام تمایلات نفسانی در نظرش خاک و سنگ آمده و غرق در دریای محبت خالق بی همتا و مهربان شده، طبیعی است که از کشتن و سربردن هر موجودی که سر راه بر او گرفته و مانع رسیدن به قرب الهی است، دریغ و مضایقه نخواهد داشت. اگرچه آن موجود فرزند عزیز و یا جان خود و خواهش های درونش باشد.

نیایش چهل و هشتم صحیفه نیایشی است که حضرت در این روز و در روزهای جمعه هر هفته می خواندند. حضرت روز عید قربان و جمعه را روزی خجسته دانسته که مسلمانان در این روز گرد هم می آیند. حضرت

مسلمان را در این گردهمایی به چهار گروه: سائل، طالب، راغب و راهب تقسیم می‌نماید.

حضرت در این دعا نیز بسان دعای عرفه صلوات فراوان خوانده می‌شود. در انتهای دعا نیز حضرت هزار بار صلوات می‌فرستد. روز عید قربان را با امامت گره می‌زنند. امامت و پیشوایی در عید را حق خلقا و اصفیای الهی می‌دانند (۹-۱۰) عیدانه عید را مغفرت و رحمت الهی دانسته و توشه خود را برای این عیدی فقر و مسکنت قرار می‌دهد. (۴) تمامی دعا بسط همین خواسته است.



## دعای چهل و نهم

مؤمن در مسیر اعلای کلمه توحید و گام برداشتن در مسیر بندگی با مخالفان فراوانی روبروست. دشمنانی که دائماً بر اساس خبث باطنشان به مکرریزی مشغول بوده و مردم را از درگاه الهی دور می سازند. این نیایش تصویری از بنده‌ای نشان می دهد که خود با جهالتش و دشمنش به خاطر کینه اش در فضایی هلاکت‌وار گرفتار شده و تنها امیدش در این میان یاری حق است. بنده در این میان دست‌آویزی جز توحید در درگاه حق ندارد. تصویرسازی‌ای که در این دعاست کم نظیر است. تصویری از نهایت دشمنی که ناگاه بارقه لطف حق ظاهر شده و بنده را از مهلکه رهانیده و مکرکنندگان گرفتار مکر خود شده و به هلاکت می رسند. لطف و عنایتی که بر پایه فضل استوار است و بنده هیچ‌گونه سزاواری برای خود در آن نمی بیند.

در تنها دعایی که نامی از امیرمؤمنان آمده این دعا است. حضرت از خداوند درخواست می کند: «اللهم انی اتقرب الیک بالمحمدیه الرفیعیه و العلویه البیضاء».



دعا با خواسته‌ای زیبا به انتها می‌رسد: «فهب لی یا الهی من رحمتک و دوام توفیقک ما اتخذه سلما اعرج به الی رضوانک؛ خداوندا از رحمت خود و دوام توفیق خویش به من ارزانی دار؛ چندان که با آن نردبانی برای فرارفتن تا بلندای خشنودی‌ات بسازم.»



## دعای پنجاهم

لغت رهب در زبان عربی به معنای ترس همراه با اضطراب است. این لغت با هرب به معنای فرار بنا بر اشتقاق کبیر<sup>۱</sup> ارتباط معنایی دارد. با این توجه رهب که با عنوان دعا در ارتباط است بر فرار آدمی از روی ترس دلالت دارد. ارتباط میان این دو کلمه را می‌توان در متن دعای پنجاهم صحیفه سجادیه دریافت. بنده چنان از گناهان و عقوبت حق هراسناک است که می‌خواهد پا به فرار گذارد. اما فرار از خداوند معنا ندارد. آن چه باید از آن فرار کرد زشتی‌ها و بدی‌هاست. در روایت برترین هجرت را هجرت از بدی‌ها خوانده‌اند.

دعای پنجاهم تصویرگر حالت بنده‌ای است که تنها راه خود را رجوع به حق تعالی می‌داند. از این رو با بیان‌های خود سعی به جوشش رحمت حق دارد.

---

۱. اشتقاق کبیر تغییر و جابه جایی صامت‌های یک کلمه سه یا چهار حرفی است که میان آن‌ها معنای مشترکی وجود دارد. مثلاً کلم با کمل. برای اطلاع بیشتر ر.ک: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ذیل مدخل اشتقاق.

در دعاهایی که از زبان معصومین نقل شده فراوان می‌توان اعتراف به خطا را مشاهده نمود. در این اعتراف‌ها به یاد کلی از گناهان بسنده شده و از گناهان رفتاری ذکری به میان نمی‌آید. و با یاد از علم الهی نیازی به ذکر موارد آن نمی‌باشد. از این رو در فقرات ابتدایی این دعا با ذکر علم حق از شمارش گناهان صرف‌نظر شده و به اعتراف بسنده شده است.

دعا با یادی از نعمت‌های حق که به بنده عطا شده و با تمسک به آیه ۵۳ سوره زمر<sup>۱</sup> - که با هفت نشانه تاکید از رحمت الهی یاد شده است - از خداوند درخواست عفو و بخشایش از حق کرده و با تمسک به اسمای مخزون الهی برای رهایی از آتش غضب الهی طلب مغفرت می‌نماید و در پایان با یادی از اسمای جمال و جلال الهی طلب رحمت می‌نماید.

دعاکننده با یاد خاطراتی که از عفو الهی دارد و از دیرباز مورد عنایت حق واقع شده گذشت و عفو الهی را طلب می‌کند.

از نسامه سیاه نترسم که روز حشر

با فیض لطف او، صد از این نامه طی کنم

۱. پیامبرگرامی اسلام این آیه شریفه را محبوب‌تر از دنیا و مافیها دانسته و امیرالمومنین آن را وسیع‌ترین آیه قرآن دانسته است. ر.ک؛ مجمع‌البیان، طبرسی، ذیل آیه ۵۳، سوره زمر.

## دعای پنجاه و یکم

استکانت در دو معنای فروتنی و خضوع، نهادن دو دست بر شانه در حال دعا به کار رفته است. استکانت در حال نماز و دعا مستحب است.<sup>۱</sup> موضوع نیایش پنجاه و یکم زاری و فروتنی در درگاه الهی است. توجه به حمد در ادعیه صحیفه فراوان است. حضرت قبل از تضرع و زاری به حمد الهی می‌پردازد که هم حکایت از این دارد که تضرع ما به نقص عبودیت بازمی‌گردد و دامن کبریایی از گرد نقائص مبراست. در اثنای دعا هم می‌فرماید جان و زبان و خردم تو را حمد می‌کنند.<sup>۲</sup> حضرت در این دعا خدایی را به تصویر می‌کشد که آغوشش را برای بندگان گشوده و در همه حال پذیرای بندگان است و در یک کلام نزد داعی محمود و ستوده است. اسامی خدا با آن خوانده می‌شود که داعی را مشتاق به سوی حق می‌کند: «انت کهنی حین تعینی المذاهب؛ ای که تو پناه من در آن هنگامی که راهها عاجزم می‌کند.»

---

۱. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۱، ص ۴۸۲.

۲. تحمدک نفسی و لسانی و عقلی.

تنها شکوه داعی از ضعف نفس خودش است که او را از سرعت یابی به محضر حق واداشته است.<sup>۱</sup> در فراز پایانی نیز خود را این‌گونه معرفی می‌کند: اگر عذابم فرمایی این منم که ستمکار، کم‌کار، تبه‌کار، گناهکار، مقصر، کاهل، اهمال‌گر بهره خویش هستم و اگر بیامرزی تو مهربانترین مهربانانی.



۱. فیما وعدته اولیازک اشکو الیک یا الهی ضعف نفسی عن المسارعه؛ عجیب آنکه برخی با وجود این عبارات می‌گویند در علل انجام گناه ضعف اراده در مفاهیم دینی نیامده است.



## دعای پنجاه و دوم

یکی از زیباترین حالات بنده در برابر خداوند احساس ذلت و بیچارگی است. در روایت آمده که خداوند موسی را به خاطر آنکه بیش از همه در برابر خدا ذلیل یافت پیامبر خود قرار دارد. اساساً قوام و مدار عبودیت و وصول به سعادت تذلل در برابر حق تعالی است

دعا با گریه‌ای گلوگیر آغاز می‌گردد. دعاکننده خود را در تنگنایی می‌یابد که ساخته و پرداخته خودش است و راهی برای رهایی نمی‌یابد و آخر الامر با مرگ به خداوند رجوع می‌کند. اما در اوج این تیره بسختی و ناراحتی امید به مبدئی دارد که تاکنون توجهی به او نداشته است. در اوج غربت از عالم الهی تنها وسیله جلب رأفت حق را اقرار و پشیمانی از حال خویش می‌داند.

این دعا حکایت حال شخص است که از خواب عمیقی بیدار شده و فریادی بر نفس خواب آلود خود زده و پروردگار خویش را یاد می‌نماید. یادی با اوج تنهایی از فردی که به زودی از میان خلق سفر کرده و بدنش

مدرس شده و در ذهن ها هم یادی از او نمی ماند.<sup>۱</sup>

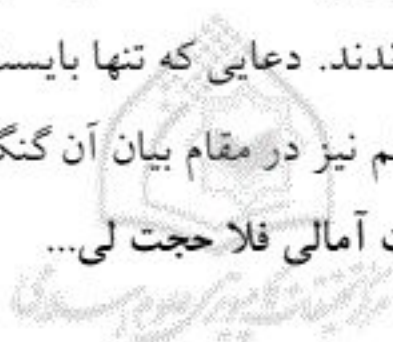
دعا با توجه به صفت علم آغاز می شود که برای بستگان احساس خشیت به ارمغان می آورد. و با یاد اسماء و صفات حق که زمان آن ها را کهنه نمی سازد و با درود بر محمد و آل محمد از خداوند می خواهد: مرا از هر چیز با عبادت خود بی نیاز فرما و با ترس از خویش، مرا از سختی های این جهان تسلی ده و با رحمت خویش، مرا به کرامت خود بازگردان.<sup>۲</sup>



- 
۱. همان طور که در بخش های قبل نیز گفته شده مشی حضرت در این دعاها پسان افراد عادی است. از این رو اشکال نمی توان کرد که طبق روایت بدن معصوم متلاشی نمی شود.
  ۲. ان تغنینی عن کل شی بعبادتک و ان تسلی نفسی عن الدنیا بمخافتک و ان تشنینی بالکثیر من کرامتک.

## دعای پنجاه و سوم

دعای پنجاه و سوم نیایشی است که حضرت در مقام اظهار خاکساری در برابر خداوند می خواندند. دعایی که تنها بایست آن را خواند نه آنکه درباره اش سخن گفت قلم نیز در مقام بیان آن گنگ و لال می گردد. رب افحمتنی الذنوب و انقطعت آمالی فلا حجت لی...



## دعای پنجاه و چهارم

هم و غم آدمی از حالات نفسانی انسان است. غم نتیجه تأثر نفس از حصول امری است مکروه؛ که مشخصه‌اش غالباً اضطراب و تشویق است<sup>۱</sup> این واکنش برای افراد بسیار طبیعی است. اما با وجودی که غم و اندوه معمولاً به مرور زمان کاهش می‌یابد ممکن است به تجربه‌ای دردناک و طولانی تبدیل گردد و باعث درماندگی شدید گردد.

در بیان ادیان الهی آدمی با توجه به حق تعالی می‌تواند برای رنج‌های این جهانی خود معنایی یابد تا این رنج‌ها بدل به گنجی شده و رهرو را از راه باز ندارد.

در صحیفه سجادیه از حالت اندوه با تعبیری چون غم، هم، کرب، حزن، کرث یاد شده است. کاربرد غم در صحیفه هم ممدوح و هم مذموم به کار گرفته شده است. غم ممدوح: غم قیامت (دعای ۴۵) غم از

---

۱. درباره فرق میان هم و غم میان عالمان لغت اختلاف است. برخی از لغویون قائلند سبب حالت غم معلوم است و سبب حالت هم برای شخص مشخص نیست. برخی دیگر متعلق حالت هم را منحصر در امر آتی می‌دانند. (ر.ک: شرح صحیفه سجادیه، مدرسی چهاردهی، ص ۷۲۴).

دست‌رفتن ماه رمضان (دعای ۴۵) ناراحتی برای ضعف دین در جامعه (دعای ۲۷) و غم مذموم مانند: غم قرض (دعای ۳۰) غم تنهایی برای جهاد راه خدا (دعای ۲۷) یاد شده است. برای غم مذموم با تعبیری چون سلطان هم (دعای ۷) پرشدن هم (دعای ۷) و بازدارندگی از عمل (دعای ۷) ذکر شده است. رفع همه غم‌ها و هم‌ها برطرف‌کننده (دعای ۴۸) و شادی‌بخش (دعای ۱۶) و مایه دلخوشی (دعای ۲۰) خداوند است و ستایش خداوند مانع غمگینی برای امور از دست رفته است.

دعای پنجاه و چهارم که در رفع اندوه خوانده می‌شود با اسمایی از اسماء الهی آغاز می‌گردد که با خواسته داعی که رفع این حالت است ارتباط دارد. همچنین در میانه دعا سوره‌های توحید، معوذتین و آیه‌الکرسی خوانده می‌شود که در رفع هم و غم موثر است.<sup>۱</sup>

مضامین دعا آستانه فهم داعی را رشد داده و افق دید او را وسعت می‌بخشد تا اساساً امور را به نحو دیگری دیده و دریابد و از خداوند مکارمی را همچون یقین و توکل و درخواست حب الهی را می‌خواهد که در سایه آن رنج را اکسیری یافته که در کوره ابتلائات آن طلای وجودمان آشکار می‌گردد و در قالب یاد از اسماء تنزیهی حق تعالی از حالت رجس هموم و غموم رهایی یافته و ظاهر می‌گردد.

در مضامین دعا صفت رحمان خداوند را هم برای دنیا و هم برای

۱. در مورد آیه‌الکرسی روایت مبنی بر تاثیر این آیه را می‌توان فراوان یافت. (ر.ک: مجمع‌البیان، ج ۱ و ۲، ص ۳۶۱)؛ معوذتین هم پناه جستن از شرور دنیوی و وساوس باطنی است که گاه غم برخاسته از این حالات است. سوره توحید هم دوی تمامی دردهای باطنی آدمی است.



آخرت قرار داده و محدود به دنیا ننموده است و رحیم نیز که رحمت ویژه مؤمنین است را برای هر دو سرا دانسته است. برخی با توجه به اینکه قیامت تنها مومنین از رحمت بهره می‌برند و کافران و.. در عذابند نتوانسته‌اند حقیقت کلام معصوم را دریابند؟ به نظر می‌رسد این بیان حضرت اشعار بر این دارد که عذاب الهی نیز صورتی از رحمت خداوند است که کافران را در بر گرفته است.

از این رو است که در سوره الرحمن پس از ذکر عذاب الهی می‌فرماید: «فبای الاء ربکما تکذبان» یا در سوره حدید آیه ۱۳ باطن عذاب را رحمت و ظاهر آن را عذاب نامیده‌اند.

ثبات و استقامت در دین خدا وابسته به هماهنگی میان نیت، قول و عمل می‌باشد که در زبان دین از آن به صدق تعبیر شده است. در قرآن کریم مقوله صدق را محدود به زبان نکرده و تعابیری چون قدم صدق<sup>۱</sup> و لسان صدق<sup>۲</sup> و.. آمده است.

راغب اصفهانی صدق را ریشه نیکی‌ها و اساس پیامبری و... می‌داند<sup>۳</sup> بر این اساس در این دعا حضرت از خداوند مرگی صادقانه و توکلی راستین را درخواست می‌کند.

بنابر مضامین دعا مدارج بندگی به ترتیب عبارت است از: ایمان، توکل و یقین؛ بالاترین درجه ایمان مقرون به توکل و بالاترین مرتبه توکل دریافت یقین است. در آیات قرآن کریم هم توکل در کنار ایمان آورده

۲. مریم / ۵۰

۱. یونس / ۲.

۳. الذریعه الی مکرم الشریعه، ص ۱۳۵.

است<sup>۱</sup> و در روایات نیز حد توکل را یقین دانسته است. یقینی که نفوذ حق را در جمیع اشیاء ببیند. حضرت در ادامه هم حالات اولیای الهی را که نمونه برتر و مثل اعلاّی بندگی است را درخواست می‌کند.

